

درک و پاسخگویی به نیازهای کودکان در کلاس‌های فراگیر



تألیف:

روی مک کانکی و همکاران

ترجمه:

ابوالفضل سعیدی

با همکاری:

سوسن ضیایی نجف آبادی و رضا برادری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

درک و پاسخگویی به نیازهای کودکان در کلاس‌های فراگیر

آموزش و پرورش فراگیر

بخش آموزش و پرورش پایه

سازمن تربیتی: علمی و فرهنگی ملل متحد

تألیف: روی مک کانکی و همکاران

ترجمه: ابوالفضل سعیدی

وزارت آموزش و پرورش

سازمان آموزش و پرورش استثنایی

۱۳۸۳

سازمان آموزش و پرورش استثنایی

نام کتاب: درک و پاسخگویی به نیازهای کودکان در کلاس‌های فراگیر

نویسنده: روی مکه‌کانکی و همکاران

مترجمین: ابوالفضل سعیدی با همکاری سوسن ضیایی نجف‌آبادی و رضا برادری

ویراستاری: ابوالفضل سعیدی و سوسن ضیایی نجف‌آبادی

عکس روی جلد: مریم افضلی

ناشر: سازمان آموزش و پرورش استثنایی

چاپ اول: بهار ۱۳۸۳

شمارگان: ۲۰/۰۰۰

لیتوگرافی: چاپ و نشر

شابک: ۹۶۴-۶۴۲۱-۲۵-۳

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

مرکز پخش: اداره چاپ و انتشارات سازمان آموزش و پرورش استثنایی

خیابان انقلاب، خیابان شهید برادران مظفر (صبای شمالی)

تلفن: ۶۴۱۲۰۴۶

فهرست مطالب

پیشگفتار

مقدمه

قدردانی

نگاهی کلی به راهنما

کودکان متفاوتند

مشارکت کامل و عدالت

کمک برای معلمان

اهداف این راهنما

فهرست مطالب

چهارچوب راهنما

پیام‌های کلیدی

گروه‌های مطالعاتی

اطلاعات بیشتر

اصطلاحات کلیدی

فصل اول: هر کودک موجودی منحصر به فرد است

نگاهی کلی به مطالب فصل

موانع یادگیری

آسیب‌دیدگی‌ها

دیدگاه اجتماعی در مورد نارسایی

دیدگاه پزشکی در مورد نارسایی

کاهش نارسایی‌ها

محرمیت

خوراک مغذی

محیط‌های بهداشتی و ترویج سلامتی

عشق و توجه

چرا باید برای کاهش محرومیت تلاش کنیم

حق مشارکت

حق آموزش

الزامات برای معلمان

واکنش‌های معلمان

مروری بر مطالب این فصل

فصل دوم: ارزیابی نیازها

نگاهی کلی به مطالب فصل

مندرجات

بخش ۱: شناسایی نیازها

آسیب‌دیدگی‌های شنوایی

علائم هشداردهنده

علل آسیب‌دیدگی‌های شنوایی

فعالیت‌هایی که معلمان می‌توانند انجام دهند

آسیب‌دیدگی‌های بینایی

علائم هشداردهنده

علل آسیب‌دیدگی‌های بینایی

فعالیتی که معلمان می‌توانند انجام دهند

نارسایی ذهنی

علائم هشداردهنده

علل نارسایی‌های ذهنی

فعالیت‌هایی که معلمان می‌توانند انجام دهند

فلج مغزی

علل فلج مغزی

فعالیت‌هایی که معلمان می‌توانند انجام دهند

مروری بر مطالب این بخش

بخش ۲: انطباق برنامهٔ درسی

چهارچوب فعالیت

چهارچوبی برای انطباق برنامه درسی

بخش ۳: بیماری‌ها و آسیب‌دیدگی‌ها شایع

مروری بر مطالب این فصل

فصل سوم: پاسخگویی به تفاوت‌ها

نگاهی کلی به مطالب فصل

بخش ۱: نه قاعده طلایی

۱. مشمول کردن همه دانش‌آموزان

۲. برقراری ارتباط

۳. اداره کلاس درس

۴. تدوین طرح درس

۵. تهیه برنامه انفرادی

۶. ارائه کمک انفرادی

۷. استفاده از ابزارهای کمکی

۸. اداره رفتار

۹. با هم کار کردن

مرور و بررسی چگونگی تدریس‌تان

بخش ۲: امتحانات

روش‌های دیگری برای امتحان گرفتن

مروری بر مطالب فصل

فصل چهارم: کار مشترک

نگاهی کلی به مطالب فصل

بخش ۱: همکاری مدارس با یکدیگر

بخش ۲: فرهنگ‌های مدارس

بخش ۳: گروه‌های موجود در جامعه محلی

کارکردن با خانواده

کارکنان بخش بهداشت

مددکاران اجتماعی

سازمان‌های افراد دچار نارسایی‌ها

پشتیبانی‌کنندگان در جامعه محلی

مروری بر مطالب این فصل

ایجاد ارتباط

پیشگفتار

از نشانه‌های یک نظام آموزش و پرورش پویا انطباق و انعطاف‌پذیری آن نسبت به پیشرفت‌های علمی و فن‌آوری روز و موفقیت در ایجاد تغییرات اصولی در برهه‌های حساس از تاریخ است. بحث فراگیرسازی آموزش و پرورش یکی از تغییرات عمده در رویکرد صاحب‌نظران نسبت به آموزش و پرورش است که از سابقه‌ای ۴۰ ساله برخوردار می‌باشد و در دو دهه اخیر عمومیت یافته است.

نظام آموزش و پرورش کشورمان گرچه در جهت کسب تجربه در این زمینه گام‌هایی را برداشته است، اما با توجه به سرعت تحولات و حجم تلاش‌های جهانی برای دستیابی به اهداف این رویکرد به تلاشی بسیار وسیع‌تر از آنچه تاکنون بر آن همت نهاد نیاز دارد، فراگیرسازی کلاس‌های درس که در واقع کوچکترین خرده نظام‌های تشکیل‌دهنده این نظامند، از مهم‌ترین ضروریات فراگیرسازی نظام آموزش و پرورش است. بی‌گمان، بدون ارتقاء دانش، تغییر نگرش و افزایش مهارت‌های شغلی معلمان که کارگزاران اصلی این مأموریت عظیمند، هرگونه تغییر، بهبود و نوآوری در نظام آموزش و پرورش ناممکن یا کم اثر خواهد بود. از این رو، تلاش برنامه‌ریزان و مبدعان فراگیرسازی آموزش و پرورش در سطح بین‌المللی بر تربیت معلمان متمرکز شده است.

کتاب حاضر، که در واقع یک راهنمای کاربردی برای معلمان است، دومین مجموعه از راهنماهای آموزش معلمان انتشار یافته از سوی یونسکو می‌باشد که

سازمان آموزش و پرورش استثنایی افتخار دارد در فاصله‌ای از زمان انتشار آن در سطح جهان با تلاش کارشناسان خود نسخه فارسی آن را به چاپ برساند. هدف از انتشار این کتاب آرایه راهنمایی‌های کاربردی به معلمان کشور برای شناسایی نیازهای ویژه دانش‌آموزانشان و پاسخگویی مناسب به آنهاست. اگر چه کتاب حاضر دارای کاستی‌هایی است که با یاری ایزد متعال امیدواریم بتدریج در تجدید نظرهای بعدی تکمیل شوند، اما نخستین مجموعه منسجم از نوع خود برای آموزش معلمان به شمار می‌رود. بدین لحاظ ضمن تشکر و قدردانی از همکاران محترمی که در ترجمه، آماده‌سازی و انتشار این مجموعه نقش مؤثر داشته‌اند، از درگاه باریتعالی صحت و توفیق روزافزون آنان را خواستارم.

امید است این اثر علمی در جهت پویایی هر چه بیشتر نظام آموزشی کشور و ارتقاء کمی و کیفی آن مؤثر افتد.

مجید قدمی

معاون وزیر و رییس سازمان آموزش و پرورش استثنایی

مقدمه

عدالت از آزمون‌های والای تمامی جوامع انسانی است. به نظر می‌رسد یکی از اساسی‌ترین راهکارهای برای دستیابی به عدالت همه‌جانبه، تسهیل دسترسی همگان به آموزش و پرورش کیفی و مبتنی بر مهارت‌های زندگی باشد. اگر چه تجارب بین‌المللی گواه بر آن است که بهره‌مندی از آموزش و پرورش بدون تمهید سایر پیش‌نیازها به عدالت اجتماعی و بهروزی جوامع منجر نخواهد شد،^۱ اما تردیدی نیست که از ضرورت‌های اساسی نیل به آرمان بزرگ است.

کودکان دارای نیازهای ویژه، یعنی کودکانی که به سبب محرومیت یا آسیب‌دیدگی برای بهره‌مندی بهینه از آموزش و پرورش به تمهیدات ویژه‌ای نیازمندند، گروهی از کودکان را تشکیل می‌دهند که همواره در معرض خطر حذف از جریان آموزش و پرورش قرار دارند. به طور معمول حذف آنان از فرایند آموزش و پرورش به دو روش صورت می‌پذیرد:^۲

الف - حذف از جریان آموزش و پرورش به سبب عدم دستیابی به معیارهای خشک و قالبی مبتنی بر یادگیری مواد درسی رسمی مانند ریاضیات، علوم تجربی، علوم اجتماعی و... که به طور معمول در بسیاری از کشورها براساس میزان به خاطر سپاری مفاهیم نظری ارزشیابی می‌شود.^۳

ب - جایدهی آنان در محیط‌های آموزشی خاص مانند مدارس و کلاس‌های ویژه کودکان استثنایی، کودکان یتیم، کودکان تیزهوش و با استعداد، کودکان شاهد، کودکان طبقات مرفه و کودکان طبقات فقیر.

هر دو روش اگر چه به ظاهر بر دلایل منطقی مبتنی هستند اما نتایجشان به عدم یا محدودیت دستیابی به آگاهی و مهارت‌های لازم برای رشد مناسب آنان منجر می‌شود.^۱ پژوهش‌های متعدد نشان داده‌اند که روش اول از یک سو به گسترش تعداد افراد فاقد مهارت‌های اساسی برای مشارکت در جامعه‌ای توسعه‌یافته^۲ و در نتیجه به توسعه‌نیافتگی آن جامعه و از سوی دیگر به حجیم شدن و تضییع هزینه‌های صرف شده برای نظام آموزش و پرورش منجر می‌شود.^۳ روش دوم نیز به دلایل گوناگون به عدم بهره‌مندی تمامی کودکان مزبور از خدمات آموزشی و پرورشی و یا سطح پایین بهره‌مندی آنان، در صورت تحت پوشش واقع شدن، منتهی می‌شود. تعدادی از این دلایل عبارتند از:

۱. ایجاد داغ ننگ متفاوت قلمداد شدن از سوی جامعه^۴ و اعمال فشار روانی

فراوان بر والدین و کودک از این طریق؛^۵

۲. پرهزینه بودن آموزش و پرورش ویژه؛^۶

۳. ناممکن بودن توسعه مدارس و کلاس‌های ویژه مناطق کم‌جمعیت و فقیر؛^۷

۴. ایجاد برداشت‌های قالبی ناصحیح در والدین و معلمان در مورد ظرفیت‌های یادگیری این کودکان؛^۴
۵. کاهش سطح عزت نفس و ادراک خویش کودکان دارای نیازهای ویژه، تحت تأثیر برداشت‌های قالبی اطرافیان؛^۵
۶. حذف فرصت تعامل، مشارکت و همدلی همسالان و معلمان مدارس عادی با این کودکان و خانواده‌های آنان که خود به نگرش‌های تبعیض‌آمیز در جامعه آتی منجر می‌شود؛^۶
۷. عدم امکان جابدهی تمامی وضعیت‌های متفاوت در طبقه‌بندی‌های مرسوم کودکان استثنایی، چرا که به طور معمول طیفی از تفاوت‌ها وجود دارند و گاه چند ویژگی متفاوت در یک کودک ظاهر می‌شوند؛^۷
۸. فقدان الگوهای مناسب برای رشد رفتارهای مناسب؛^۸
- از سوی دیگر اهمیت اساسی محیط در رشد کودکان بطور اعم و کودکان دارای نیازهای ویژه به طور اخص در پژوهش‌های متعدد به اثبات رسیده است و اعتقاد مربیان و متخصصان آموزش و پرورش آن است که اگر محیط کودکان غنی گردد، رشد آنان تسهیل شده و ارتقاء خواهد یافت.^۹ علاوه بر این متخصصین و پژوهشگران باور دارند که در مدارس عادی به دلایل زیر امکان رشد و ارتقاء مهارت‌های کودکان به طور اعم و کودکان دارای نیازهای ویژه به طور اخص فراهم خواهد آمد:
۱. وجود الگوهای مناسب رشدی (کودکان همسال و عادی)؛^۹

۲. امکان مقایسه عملکرد این کودکان با الگوی رشدی مناسب و جهت‌گیری به

سوی ارتقاء مهارت‌های متفاوت آنان از سوی معلم؛^۴

۳. امکان بهره‌گیری از توان بالقوه همسالان برای آموزش و ارتقاء مهارت‌های

لازم در کودکان دارای نیازهای ویژه؛

۴. زمینه‌سازی پذیرش بهتر افراد دارای نیازهای ویژه در متن جامعه خود با

تغییر نگرش و فرهنگ‌سازی در محیط مدرسه که در آینده به ایجاد جامعه

فراگیر منتهی می‌شود؛^۵

۵. توسعه و ارتقاء آگاهی، مهارت و انعطاف‌پذیری عملکرد معلمان در جهت تلاش

به منظور رفع نیازهای ویژه ناشی از تفاوت‌های تمامی کودکان؛^۶

به همین سبب است که از دهه ۱۹۶۰ میلادی (۱۳۳۹ شمسی) تعداد روزافزونی از

مربیان، متخصصان و والدین بر حضور کودکان دچار آسیب‌دیدگی‌ها در مدارس

عادی تأکید کرده‌اند و هرگاه ممکن بوده است با اعمال فشار اجتماعی یا قضایی به

احقاق حق آموزش در محیط با حداقل محدودیت موفق شده‌اند. در نتیجه این اقدامات

در بعضی از کشورها قوانینی به نفع این کودکان و والدینشان به تصویب رسید.^۲

در سال ۱۹۹۰ (۱۳۶۹ شمسی) نمایندگان نهادهای دولتی آموزش و پرورش ۱۵۵

کشور و تعداد زیادی از سازمان‌های غیردولتی جهان به منظور ارزیابی میزان

دستیابی جامعه جهانی به آرمان «آموزش برای همه» که در بیانیه حقوق بشر بر آن

تأکید شده بود و راه‌های تسهیل این روند در شهر جامتین در کشور تایلند گرد هم

آمدند. نتیجه این اجلاس جهانی تعیین اهدافی برای توسعه آموزش برای همه و ایجاد توافق جمعی میان کشورهای عضو سازمان ملل برای تلاش در جهت دستیابی به این اهداف بود.

در پی اجلاس آموزش برای همه و به منظور طراحی اهداف و راهکارهای تحقق آموزش و پرورش کیفی برای کودکان دچار آسیب‌دیدگی‌ها نمایندگان آموزش و پرورش ۹۲ کشور و ۵۲ سازمان بین‌المللی در سال ۱۹۹۴ میلادی (۱۳۷۳ شمسی) در شهر سالامانکای کشور اسپانیا گرد هم آمدند و اهداف و راهکارهای مناسب برای آموزش و پرورش این گروه کودکان را مورد بحث قرار دادند و با تعیین چهارچوبی برای عمل، طی بیانیه‌ای بر حق این کودکان برای حضور در نزدیک‌ترین مدرسه به محل زندگی‌شان در کنار کودکان عادی تأکید کردند.

در راستای دستیابی به اهداف تدوین شده در اجلاس‌های مزبور، عده‌ای از متخصصین بین‌المللی تحت نظارت بخش آموزش و پرورش یونسکو (سازمان علمی آموزشی و فرهنگی ملل متحد) به تدوین مجموعه‌ای راهنما به منظور آموزش معلمان و مدرسان تربیت معلم، برای بر عهده گرفتن مسوولیت آموزش و پرورش تمامی کودکان صرف‌نظر از تفاوت‌های آنان اقدام کردند. این اقدام در میان سایر اقدامات سازمان ملل متحد از مؤثرترین و عملی‌ترین اقدامات برای توسعه فرهنگ فراگیرسازی آموزش و پرورش در کشورهای جهان بود.

از آنجا که جمهوری اسلامی ایران یکی از امضاءکنندگان بیانیه آموزش برای همه بود، در سال ۱۳۷۷ سازمان آموزش و پرورش کودکان استثنایی به منظور آشنا شدن با اصول فراگیرسازی مدارس به برگزاری کارگاهی با حضور رئیس بخش آموزش و پرورش یونسکو خانم لنا صالح^۱ و یکی از کارشناسان بین‌المللی به نام آنا مریا بنارد داکوستا^۲ اقدام کرد. در این کارگاه ضمن آشنایی کارشناسان و مسوولین سازمان آموزش و پرورش کودکان استثنایی و چند تن از کارشناسان آموزش عمومی با دیدگاه‌ها و رویکرد یونسکو در مورد فراگیرسازی مدارس، وضعیت آموزش کودکان دچار آسیب‌دیدگی‌ها در ایران مورد بررسی واقع شد.

پس از برگزاری این کارگاه به منظور آموزش کارشناسان، مدیران و معلمان اقدام شد. با بهره‌گیری از این مجموعه در دوره‌های آموزشی مزبور خلاءهایی در محتوای آن آشکار شد. به منظور رفع این کمبودها تلاش‌هایی از سوی معاونت برنامه‌ریزی آموزشی و نیروی انسانی سازمان آموزش و پرورش کودکان استثنایی به عمل آمد، نتایج این تلاش‌ها گرچه تا حدی مفید بود اما نتوانست به نحو مطلوب پاسخگوی نیازهای موجود باشد.

در سال ۱۳۸۰ از طریق دفتر همکاری علمی بین‌المللی وزارت آموزش و پرورش تصویری از کتاب «درک و پاسخگویی به نیازهای کودکان در کلاس‌های فراگیر» از

1. Lean Saleh

2. Ana Maria Benard Da Costa

انتشارات یونسکو که توسط گروهی از کارشناسان بنام در زمینه آموزش و پرورش فراگیر تألیف شده بود، به سازمان آموزش و پرورش استثنایی ارسال شد.

اینجانب که در زمان مسئولیت معاونت برنامه‌ریزی آموزشی و تأمین و تربیت نیروی انسانی سازمان را برعهده داشتم با مطالعه کتاب و بررسی دقیق، دریافت که محتوای آن پاسخگوی بسیاری از نیازهای معلمان مداری عادی و معلمان رابط در آموزش تلفیقی کودکان دچار آسیب‌دیدگی می‌باشد. لذا با ترجمه مقدمه و فهرست کتاب مزبور و مشورت با معاون محترم وزیر و رییس سازمان برادر ارجمند جناب آقای دکتر قدمی و بعضی از همکاران ترجمه فصل او را برعهده خواهر گرامی سرکار خانم سوسن ضیایی نجف‌آبادی کارشناس محترم سازمان و ترجمه فصول دوم تا چهارم را بر عهده برادر گرامی جناب آقای رضا برادری کارشناس محترم مدیریت آموزش و پرورش استان خراسان محول کردم. با آماده شدن ترجمه‌ها به منظور ویراستاری و اصلاحات، متن ترجمه‌ها بازخوانی شد. در این مرحله به منظور دقت و هماهنگی در سبک ترجمه، فصول دوم تا چهارم توسط اینجانب از نو ترجمه شد.

به منظور بررسی میدانی محتوای مزبور فصول اول و دوم کتاب پس از ترجمه در دوره‌های آموزش ضمن خدمت کارشناسان آموزش تلفیقی و معلمان رابط استان‌ها به کار گرفته شد و نظریات دریافتی از آنان در اصلاح پاره‌ای از بخش‌های متن بسیار مفید واقع شد.

پس از اتمام ترجمه تمامی متن، این کتاب به صورت تحریر اولیه ماشینی، در دوره‌های آموزش ضمن خدمت معلمان رابط استان‌های کردستان، اصفهان، قم و دوره آموزش ضمن خدمت معلمان آموزش ابتدایی استان‌های مرکزی، گیلان (۶ دوره در ۵ شهرستان) و آذربایجان شرقی که کودکان دارای نیازهای ویژه را در کلاس خود پذیرفته بودند استفاده شد و با کسب نظریات معلمان مزبور مشخص شد که شکل حاضر مورد توجه آنان واقع شده است و اطلاعات مناسبی را به آنان ارائه می‌نماید.

اینک که با لطف خداوند متعال قرار است متن حاضر به چاپ برسد و در سطحی وسیع برای آموزش معلمان پذیرنده کودکان دارای نیازهای ویژه استفاده شود، ضمن شکرگزاری به درگاه خالق یکتا و مهربان، بر خود واجب می‌دانم از همکاران بزرگواریم سرکار خانم ضیایی نجف‌آبادی که در تمامی مراحل ترجمه و اصلاح متن، صبورانه و با علاقه فراوان تهیه دستنویس متن، مطالعه و ساده‌سازی آن، مقابله متن ماشین شده و در بسیاری از موارد طراحی صفحات و اصلاح ماشینی متن را انجام دادند و از همه مهمتر بدون نظم و پیگیری و اختصاص اوقات فراوان از ساعات شخصی ایشان اتمام ترجمه امکان‌پذیر نمی‌شد، جناب آقای رضا برادری که چند ماه از وقت گرانبهای خود را برای ترجمه فصول ۴-۲ کتاب اختصاص دادند، خواهران محترم لیلا خیلی آغمیونی و فاطمه کوچکزاده که تحریر رایانه‌ای متن را بر عهده داشتند و به منظور رفع اشکالات متن بارها به اصلاح مجدد آن پرداختند و تمامی

معلمان و کارشناسانی که با مطالعه متن نظریات مفیدی را آرایه کردند، صمیمانه تشکر کرده، توفیق روزافزونشان را از ذات حق خواستار باشم.

علاوه بر آن باید متذکر شوم که با تلاش و پشتکار سرکار خانم ضیایی نجف‌آبادی من حاضر با استفاده از نرم‌افزار Power Point به صورت اسلایدهای آموزشی جذابی تدوین شده که می‌تواند در سرعت و تسهیل درک مطالب کمک بسزایی را به فراگیران و مدرسین، ارائه دهد.

همچنین ضروری است از حمایت‌های برادر گرامی جناب آقای دکتر قدمی معاون محترم وزیر و رئیس سازمان آموزش و پرورش کودکان استثنایی که چاپ و انتشار وسیع این کتاب را ممکن ساخت، صمیمانه سپاسگزاری نمایم و توفیقات روزافزون ایشان را از درگاه ذات اقدس باریتعالی خواستار باشم.

در پایان باید اذعان کنم که با تمامی تلاش‌های به عمل آمده شکی نداریم که این اثر دچار کاستی‌هایی است که تنها با ارائه نظریات مخاطبان محترم اصلاح‌پذیر است، لذا از تمامی خوانندگان صاحب‌نظر و معلمان گرامی ارسال نظریاتشان از طریق مکاتبه یا ارسال پیام به نشانی الکترونیکی زیر را استدعا داریم.

نشانی: تهران، خیابان دکتر مفتاح، ضلع شمالی دانشگاه تربیت معلم، خیابان شهید

بوربور، شماره ۱۵، پژوهشکده کودکان استثنایی

E-mail: asaedi3121341@yahoo.com

Soziaee@yahoo.com

ابوالفضل سعیدی
رئیس پژوهشکده کودکان استثنایی

فهرست منابع:

فارسی:

۱. راجر کافمن و جری هرمن (مترجمین دکتر عباس بازرگان و دکتر فریده مشایخ)، ۱۳۷۴، «برنامه‌ریزی استراتژیک در نظام آموزشی: بازاندیشی، بازسازی ساختارها، بازآفرینی»، انتشارات مدرسه، تهران، ص ۱۶ و ۱۷.
۲. بیانیه کنفرانس جهانی آموزش برای همه (جامتین، تایلندف ۱۹۹۰)، بیانیه اجلاس جهانی آموزش و پرورش (داکار، سنگال، ۲۰۰۰)، انتشارات دفتر همکاری‌های علمی و بین‌المللی وزارت آموزش و پرورش.
۳. سعیدی، ابوالفضل (۱۳۸۲) «ضرورت اجرای فراگیرسازی آموزش و پرورش در ایران»، مجله تعلیم و تربیت کودکان استثنایی، شماره ویژه آموزش فراگیر، ص ۷۲، سازمان آموزش و پرورش استثنایی کشور، تهران.

انگلیسی:

4. Anisow Mel (1994); special Needs in the classroom: A teacher education guide unesco, Jessica kingsley publisher, p.p. 2, 4, 6, 10, 11, 13, 18-20.
5. Gargiulo Richard M. (2003), Special Education in contemporary Society: An introduction to excoptionality; Wadworth/ Thamson learning pp. 11-12.
6. Hegarty Seamus (1995), Review of the present situation in special needs education. UNESCO.
7. Westwood Peter (1997); commonsense Methods for children with special needs 3rd ed; Routledge.

قدردانی

کژتابی که اینک ارائه می‌شود توسط روی مک کانکی^۱ و با همکاری: آنا ماریا بنارد دا کوستا^۲، ژانت هولدرورث^۳، توره جانسون^۴، بوناونتور سیلواستر کانیانتا^۵، الینا لهتوماکی^۶، آنا لوئیزا لویز^۷، سوزی میلز^۸، نیتی موتوکریشنا^۹، برایان اتول^{۱۰}، لانا صالح^{۱۱}، رانا شعبان^{۱۲}، مولی ثوربرن^{۱۳} و سای وایرینن^{۱۴}، تألیف شده است.

دیدگاه‌هایی که در این سند بیان شده‌اند متعلق به مؤلفین است و الزاماً دیدگاه‌های یونسکو را منعکس نمی‌سازد. ضمناً در تدوین مطالب از اندیشه‌های موجود در تعدادی از انتشارات که در ذیل به آنها اشاره خواهد شد، نیز استفاده کرده‌ایم:

آماده‌سازی معلمان برای آموزش و پرورش فراگیر. دوره مبتنی بر آموزش از طریق نوار تصویری (۱۹۹۶). واحد آموزش و پرورش ویژه، وزارت آموزش و پرورش، لسوتو^{۱۵}، در دسترس از طریق: EENET، مدرسه آموزش و پرورش،

دانشگاه منچستر، انگلیس M139PL یا <http://www.Eenet.ag.uk>

-
- 1 . Roy McConkey
 - 2 . Ana Maria Benard d Costa
 - 3 . Janet Holdsworth
 - 4 . Ture Jonsson
 - 5 . Bonaventure Sylvester Kanyanta
 - 6 . Elina Lehtomaki
 - 7 . Ana Luisa Lopez
 - 8 . Susie Miles
 - 9 . Nithi Muthukrishna
 - 10 . Brian O'Toole
 - 11 . Lena Saleh
 - 12 . Rana Shaban
 - 13 . Molly Thorbun
 - 14 . Sai Vayrynen
 - 15 . Lesotho

آموزش و پرورش فراگیر: راهبردهایی برای در بر گرفتن کودکان دچار نارسایی‌ها در کلاس عادی. انجمن سپاستیک در تامیلنادر^۱، چنای^۲، هند^۳، (بدون تاریخ).

معرفی کودکان دچار نارسایی به «مدارس هدایت‌کننده در مسیر اصلی تحصیل»^۴: دو دوره آموزش مبتنی بر نوارهای تصویری (۱۹۹۵) برنامه توانبخشی مبتنی بر جامعه گویان^۵ قابل دسترس از طریق: برنامه توانبخشی مبتنی بر جامعه گویان.

معرفی نارسایی‌ها. راهنمای مصور، تولید شده توسط توانبخشی مبتنی بر جامعه گویان، (بدون تاریخ)، در دسترس از طریق برنامه توانبخشی مبتنی بر جامعه گویان. حقایق زندگی: چالش ارتباطی، یونسف، سازمان بهداشت جهانی و یونسکو (بدون تاریخ). در دسترس از طریق:

DIPA H9F, 3UN Plaza, New Yourk, NY 10017, US

سفر به مدارس فراگیر (۱۹۹۸) فراگیرسازی بین‌المللی، در دسترس از طریق:

Inclusion International, c/o IDC, 13D, Chemin du Levant, F-01201 Ferney-Voltaire, France.

کودکان روستایی ناتوان از دیوید ورنر^۶، در دسترس از طریق: بنیاد هسپارین

Hesperian Foundation P.o.BOX 1692,

¹. Tamelnadu

². Chenn

³. India

⁴. Mainsteraming

⁵. Guyana

⁶. Daivid Werner

Palo Alta, California, CA94302, USA.

مدارس پذیرا - دانش‌آموزان دچار نارسایی‌ها در مدارس عادی (۱۹۹۹)،

آموزش و پرورش فراگیر، بخش آموزش و پرورش پایه، یونسکو.

به نشانی: 7 Place de Fontenoy, 75352 Paris 07 SP, France

تلفن: ۳۳-۱-۴۵۶۸۱۱۹۵

نمابر: ۳۳-۱-۴۵۶۸۵۶۲۷

پست الکترونیکی (Email):

S.Vayrynen@Unesco.org

<http://www.unesco.org/education/educprog/sne>

نگاهی کلی به راهنما

این راهنما را می‌توان همراه با مجموعه مرجع آموزش معلمان یونسکو: نیازهای ویژه در کلاس درس، مورد استفاده قرار داد (صفحه ۴ را ملاحظه فرمایید). این راهنما ضمن تکرار بعضی از پیام‌های موجود در مجموعه مرجع، شیوه‌های عملی برای کنار آمدن با کودکانی که دشواری‌های ویژه‌ای در یادگیری دارند را به معلمان ارائه می‌کند و می‌تواند به خودی خود به عنوان کتابی خودآموز یا راهنما برای گروهی از معلمان که با هم مطالعه می‌کنند به کار رود و باید به این دو گروه از معلمان کمک کند:

- معلمینی که پیش از این کودکانی با نیازهای ویژه را در کلاسشان داشته‌اند.
- معلمینی که در مورد چنین کودکانی تا حدودی تجربه دارند، اما مایلند اطلاعات خود را در این زمینه افزایش دهند.

کودکان متفاوتند

«حتی دو کودک نیز با هم یکسان نیستند». چند بار این جمله را گفته‌اید؟ هر کدام از کلاس‌های مدرسه‌اتان را که مایل هستید در نظر بگیرید. ممکن است همه دانش‌آموزان آن کلاس همسال باشند، اما آیا همه آنان همانند هستند؟ نه! از چه نظر با هم متفاوتند؟ بعضی از آنها بلند قد و بعضی کوتا‌ه‌ند. بعضی خجالتی و بعضی جسورند. بعضی در یادگیری سریع هستند و سایرین کندتر یاد می‌گیرند.

آیا می‌توانید سایر جنبه‌های
تفاوت کودکان را در نظر بیاورید

مجموعه مرجع یونسکو برای آموزش معلمان: نیازهای ویژه در کلاس درس، راهنمایی است که برای یاری رساندن به کشورها و دست‌اندرکاران آموزش و پرورش در زمینه پذیرش راهکارهای فراگیر برای پاسخگویی به نیازهای ویژه یادگیری کودکان در مدارس عادی و نیز برای پشتیبانی از تربیت معلم عادی تألیف شد.

عناصر اصلی این مجموعه مرجع، عبارتند از: از موادی برای مطالعه (دامنه‌ای وسیع از مطالب خواندنی، برگه‌های تحریک برای عمل و فعالیت‌های کلاسی)، راهنمای راهبردی دوره با راهنمایی‌های مفصل در مورد چگونگی سازماندهی دوره و تسهیل روند جلسات بر مبنای مواد تدوین شده برای مطالعه و دو نوار ویدیویی نمایش‌دهنده فعالیت‌ها.

این مجموعه، اندیشه‌ای جدید در مورد آموزش و پرورش کودکان دارای نیازهای ویژه را معرفی می‌کند و به نارسایی‌ها و دشواری‌های یادگیری از دیدگاه تعامل بین یادگیرنده و محیطش نظری می‌اندازد. این دیدگاه مفهوم پزشکی در مورد نارسایی‌ها و دشواری‌های یادگیری را کنار می‌زند. راهنمای مزبور، رویکرد مشارکتی برای یادگیری و آموزش را بهبود می‌بخشد، یادگیرندگان و معلمان را ترغیب می‌کند تا به نحوی مشارکت‌جویانه فعالیت کنند و از مدارس دعوت می‌کند تا درهای خود را بر روی مشارکت اجتماع باز کنند. این مواد آموزشی به شیوه‌ای انعطاف‌پذیر مورد استفاده واقع می‌شوند و می‌توانند برای جور شدن با بافت دوره‌های تربیت معلم

منطقه که در سطوح پیش از خدمت و ضمن خدمت و نیز در دوره تربیت معلم طراحی شده، در سطح مدرسه تعدیل شوند.

مجموعه یونسکو برای آموزش معلمان: نیازهای ویژه در کلاس درس توسط

حدود ۸۰ کشور به کار گرفته شده و به بیش از ۲۰ زبان ترجمه شده است.

ممکن است نوشته باشید: بعضی از کودکان ورزش‌ها را دوست دارند، بعضی

دوست ندارند؛ بعضی خوب سرود می‌خوانند، بعضی نمی‌توانند؛ بعضی خوب

روخوانی می‌کنند، سایرین نمی‌توانند؛ بعضی کج‌خلقند ولی بعضی این طور نیستند.

این فهرست را می‌توان همین طور ادامه داد. به همان نحو که در آغاز گفتیم:

«حتی دو کودک نیز با هم یکسا نیستند»

اما تفاوت‌های دیگری وجود دارند که ممکن است ذکر نکرده باشیم:

آسیب‌دیدگی‌ها	محرومیت‌ها
بعضی از کودکان یا آسیب‌دیدگی‌هایی مانند چشم‌هایی که خوب نمی‌بینند، بازوها و ساق‌هایی که شکل آنها تغییر کرده یا مغزی که به شیوه معمول رشد نمی‌کند، به دنیا می‌آیند. ممکن است بعضی از کودکان پس از بیماری‌های دوران کودکی مانند سرخچه و مالاریای مغزی یا در اثر یک حادثه مانند آتش‌سوزی یا پرتاب شدن از بلند به آسیب‌دیدگی‌ها مبتلا شده باشند. اغلب این کودکان را «دچار نارسایی» یا «معلول» می‌نامند.	آسیب‌دیدگی رشد و نمو بعضی از کودکان به سبب آن است که محیط به آنان آسیب می‌رساند یا از بهزیستی آنان حمایت نمی‌کند. ممکن است آنان از غذای کافی یا رژیم غذایی مناسب بهره‌مند نباشند؛ ممکن است خانه مناسبی نداشته باشند؛ و مستعد ابتلا به بیماری‌ها باشند. ممکن است مورد ضرب و شتم قرار گیرند؛ ممکن است والدینشان از هم جدا شده باشند؛ ممکن است این کودکان پناهنده جنگی یا بازماندگان از جنگ باشند. گاهی این کودکان در خیابان‌ها زندگی می‌کنند. ممکن است آنها مبتلا به سوءمصرف داروها یا مواد مخدر باشند

آیا چنین کودکانی را در کلاس یا مدرسه خود دارید؟

نه ما چنین کودکانی را در مدرسه خود نداریم	در بسیاری از کشورها این کودکان به مدرسه نمی‌روند. دلایل متفاوتی برای این امر ارائه می‌شوند. برای نمونه: • خانواده‌ها از حق فرزندان برای آموزش و پرورش آگاه نیستند یا تصمیم می‌گیرند اندک درآمد خود را برای سایر فرزندان خود خرج کنند. • مدرسه نمی‌تواند با کودکانی که نیازهای اضافی دارند کنار بیاید و به آنان اجازه ثبت‌نام نمی‌دهد. • آنها به مدرسه می‌آیند اما بزودی ترک تحصیل می‌کنند. • این کودکان به مدارس ویژه می‌روند.
---	--

آیا دلایل دیگری به ذهن شما می‌رسد؟

بله ما چنین کودکانی را در مدرسه خود داریم	در سرتاسر جهان، تعداد زیادی از کودکان محروم یا دچار نارسایی‌ها به مدارس پیش‌دبستانی، دبستانی یا متوسطه محله خود می‌روند. در واقع اکثر کشورها قوانینی دارند که مبین این اصل است: همه کودکان باید از آموزش و پرورش برخوردار باشند. • تمامی کودکان می‌توانند یاد بگیرند، اما اگر به مدرسه نروند فرصت یادگیری آنها بسیار کاهش می‌یابد. • همه کودکان حق دارند با همسالان خود مدرسه محلشان یاد بگیرند. • بسیاری از کودکان در یک مقطع زمان خاص از زندگی خود با مشکلاتی روبرو می‌شوند. بعضی از مشکلات به سرعت می‌گذرند، اما بعضی
---	---

دیگر به کمک مداوم نیازمندند. • راهحل این مشکل توسعه مدارس ویژه نیست. این مدارس اغلب در فاصله‌ای دور از محل زندگی خانواده کودک قرار دارند و این کودکان را از همسالانشان جدا می‌سازند.	
--	--

آیا راهحلی برای حضور کودکان دارای نیازهای ویژه در مدارس عادی به ذهن

شما می‌رسد؟

مشارکت کامل و عدالت

دلیل اصلی توسعه حضور کودکان دچار نارسایی‌ها یا محرومیت‌ها در مدارس عادی، افزایش فرصت‌های آنان برای یادگیری از طریق تعامل با دیگران و توسعه مشارکتشان در زندگی اجتماعی است. اغلب اوقات، این کودکان از جامعه حذف می‌شوند. شاید اگر متفاوت به نظر برسند به سبب ترس یا خرافات آنها را در خانه پنهان کنند یا فقر، خانواده‌هایشان را به زندگی در محله‌های حاشیه‌ای و فقیرنشین بدون ملزومات اولیه زندگی وادار کند. اغلب اوقات، نیازهای این کودکان شناسایی نمی‌شوند و فرض می‌شود که آنان چیزی برای ارائه به جامعه خود ندارند، اما این حذف فرصت‌های کودکان برای یادگیری، سبب کاهش رشد و نمو آنان می‌شود و آنان به طور مضاعف دچار محرومیت می‌شوند! حضور در مدرسه محله، راه اصلی برای تضمین در برگرفته شدن تمامی کودکان در جامعه می‌باشد. یادگیری‌های کودکان فقط در مدرسه اتفاق نمی‌افتند، آنها از طریق خانواده‌هایشان، تماس با همسالان و دوستان و نیز از طریق مشارکت در تمامی فعالیت‌های متنوعی که در

جوامع رخ می‌دهند یاد می‌گیرند، اما حضور در مدرسه به توسعه شکل‌های دیگر یادگیری نیز کمک می‌کند.

معلمان در تضمین این که همهٔ کودکان به طور کامل در جامعه مشارکت داشته باشند و از فرصت‌های معادل برای آموزش و پرورش برخوردار باشند، مسوولیت ویژه‌ای دارند

از طریق آموزش و پرورش برای همه، توانمندسازی تمامی افراد بشر – از جمله افراد دچار نارسایی‌ها – برای شکوفایی تمامی استعدادهایشان را جهت یاری دادن به جامعه و بالاتر از همه چیز، غنی‌سازی خود از طریق تفاوت و بدون کاهش ارزششان امکان‌پذیر می‌شود. در جهان ما که سرشار از انواع تفاوت‌هاست، این جامعه است – در ابعاد وسیع آن – نه فرد دچار نارسایی که به آموزش و پرورش ویژه نیازمند می‌باشد تا جامعه‌ای با اصالت برای همه باشد.

فدریکو مایور^۱، دبیر کل سابق یونسکو

کمک برای معلمان

کار معلم آسان نیست. ممکن است کلاس شما ۴۰ دانش‌آموز یا بیشتر از آن داشته باشد – هر کدام از آنان یک فرد مستقل و متفاوت است! اغلب اوقات، داشتن کودکانی مبتلا به نارسایی‌ها یا دارای پیشینهٔ خانوادگی همراه با محرومیت، در کلاس درس به

1. Federico Mayor

معنای کار بیشتر برای معلم است. اما احتیاجی نیست که به طور حتم این چنین باشد.

شما می‌توانید بر تفاوت‌های میان کودکان مدیریت کنید اگر:

- بتوانید قوت‌ها و ضعف‌های کودکان را شناسایی و طرح درستان را مطابق آنها تهیه کنید.

- بدانید یادگیری کودکان چگونه تحت تأثیر نارسایی‌ها و محرومیت واقع می‌شود و از راه فعالیت‌های تدریس برای فائق آمدن بر این دشواری‌ها استفاده کنید.

- به توانایی‌های خود به عنوان یک معلم، جهت طراحی درس‌ها برای هر فرد، اعتماد داشته باشید و محتوای درس را با نیازهای تمام کودکان انطباق دهید.

- از همکاران، والدین و سایر متخصصان، مانند مددکاران اجتماعی، کارکنان خدمات بهداشتی و توانبخشی و معلمان آموزش استثنایی حمایت و کمک دریافت کنید.

- باور داشته باشید که همهٔ کودکان حق بهره‌مند از آموزش و پرورش را دارند و همهٔ آنها می‌توانند یاد بگیرند.

«این راهنما برای کمک به شما در انجام همهٔ این امور طراحی ده است»

اهداف این راهنما

این راهنما چهار هدف اصلی دارد:

۱. فراهم آوردن واقعیت‌های کلیدی در مورد آسیب‌دیدگی‌ها و محرومیت‌های متفاوت و چگونگی فائق آمدن بر اکثر دشواری‌های یادگیری ناشی از آنها، برای معلمان.

۲. آگاه ساختن معلمان از چگونگی انطباق محیط کلاس درس و مدرسه به منظور فائق آمدن بر موانع یادگیری که کودکان دچار آسیب‌دیدگی‌ها با آنها روبرو می‌شوند.

۳. توصیف راهکارهایی که معلمان می‌توانند برای پاسخگویی به تفاوت‌های دانش‌آموزان کلاسشان به کار گیرند و نشان دادن بعضی دیدگاه‌ها در مورد چگونگی انطباق محتوای درس با نیازهای هر فرد.

۴. ترغیب معلمان به همکاری با خانواده‌ها و سایر کارکنان مراکز خدمات بهداشتی و اجتماعی و نیز با افراد جامعه.

گر چه تمرکز این راهنما بر کودکان دارای نیازهای آموزشی بیشتر است، درمی‌یابید که اکثر این پیشنهادها برای تدریس خوب در مورد همه کودکان مؤثر هستند؟

در اینجا بعضی از نظریات معلمان مدارس عادی که دارای تجربه تدریس به کودکان دارای نیازهای بیشتر بوده‌اند را ارائه می‌کنیم:

من فراگیرسازی را به عنوان چالشی برای بهبود بخشیدن به روش‌های تدریس خود یافته‌ام. (مجارستان)

ما می‌خواهیم فرزندانمان بدانند متفاوت بودن اشکالی ندارد. صرفنظر از این تفاوت‌ها ما آنها را برای زندگی و اجتماع آماده می‌کنیم. (آفریقای جنوبی)

تلفیق از نظر اجتماعی برای مامی اعضای مدرسه از جمله، کارکنان مفید است. این روش میان دانش‌آموزان و در حد مطلوب میان کارکنان جوئی مناسب برای کار گروهی را پرورش می‌دهد. (نروژ)

وقتی دانش‌آموزان مشاهده می‌کنند که معلمانشان آن دانش‌آموزانی را که می‌توان «متفاوت» نامید، می‌پذیرند و حمایت می‌کنند، آنها نیز پذیراتر می‌شوند. (اردن)

معلمان مناطق روستایی به سبب این که در بسیاری موارد به تنهایی خدمات در دسترس را برای کودکان دچار نارسایی‌ها فراهم می‌آورند، وجهه خود در اجتماع محلی را ارتقاء می‌بخشند. (هندوستان)

تعدادی زیادی از کودکان نیازهای خود را دریافت می‌دارند، همان نیازهایی که پیش از آن با تحمیل و فشار روبرو شده یا نادیده گرفته می‌شدند، معلمان چنین وضعیت‌هایی را از طریق کار گروهی به نحو متفاوتی هدایت می‌کنند. (کانادا)

فهرست مطالب

این راهنما در چهار فصل تنظیم شده است. چهار فصل مزبور عبارتند از:

فصل ۱: هر کودک موجودی منحصر به فرد است

این فصل، موانع یادگیری ناشی از آسیب‌دیدگی‌های جسمانی و نارسایی‌ها، بیماری‌های دوران کودکی، محرومیت‌های اجتماعی، حقوق کودکان، نگرش‌های معلمان نسبت به نارسایی‌ها و مثال‌هایی از کشورهای متفاوت را شامل می‌شود.

فصل ۲: ارزیابی نیازها

در این فصل ما در مورد آسیب‌دیدگی‌های جسمانی، بینایی، شنوایی و ذهنی بحث خواهیم کرد. علایم هشداردهنده آسیب‌دیدگی کودکان را توضیح می‌دهیم، علل ممکن را عنوان و فعالیت‌هایی که معلمان می‌توانند به منظور فائق آمدن بر دشواری‌های یادگیری انجام دهند را توصیف می‌کنیم. در پایان فصل، چهارچوبی برای انطباق دادن برنامه درسی مطرح می‌شود.

فصل ۳: پاسخگویی به نیازها

فصل ۳، نه قاعده طلایی برای یاری‌رسانی به معلمان، به منظور کنار آمدن با کلاسی متشکل از کودکان دارای نیازهای گوناگون را مطرح می‌کند. تذکرات و پیشنهادهایی برای تهیه طرح‌های آموزشی انفرادی، آماده‌سازی درس‌ها، فراهم آوردن کمک برای فرد فرد شاگردان و اداره رفتارها ارائه می‌شوند. مقولات امتحان‌ها و بهره‌گیری از کلاس‌های خاص نیز در این فصل به بحث گذاشته خواهند شد.

فصل ۴: کار کردن با یکدیگر

فصل آخر به مرور معرفی افرادی که برای دریافت کمک در دسترس هستند می‌پردازد. این فصل، چگونگی کار معلم با والدین، متخصصان امور بهداشتی، مددکاران اجتماعی و سازمان‌های افراد دچار نارسایی، در جهت منافع شاگردانشان را توصیف می‌کند. در پایان، نمونه‌هایی از این اقدام در سراسر جهان ارائه می‌شوند.

چهارچوب راهنما

این راهنما به طور عمده براساس تجربه‌های معلمان دوره‌های پیش‌دبستانی و ابتدایی طراحی شده است، اما مفید بودن خود برای معلمان دوره راهنمایی تحصیلی و دبیرستان را نیز باید به اثبات برساند.

• این فصول به عنوان یک خودآموز ارائه می‌شوند، یعنی مواد یادگیری آزاد (تعریف در صفحه ۲۱ همین کتاب ارائه شده است). به هر حال، هدف از تهیه این مواد بهره‌گیری در کار گروهی معلمان در کارگاه‌ها یا به عنوان بخشی از دوره آموزشی آنان نیز بوده است. بدین لحاظ پیشنهادهایی برای فعالیت‌های یادگیری گروهی نیز ضمیمه شده‌اند، پیش از این نیز نمونه‌هایی از این موارد را در صفحه‌های ۳ و ۶ ملاحظه کرده‌اید.

• عناوینی برای تأمل فردی، بحث، حل مسئله و نیز ترغیب یادگیری فعال خوانندگان پیشنهاد شده‌اند.

• هر فصل با یک فهرست‌نویسی از نتایج یادگیری شروع می‌شود که پس از مطالعه آن معلمان باید بتوانند این فهرست را در عمل به نمایش بگذارند.

• هر فصل نمونه‌هایی از مطالعات موردی و جزییات بیشتر در مورد عناوین خاص را در برنمی‌گیرد.

پیام‌های کلیدی

پیام‌های اصلی این راهنما را می‌توان به سادگی این‌گونه بیان کرد:

- به طور معمول، در کلاس‌های عادی و با روش‌ها و ابزارهایی که در هر کشور در دسترس معلمان وجود دارند، نیازهای بیشتر کودکان دچار نارسایی یا محرومیت‌های متفاوت را می‌توان برآورده ساخت.

- هنگامی که معلمان برنامه‌های درسی و سبک‌های تدریس خود را تعدیل می‌کنند تا با دامنهٔ تنوع توانایی‌های کودکان هر کلاس انطباق یابند؛ تمامی کودکان از آن‌ها بهره می‌گیرند. به طور معمول این تعدیل‌ها به تجهیزات اضافی اندک، اما خلاقیت فراوان نیازمندند.

- برای معلمان، تلاش در جهت ایجاد مشارکت با سایر کارکنان متخصص موجود در محیط از اهمیت زیادی برخوردار است تا از این طریق حمایت لازم را برای کوشش‌های خود فراهم آورند.

- همچنین به ایجاد روابط نزدیک بین مدارس یک منطقه و سایر گروه‌های موجود در جامعهٔ محلی نیازمندیم تا نیازهای کودکان در داخل و خارج از مدرسه برآورده شوند.

گروه‌های مطالعاتی

این راهنما به گونه‌ای طراحی شده است که خودآموز باشد. در هر فصل از شما خواهیم خواست که در مورد پرسش‌های کلیدی تأمل کنید یا چند فعالیت را در رابطه با هر کدام انجام دهید. استدعا داریم از این موارد صرف‌نظر نکنید. این موارد

برای کمک به یادگیری شما طراحی شده‌اند. در هر حال معلمان از مطالعه این راهنما بیشتر بهره‌مند خواهند شد اگر:

- گروهی از معلمان این راهنما را با هم مطالعه کنند تا بتوانند در افکار و نگرانی‌های یکدیگر مشارکت جویند. این گروه می‌تواند معلمان یک مدرسه یا معلمان مدارس همسایه که در کلاس خود دانش‌آموزان دارای نیازهای ویژه دارند و یا گروهی از دانشجویان دوره‌های اولیه یا ضمن خدمت تربیت معلم را در برگیرد.

آیا می‌توانید چند معلم دیگر را ترغیب کنید و با آنها به توافق برسید که به طور منظم با یکدیگر ملاقات و مطالعه کنید؟

- یک همکار با تجربه‌تر داشته باشند تا آنها را راهنمایی و هدایت کند. این فرد می‌تواند یک معلم مرجع در مدرسه شما، یک معلم از یک یک مدرسه ویژه یا مدرس یک مرکز تربیت معلم باشد.

آیا فردی را می‌شناسید که بتوانید در این مورد از او درخواست کمک کنید؟

ممکن است معلم راهنمای شما بتواند کسی را معرفی کند.

اطلاعات بیشتر

این راهنما تمامی پاسخ‌ها را در بر ندارد. در هر حال تعداد روزافزونی از جزوات، کتاب‌ها، راهنماهای آموزشی و برنامه‌های تصویری موجودند که از توسعه مدارس فراگیرتر حمایت می‌کنند. این منابع در آخر این قسمت فهرست شده‌اند.

سازمان تربیتی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو)^۱ نیز مجموعه‌ای از راهنماها را برای آموزش و پرورش ویژه تدوین کرده است (جدول صفحه بعد را مشاهده کنید). در سراسر این راهنما به منظور کسب اطلاعات بیشتر، شما را به راهنماهای دیگر ارجاع می‌دهیم. می‌توانید تک نسخه‌های رایگان این راهنماها را از نشانی زیر درخواست کنید:

Inclusive Education, Division of Basic Education

UNESCO, 7, Place de Fontenoy, 75352 Paris O7

بعضی از آنها از طریق شبکه رایانه‌ای بین‌المللی^۲ با نشانی زیر می‌توانید دریافت کنید:

<http://www.unesco.org/education/educprog/sun>

راهنماهای آموزش و پرورش ویژه یونسکو

- آموزش و پرورش کودکان و نوجوانان ناشنوا (این راهنما ترجمه شده و توسط سازمان آموزش و پرورش کودکان استثنایی به چاپ رسیده است)
- آموزش شاگردان آسیب‌دیده از بینایی در کلاس‌های عادی
- کودکان دچار فلج مغزی شدید: یک راهنمای آموزشی، پرورشی (این راهنما ترجمه شده و از سوی سازمان آموزش و پرورش کودکان استثنایی به چاپ رسیده است.)
- راهنمای خدمات توانبخشی مبتنی بر جامعه (چاپ توسط نشر دانشه)
- کودکان و جوانان دچار مشکلات ویژه یادگیری
- آموزش و پرورش کودکان و نوجوانان مبتلا به اوتیسم

1. UNESCO
2. Internet

اصطلاحات کلیدی

وقتی متن این راهنما را مطالعه می‌کنید با اصطلاحات جدیدی روبرو می‌شوید. عمومی‌ترین آنها را در ذیل توضیح داده‌ایم. در حالی که فصل‌های راهنما را مطالعه می‌کنید؛ می‌توانید به این بخش مراجعه کنید.

تجهیزات و وسایل کمکی:

هدف از تهیه و کاربرد این تجهیزات و وسایل، کاهش نارسایی‌هایی است که از آسیب‌دیدگی‌ها حاصل می‌شوند. نمونه‌های واضح از این موارد سمعک‌ها و ذره‌بین‌ها هستند، اما این تجهیزات و وسایل می‌توانند صندلی‌های ویژه برای کمک به دانش‌آموزان به منظور نشستن در کنار میز، صندلی‌ها یا گاری‌های چرخدار جهت کمک به کودکان برای حرکت به اطراف یا چهارچوب‌هایی که کمک می‌کنند آنها سرپا بایستند، را نیز شامل شوند. همچنین وسایل کمکی وجود دارند که به ایجاد ارتباط کمک می‌کنند، مانند: صفحه‌های دارای مجموعه تصاویر و نمودارهای شامل نمادها مختلف.

توانبخشی مبتنی بر جامعه:^۱

این اصطلاح خدماتی را شامل می‌شود که در جامعه محلی یا خانه افراد دچار نارسایی برای آنها و خانواده‌هایشان فراهم می‌شوند نه در مراکز، بیمارستان‌ها یا مؤسسات، ممکن است کارگزاران تربیت شده و متخصص یا داوطلبان، خانواده را در

1. (CBR) Community Based Rehabilitation

محل سکونتشان یا در مراکز منطقه‌ای ملاقات کنند تا به آنها راهنمایی و پشتیبانی لازم را ارائه کنند.

برنامه درسی:

ما از این اصطلاح به معنای تمامی تجربیات سازماندهی شده‌ای که مدارس برای کمک به یادگیری و رشد کودکان فراهم می‌آورند، استفاده می‌کنیم. این برنامه، موادی که معلمان تدریس می‌کنند و آموزشی که دانش‌آموزان دریافت می‌دارند، محیط مدرسه و سایر فعالیت‌هایی که در خارج از کلاس درس رخ می‌دهند، را در برمی‌گیرد.

تنوع:

این اصطلاح به معنی گوناگونی و تفاوت‌هایی است که در بین هر گروه از کودکان و بزرگسالان مشاهده می‌شود.

فراگیرسازی:

اغلب اوقات، کودکانی که به علت آسیب‌دیدگی، پیشینه نژادی، زبان، فقر و مانند آن است، جایی است که در آن با تبعیض و پیشداوری در اصول و اعمال، به طور فعال مبارز، متفاوت ادراک می‌شوند را از جامعه محلی و اجتماع حذف می‌کنند یا به حاشیه می‌رانند. در برگرفتن آنان به معنای تغییر نگرش‌ها و عملکرد افراد، سازمان‌ها و مؤسسات به نحوی که به شکل کامل و معادل بتوانند در زندگی جامعه محلیو فرهنگی خود مشارکت کنند و در آنها سهم شوند. جامعه فراگیر، جامعه‌ای است که در آن تفاوت مورد توجه واقع می‌شود و صاحب ارزش می‌شود.

آموزش و پرورش فراگیر:

این اصطلاحات اشاره دارد به مدارس، مراکز یادگیری و نظام‌های آموزش و پرورشی که آغوش خود را به سوی تمامی کودکان می‌گشایند. برای این که چنین امری رخ دهد، ممکن است معلمان، مدارس و نظام‌ها به تغییر نیاز داشته باشند تا بتوانند تنوع نیازهایی که دانش‌آموزان دارند را تأمین کنند و نیز آنها را در تمامی جنبه‌های زندگی آموزشگاهی دربرگیرند. همچنین به معنای فرآیندی است برای شناسایی تمامی موانع موجود در درون و پیرامون مدرسه که مانع یادگیری می‌شوند و کاهش یا رفع این موانع.

تلفیق:

اصطلاحی است که در اصل، زمانی به کار می‌رود که کودکان دچار نارسایی‌ها در مدارس عادی حضور می‌یابند، مدرسی که اگر برای برآوردن نیازهای کودکان، تغییری یافته باشند، تغییرات محدودی است. به جای تغییر در مدرسه از دانش‌آموزان انتظار می‌رود که خود را با شرایط موجود در مدرسه منطبق سازد.

مواد یادگیری آزاد:

موادی که برای هر کس که علاقمند به آن موضوع است در دسترس هستند. در این مورد که چه کسانی می‌توانند و چه کسانی نمی‌توانند این موضوع را مطالعه کنند، هیچ شرطی وجود ندارد.

مدارس عادی:

این اصطلاح شامل مدارس پیش‌دبستانی، ابتدایی و متوسطه می‌شود. همچنین به گروهی از مدارس با عناوین **مدارس جریان اصلی^۱ یا عمومی** اطلاق می‌شود تا آنها را از مدارس ویژه جدا سازد (به اصطلاح مدارس ویژه در صفحه ۲۳ مراجعه کنید).

ارجاع:

هنگامی که شخصی مانند معلم، دانش‌آموزی را به نزد فردی متخصص مانند یک پزشک می‌فرستد به این عمل یک ارجاع می‌گویند. ارجاع را به طور معمول از طریق یک نامه با ثبت جزئیات مختصر وضعیت دانش‌آموز و نگرانی‌هایی که در مورد او دارید به انجام می‌رسانید.

معلم مرجع:

عضوی از گروه کارکنان مدرسه که دارای تجربه یا تحصیلات لازم استو برای ارائه راهنمایی و کمک به سایر معلمان در دسترس می‌باشد.

فرهنگ آموزشگاهی:

سنت‌ها، باورها و تجربه‌های کاری یک مدرسه مشمول این اصطلاح می‌شوند. اصطلاحات معادل آن عبارتند از: روحیات آموزشگاهی یا ارزش‌های آموزشگاهی.

خودآموز:

مواد آموزشی که برای خودآموزی خوانندگان و مطالعه بدون استاد تولید شده‌اند. این مواد فقط برای خواندن تهیه نشده‌اند، از خوانندگان انتظار می‌رود فعالیت‌های ذکر

1. Mainstream

شده در متن را انجام دهند. برای معلمان این فعالیت‌ها می‌توانند تفکر در مورد موضوعی یا انجام فعالیتی با کودکان کلاس خودشان را شامل شوند.

نیازهای ویژه:

این اصطلاحاتی کلی و به نسبت بحث‌انگیز برای کودکانی است که به شکل‌هایی از کمک و مساعدت اضافی نیاز دارند. از آنجا که نیازهای آنان بسیار تغییرپذیر است، امکان ارائه تعریف دقیقی از این نیازها وجود ندارد. بعضی از نمونه‌ها نیازهای ویژه را در صفحه‌های ۶ و ۷ و در فصل اول ارائه داده‌ایم.

مدارس ویژه:

این مدارس به طور معمول برای کودکانی است که آسیب‌دیدگی یا نارسایی ویژه‌ای دارند. برای نمونه، در بسیاری از کشورها مدارس ویژه برای کودکان ناشنوا و کودکانی که به آسیب‌دیدگی بینایی یا نارسایی ذهنی دچارند، وجود دارند.

واحدهای ویژه / کلاس‌های ویژه:

ممکن است یک مدرسه عادی تعدادی از کلاس‌های خود را به طور خاص به کودکان دارای نیازهای ویژه اختصاص دهد. ممکن است این دانش‌آموزان بخشی یا تمام آموزش خود را در این واحد، دریافت کنند.

معلمان ویژه:

ما از این اصطلاح برای اشاره به معلمانی استفاده می‌کنیم که در مدارس ویژه یا مدارس عادی کار می‌کنند و مسوولیت ویژه‌ای در مورد کودکان دارای «نیازهای

ویژه» بر عهده دارند. به طور معمول این معلمان نوعی از آموزش‌های ویژه را دریافت داشته‌اند.

متخصص:

از این اصطلاح برای اشاره به افرادی استفاده می‌کنیم که در مورد بیماری‌ها و نارسایی‌های دورهٔ کودکی تخصص ویژه‌ای دارند. این اصطلاح، پزشکان، درمانگران (گفتار درمانگر، کار درمانگر، نشوایی شناس، فیزیوتراپ و...)، روانشناسان و مددکاران اجتماعی را در برمی‌گیرد.

راهبردهای تدریس:

فعالیت‌هایی که معلمان می‌توانند در هنگام ارائهٔ درس‌ها یا تعامل با کودکان به کارگیرند تا به یادگیری بیشتر آنها کمک کنند.

امیدواریم این راهنما را مفید و آگاهی‌بخش بیابید. مطالعه‌ای پربار و

نشاط‌بخش را برایتان آرزو مندیم!

فصل اول

هر کودک موجودی منحصر به فرد است

نگاهی کلی به مطالب فصل

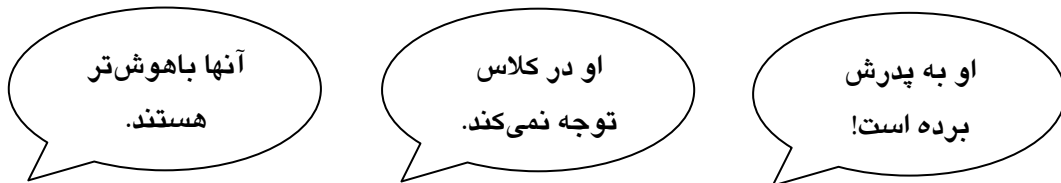
پس از به انجام رسانیدن مطالب این فصل از موارد زیر آگاه خواهید شد:

۱. موانع یادگیری کودکان که ناشی از آسیب‌دیدگی‌ها و محرومیت‌ها می‌باشد.
۲. روش‌های کاهش مشکلات یادگیری که کودکان دچار نارسایی‌ها با آن مواجه هستند.
۳. محرومیت‌های عمومی که کودکان با آن مواجه هستند و چگونگی غلبه بر آنها از طریق فراهم آوردن غذاهای مقوی (مغذی)، محیط‌های بهداشتی، محبت و توجه.
۴. حقوق اجتماعی و حق بهره‌وری از آموزش و پرورش براساس اعلامیه‌های جهانی.
۵. اقدامات ضروری روزانه معلمان جهت توسعه مدارس فراگیرتر.

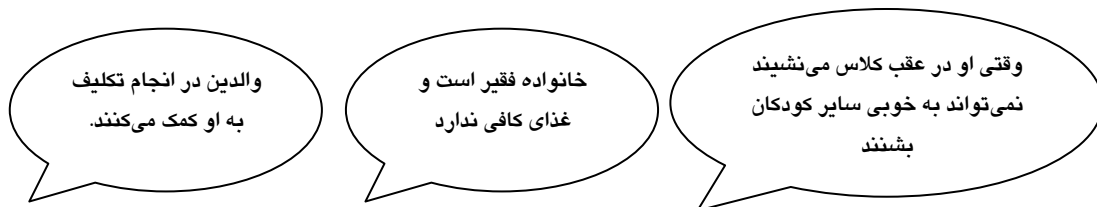
موانع یادگیری

در مدرسه، کودکان باید چیزهای مختلفی را یاد بگیرند. بعضی از آنان به نظر می‌رسد که به سرعت یاد می‌گیرند و بعضی در یادگیری کندتر هستند. در موضوعات خاصی، یک کودک ممکن است بهتر از سایرین عمل کند. برای مثال، بعضی از

دانش‌آموزان در خواندن خوب، ولی در ریاضی ضعیف هستند. اغلب اوقات دلیل این امر را نمی‌دانیم. در این مورد توضیحات متفاوتی ارائه شده است. برای مثال:



در سه توضیح فوق ممکن است واقعیت‌هایی نهفته باشد، اما به مطالب دیگری نیز باید توجه کنید.



آیا میان این دو مجموعه توضیحات تفاوتی احساس می‌کنید؟

به بیانی ساده:

توضیحات گروه دوم فعالیت‌هایی را پیشنهاد می‌کنند که می‌توانند برای غلبه بر مشکلات کودک به کار گرفته شوند. برای مثال: تشویق اولیاء در کمک به انجام تکالیف کودکانی که در یادگیری کُند هستند، یا اگر مشکوک هستید که کودکی ممکن است دارای مشکلات شنوایی باشد، او را در قسمت جلوی کلاس بنشانید.

این طریق نگاه به مشکلات برای کودکان، خانواده‌ها و معلمان مفیدتر است. چرا؟ چون این روش نشان می‌دهد که برای کمک به کودکان در جهت غلبه بر موانع

یادگیری چه کارهایی باید انجام شود. مشکلات کودکان را می‌توان به دو دسته عمده تقسیم کرد: مشکلات ناشی از آسیب‌دیدگی جسمانی و مشکلات ناشی از محرومیت. باید در نظر داشت که بعضی از کودکان ممکن است دارای ترکیبی از این مشکلات باشند.

به علاوه امکان دارد هر کودکی در یک دوره زمانی، با موانعی در یادگیری مواجه شود. این مشکلات موقعی ممکن است بدلائل متفاوت اتفاق بیفتد، برای مثال: کودک نگران مشکلاتش در خانه است، او به اندازه کافی خوابیده است، زیرا خواهش یا برادرش بیمار بوده و تمام شب را گریه کرده است، کودک به دلیل خستگی مفرط ناشی از کار زیاد در بیرون خانه (برای نمونه در مزارع) فاقد تمرکز کافی در یادگیری می‌باشد و... اگر چه احتمال دارد این مشکلات به مرور زمان برطرف شوند، ولی ضروریست که معلم در این موارد حساس و حمایتگر بوده و کودک را برای جبران مطالبی که در این مدت فرا نگرفته است، یاری دهد.

آسیب‌دیدگی‌ها

کودکانی که دچار آسیب‌دیدگی‌های جسمی، حسی یا ذهنی هستند ممکن است با مشکلات متعددی در یادگیری و مشارکت در زندگی اجتماعی، مواجه شوند. برای مثال، ممکن است کودکی به دلیل تصادف عضوی را از دست داده باشد؛ پاهایش به دلیل فلج اطفال تحلیل رفته باشند (لاغر شده باشند) یا به دلیل فلج مغزی با اعضای بدنی تغییر شکل یافته، متولد شده باشد (به فصل ۲ مراجعه شود)، این افراد به دلیل

این که قادر به راه رفتن یا بالا رفتن از پله‌ها نمی‌باشند، «آسیب‌دیده» یا «افراد دچار نارسایی» نامیده می‌شوند، اما نکتهٔ مهم‌تر این است که این نارسایی به طرق متفاوت سبب عقب ماندن کودک می‌شود. چون کودک نمی‌تواند مثل کودکان دیگر، در خانه یا اطراف آن حرکت کند، پس..

• فرصت‌های او نیز برای پیوستن به زندگی اجتماعی کمتر هستند؛ او نمی‌تواند به راحتی به بازار برود یا در میهمانی‌های خانوادگی شرکت کند.

• او (دختر) ممکن است از وضعیت جسمی خود خجالت زده باشد؛ کمبود اعتماد به نفس داشته و سعی می‌کند از بازی کردن با کودکان دیگر اجتناب ورزد.

آیا دیگر پیامدهای ناشی از نارسایی‌های جسمی برای کودکان به ذهن شما خطور می‌کند؟ آیا را بنویسید:

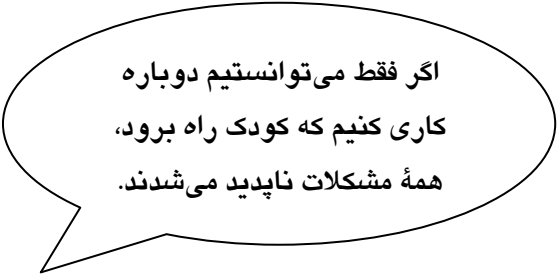
(این هم یک راهنمایی: تصور کنید که اگر نمی‌توانستید راه بروید، زندگیتان چه

تفاوتی می‌کرد؟



با مرور فهرستی که نوشته‌اید، متوجه خواهید شد، موضوعی که معلمان باید نسبت به آن نگران شوند آسیب‌دیدگی و یا علت به وجود آمدن آن نیست، بلکه کاهش پیامدهای ناشی از آسیب‌دیدگی در زندگی کودک و یا موانعی که آنها در مسیر یادگیری کودکان ایجاد می‌کنند، هدف ما می‌باشد.

بعضی از مردم فکر می‌کنند که راه‌حل تمامی این مشکلات، برطرف کردن آسیب‌دیدگی است به نحوی که کودک دوباره بتواند راه برود. در این صورت در اغلب مواقع به دنبال معالجه پزشکی می‌روند «شاید پزشکان بتوانند روی پای آنها عمل جراحی انجام دهند» یا «برای آنکه پاها به صورت عادی عمل کنند؛ تمرینات ویژه‌ای می‌توانند تجویز شوند.» مطمئنیم این‌ها به بعضی افراد کمک می‌کنند، اما اگر این راه‌حل‌ها کارآیی نداشته باشند یا این امکانات در محل زندگی کودکان و خانواده‌ها موجود نباشند، چه باید کرد؟ آیا فقط باید تسلیم شد؟ به هیچ‌وجه.

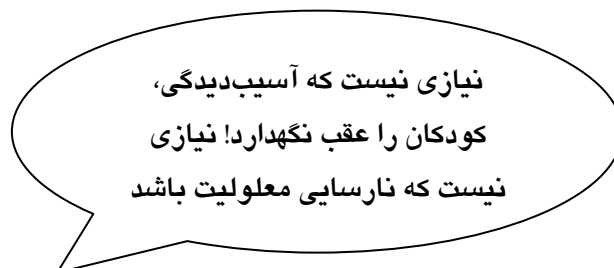


اگر فقط می‌توانستیم دوباره
کاری کنیم که کودک راه برود،
همه مشکلات ناپدید می‌شدند.

حتی اگر ما نتوانیم آسیب‌دیدگی را درمان کنیم، جهت کاهش پیامدهای منفی آن، کارهای بسیاری می‌توانیم انجام دهیم. در اینجا چند پیشنهاد را مطرح می‌کنیم. شاید شما بتوانید پیشنهادهای دیگری به آنها بیفزایید:

- می‌توانیم راه رفتن با استفاده از چوب‌های زیربغل یا دو تکه چوب را به او آموزش دهیم؛
- می‌توانیم برای او صندلی چرخدار، تهیه کنیم؛
- می‌توانیم با ایجاد تغییراتی در ساختمان (مانند ایجاد سطح شیبدار) پله‌ها را از مسیر حرکت وی حذف کنیم؛

- ما می‌توانیم توالت‌هایمان را به نحوی تغییر شکل دهیم که فرد بتواند به راحتی از روی صندلی چرخدار خود بر روی آن منتقل شود.
- از بازی کردن برادران و خواهران کودک با او اطمینان حاصل می‌کنیم.



پس در این صورت:

ما آسیب‌دیدگی را معالجه نکرده‌ایم، اما محیط اطراف را برای کودک به گونه‌ای

تغییر داده‌ایم که اثر آسیب‌دیدگی کمتر مطرح باشد.

این شیوه تفکر، مسوولیتی را برای مربیان و جامعه ایجاد می‌کند. اگر ما در آنجا مواردی که فهرست کردیم، قصور کنیم، این کودکان در چار نارسایی بیشتر خواهند شد. بنابراین، این روش برخورد جامعه با فرد است که باعث عقب‌ماندن وی می‌شود، نه آسیب‌دیدگی.

از این رو، بعضی از این افراد ترجیح می‌دهند که «افراد ناتوان شده»^۱ نامیده شوند، زیرا احساس می‌کنند جامعه و محیطی که در آن زندگی می‌کنند، آنها را دچار نارسایی کرده است. در سراسر جهان، این دیدگاه اجتماعی در مورد نارسایی در حال پذیرش روزافزون است.

1. disabled persons

دیدگاه اجتماعی در مورد نارسایی

تمامی کودکان از طریق تعاملشان با افراد دیگر - والدین، خواهر و برادران و همسالان - و نیز از طریق تجارب کسب شده از محیط‌های مختلف زندگیشان - خانه، جمع همسایگان و مدرسه - یاد می‌گیرند.

این مطلب در مورد کودکان دچار آسیب‌دیدگی نیز صدق می‌کند، اما آنها به دلیل

«متفاوت» دیده‌شدنشان از دیگر کودکان، اغلب اوقات فراموش می‌شوند. در واقع

فقدان یادگیری یا رشد‌کند آنان که به دلیل مواجه شدن با محدودیت‌هایی، در تعامل

با دیگران و شرکت در محیط‌های متفاوت می‌باشد، ناشی از آسیب‌دیدگیشان تلقی

می‌شود.

اگر کودکان دارای فرصت‌های ذیل باشند، بسیاری از اثرات ناتوان‌کننده

آسیب‌دیدگی‌ها را می‌توان کاهش داد:

- با همسالان و بزرگترها در جامعه تعامل داشته باشند؛
- با محیط‌های متفاوت که اثرات منفی ناشی از آسیب‌دیدگی‌هایشان را به حداقل برساند، نظیر ساختمان‌های بدون پله، مواجه شوند.

«بنابراین فراهم آوردن آموزش برای همهٔ کودکان مهم است»

دیدگاه پزشکی در مورد نارسایی

گاهی اوقات دیدگاه اجتماعی در مورد نارسایی، به عنوان جایگزین دیدگاه پزشکی

در مورد نارسایی ارائه می‌شود. این دیدگاه، علت نارسایی را از طریق انجام معاینات،

مشخص نموده، سپس سعی می‌کند آسیب‌دیدگی را با استفاده از عمل جراحی، دارو یا درمانگری، برطرف نماید. هر دو دیدگاه معتبر بوده و مورد نیازند، اما در اغلب موارد فقط دیدگاه پزشکی مورد توجه قرار می‌گیرد و زمانی که این روش‌ها، پاسخگو نبوده، یا امکانات آن موجود نیست، افراد تسلیم می‌شوند.

بزرگ‌ترین خطر دیدگاه پزشکی این است که «مشکل» را نشأت گرفته از وضعیت

کودک تلقی می‌کند. به همین دلیل کودکان دچار آسیب‌دیدگی‌ها از مدارس عادی جدا

گشته و به مدارس ویژه کودکان دارای همان نارسایی فرستاده می‌شوند – البته اگر

این مدارس وجود داشته باشند. اعتقاد این دیدگاه آن است که آنها به دلیل آسیب‌دیدگی‌هایشان نیاز به اقدامات جبرانی ویژه دارند. اما همان طور که توضیح دادیم، نارسایی‌ها به دلیل وجود آسیب‌دیدگی‌ها نیست، بلکه آنها از فقدان فرصت‌ها، مشارکت و آموزش، ناشی می‌شوند. اولیاء و مربیان، جهت کاهش نارسایی‌های ناشی از آسیب‌دیدگی‌ها می‌توانند کارهای زیادی انجام دهند.

کاهش نارسایی‌ها

کودکان می‌توانند دارای آسیب‌دیدگی‌های متفاوتی باشند – مشکلات در دیدن و شنیدن؛ آسیب‌دیدگی‌های جسمانی یا شرایطی مثل صرع (غش‌ها) و آسیب‌دیدگی‌های ذهنی که بر فکر کردن آنان اثر می‌گذارد.

علم پزشکی علت بسیاری از آسیب‌دیدگی‌ها را یافته است. بعضی از آنها از صدمات ژنتیکی زمان انعقاد نطفه ناشی شده‌اند؛ بعضی از عفونت‌های دوران جنینی

حاصل شده‌اند و تعدادی ممکن است، حین تولد طفل اتفاق بیفتد. تصادفات و بیماری‌های دوران کودکی نیز ممکن است به آسیب‌دیدگی‌های بدنی منجر شوند. جزییات مربوط در فصل ۲ توضیح داده خواهند شد.

اما ما می‌خواهیم شما در مورد نارسایی‌هایی که ناشی از آسیب‌دیدگی‌ها هستند، مانند: از دست دادن شنوایی، مشکلات بینایی، صرع، نارسایی ذهنی و نظیر آنها فکر کنید. به همان روشی که در مورد آسیب‌دیدگی‌های جسمی عمل نمودید، فعالیت‌های زیر را نیز انجام دهید:

۱. یک نوع آسیب‌دیدگی را که با آن آشنا هستید، انتخاب کنید. ممکن است در خانواده شما در بین دوستان و همسایگانتان یک مورد وجود داشته باشد یا ممکن است شما یک کودک دچار این نوع آسیب‌دیدگی را آموزش داده باشید.

۲. نارسایی‌هایی که متوجه شده‌اید ناشی از آسیب‌دیدگی می‌باشند، یعنی فعالیت‌هایی که فرد به دلیل وجود آن آسیب‌دیدگی، ممکن است نتواند انجام دهد را یادداشت کنید.

۳. سپس کارهایی را که فکر می‌کنید اولیاء، معلمان و دیگران در جامعه می‌توانند برای کاهش اثرات ناتوان‌کننده این آسیب‌دیدگی انجام دهند، فهرست کنید.

۴. این کار را برای دو آسیب‌دیدگی متفاوت انجام دهید.

۵. پس از تکمیل جدول زیر به دو پرسش مطرح شده در صفحه بعد پاسخ

دهید:

پاسخ‌هایتان را در اینجا ثبت نمایید:

آسیب‌دیدگی:	آسیب‌دیدگی:
نارسایی‌ها:	نارسایی‌ها:
☐	☐
☐	☐
☐	☐
فعالیت‌هایی برای کاهش نارسایی‌ها:	فعالیت‌هایی برای کاهش نارسایی‌ها:
☐	☐
☐	☐
☐	☐

آیا فهرست نارسایی‌ها مشابه می‌باشند؟

آیا مراحل کاهش نارسایی‌ها مشابه می‌باشند؟

اولیاء و معلمان پزشک نیستند و نمی‌توانند آسیب‌دیدگی‌ها را درمان کنند، اما

می‌توانند نارسایی‌ها را کاهش دهند!

محرومیت

همهٔ کودکان نیازهایی اساسی دارند – عشق و عاطفه، امنیت، خوراک مغذی، محیطی سالم و سرپناه. اگر هر کدام از این نیازها برآورده نشوند یا کمتر از حد نیاز تأمین شوند، ممکن است رشد و نمو کودک، عقب‌نگه داشته شود. به بیان ساده، توانایی آنها برای آموزش کاهش می‌یابد. بنابراین معلمان و مدارس باید بکوشند و

اطمینان حاصل کنند که دانش‌آموزان آنها به دلیل عدم تأمین نیازهای اساسی‌شان عقب‌نگه داشته نشوند.

نیازهای اساسی بسیاری از کودکان دچار نارسایی‌ها برآورده نمی‌شوند. ممکن است به علت عدم تقاضا، به آنها غذای کافی داده نشود؛ سلامتی ضعیف آنها به علت این پیش‌فرض که ناشی از آسیب‌دیدگی‌هایشان می‌باشد مورد توجه و رسیدگی قرار نمی‌گیرد یا به دلیل تفاوتشان با دیگران، مورد عشق و عواطف قرار نمی‌گیرند.

چگونه محرومیت‌ها را در محیط اطراف کودک برطرف نماییم؟ پاسخ‌ها واضحند – غذای خوب، سرپناه امن، آب سالم، مراقبت بهداشتی خوب و مراقبین با محبت. مدارس نه خود به تنهایی قادر به حل این مسایل می‌باشند و نه می‌توانند حل آنها را به دیگران واگذار کنند.

در این بخش کارهایی که معلمان جهت حصول اطمینان از سلامت کافی دانش‌آموزانشان می‌توانند انجام دهند را توضیح می‌دهیم.

■ تغذیه نامناسب و عفونت، رشد جسمانی و ذهنی میلیون‌ها کودک را عقب‌نگاه داشته است.

■ بعضی از اولیاء به دلیل خشکسالی، قحطی، جنگ و فقر قادر به تغذیه مناسب کودکانشان نیستند. تنها اقدامی سیاسی و اقتصادی که اغلب اوقات اصلاحات ارضی و سرمایه‌گذاری در تولید غذا به وسیله و برای فقرا را در بر می‌گیرد، می‌تواند این مشکل را حل کند.

■ اما اکثریت قابل توجهی از والدین در کشورهای در حال توسعه می‌توانند در

فراهم آوردن یک برنامه غذایی مناسب برای فرزندان خردسال خویش، تولید مواد غذایی یا پول کافی موفق شوند به شرطی که نیازهای فرزندانیشان را بدانند و در جهت اجرای آن، بوسیله جوامع و دولت‌هایشان، پشتیبانی شوند.

یونیسف - حقایق زندگی

خوراک مغذی

مدارس جهت پشتیبانی خانواده‌ها در فراهم آوردن خوراکی‌های مغذی برای

کودکشان چه کارهایی می‌توانند انجام دهند؟

مدارس در این رابطه با چه کسانی می‌توانند همکاری کنند؟

■ خانواده‌ها را در مورد خوراکی‌های مغذی آگاه سازید.

■ اگر در کشور شما برنامه‌هایی برای تأمین ناهار مدارس موجود است، آنها را

پیدا کنید.

آیا می‌توانید موارد دیگری اضافه نمایید؟

■
■

محیط‌های بهداشتی و ترویج سلامتی

علت بیش از نیمی بیماری‌ها و مرگ و میرهای کودکان، میکروب‌هایی است که به

همراه آب و غذا وارد دهان آنها می‌شوند. در جوامع فاقد آبریزگاه‌های (توالتهای)

بهداشتی^۱، آب آشامیدنی سالم و دفع بهداشتی زباله، جلوگیری از انتشار میکروب‌ها

برای خانواده‌ها، بسیار دشوار است. بنابراین پشتیبانی از جوامع از طریق فراهم

1. Latrines

آوردن مصالح و توصیه‌های فنی مورد نیاز برای ساختن توالت‌های بهداشتی و بهبود تهیه آب آشامیدنی – به عنوان حداقل – از اقدامات بسیار حیاتی دولت‌ها می‌باشد. در این خصوص پایگاه‌های اطلاعاتی^۱ مورد نیاز است و مدارس می‌توانند در این مورد نقش کلیدی را ایفا نمایند.

کودکان نیاز دارند، در مقابل بیماری‌هایی مانند سرخک^۲، فلج اطفال^۳ و سیاه سرفه^۴، که سبب معلولیت‌ها می‌شوند، ایمن شوند. هر جا که بیماری مالاریا^۵ عمومیت دارد، انجام اقدامات مراقبتی مورد نیاز می‌باشد.

خطرات ناشی از مواد مخدر، بیماری‌های مقاربتی و ایدز، باید به اطلاع خانواده‌ها و جوانان برسند. مدارس باید با پایگاه‌های آموزشی – بهداشتی که در منطقه آنها فعالیت دارند، همکاری کنند.

مدارس برای مراقبت از سلامتی کودکان چه کارهایی می‌توانند انجام دهند؟

مدارس در این مورد با چه کسانی می‌توانند همکاری کنند؟

■ مدارس می‌توانند آبریزگاه‌های (توالت‌های) بهداشتی مجهز به تسهیلات دستشویی را فراهم آورند.

آیا می‌توانید موارد دیگری را اضافه کنید؟



-
1. Information Campaigns
 2. Measles
 3. Polio
 4. Whooping Cough
 5. Malaria

عشق و توجه

کودک علاوه بر نیازهای جسمانی، دو نیاز دیگر نیز دارد که در رشد عاطفی و

ذهنی او حیاتی هستند:

۱ - نیاز به حس اطمینان و امنیت

۲ - نیاز به تعامل و تحریک

در کشورهای غنی ممکن است علی‌رغم تأمین مناسب نیازهای جسمانی کودکان به نیازهای عاطفی آنان پاسخ داده نشود. در صورتی که نیازهای عاطفی کودکان تأمین نشوند، ظرفیت یادگیری آنان صدمه خواهد دید.

۱ - نیاز به حس اطمینان و امنیت:

همه کودکان به برقراری ارتباط نزدیک، حساس و محبت‌آمیز با بزرگسال یا بزرگسالانی که از آنها مراقبت می‌کنند، نیاز دارند. این امر اساس رشد حس امنیت، اعتماد و توانایی مناسب کودک در کنار آمدن با دیگران و در معنای عام آن با جهان اطراف می‌باشد.

کودکان وقتی کمه مراقبینشان در اعمال و گفته‌هایشان هم‌خوانی داشته باشند، احساس امنیت می‌کنند، یاد می‌گیرند که در روابط انسانی، انتظار چه چیزهایی را داشته باشند و نیز به یک حس شفاف از آنچه درست یا غلط است، دست می‌یابند.

قوانین و محدودیت‌های مناسب باید به طور واضح به کودک انتقال یابند و برای او توضیح داده شوند. مراقبین باید در انتظاراتشان از چگونگی رفتار کودک، ثبات داشته

باشند. خشم و خشونت در خانواده کودک می‌تواند به رشد درونی او صدمه بزند، اما بسیار مهم است که کودک یاد بگیرد خشم و ناکامی خود را به شکل مناسبی، ابراز کند.

۲- نیاز به تعامل و تحریک

ذهن یک کودک مثل بدنش، برای رشد به کمک نیاز دارد. سه «خوراک» بسیار مهم

برای رشد ذهن عبارتند از: زبان، زیبای و محبت.

کودک از اولین ماه‌های زندگی به غوطه‌ور شدن در کلمات، در آغوش گرفته شدن، به او لبخند زدن، به او گوش دادن و تشویق به پاسخگویی با سر و صدا و حرکت نیاز دارد، همه کودکان نیاز به برقراری تعامل با سایر مردم دارند. آنها نیاز دارند که مردم را لمس کنند، با آنها حرف بزنند، با آنها بخندند، با آنها لبخند بزنند، به آنها پاسخ داده و از آنها پاسخ دریافت کنند.

فقدان توجه کودک را ناشاد می‌سازد. کودک فراموش شده، علاقه‌اش را به زندگی از دست می‌دهد، ممکن است کم‌اشتها شده و از رشد عادی ذهنی یا جسمی نیز باز بماند.

کودکان از طریق انجام دادن فعالیت‌ها، یاد می‌گیرند. بنابراین همان‌طور که کودک

بزرگ می‌شود، او (پسر یا دختر) نیاز به آزادی در کنکاش و بازی دارد. بازی یک فعالیت بیهوده نیست، بلکه یکی از ضروری‌ترین بخش‌های رشد است. بازی به رشد مهارت‌های ذهنی، اجتماعی و جسمانی - شامل حرف زدن و راه رفتن - رشد حس

کنجکاوی، توانمندی و اعتماد به نفس در کودکان کمک می‌کند. در فعالیت‌های مدرسه‌ای و کسب مهارت‌های لازم در زندگی آینده آنان را بنیان می‌گذارد.

بازی، همواره راهی برای حل مشکلات یا نیل به اهدافی که بزرگسالان تعیین می‌کنند، نمی‌باشد. این که کودک خودش به تنهایی یا با سایر کودکان بازی کند، به همان اندازه مهم است. لازم است والدین و مراقبین با فراهم آوردن مواد بازی و رهنمودهای لازم، بازی کردن را تشویق کنند. وسایل بازی نباید گرانقیمت باشند. جعبه‌های خالی یا وسایل خانه به اندازه اسباب‌بازی‌های گرانقیمت، مفید می‌باشند. بازی خیالی، برای نمونه وقتی که کودکان وانمود می‌کنند که بزرگسال می‌باشند، در رشد کودک اهمیت بسزایی دارد. کودکان برای رشد خلاقیت نیاز به کمک دارند. آنها نیاز دارند که برای یافتن راه‌حل مسایل و تصمیم‌گیری در مورد انتخاب بهترین راه‌حل‌ها، به چالش کشیده شوند. کودک نیاز دارد افکار و تصمیم‌هایش را - با رعایت شرایط ایمنی - به مرحله عمل درآورد و مشاهده کند چه اتفاقی می‌افتد. **خواندن**

سرودها و یادگیری شعرهای کودکان، ترسیم تصاویر و خواندن داستان به صدای

بلند، به رشد ذهنی کودک کمک کرده و مسیر را برای یادگیری خواندن و نوشتن

هموار سازد. همه کودکان از طریق مشارکت در فعالیت‌های روزمره خانواده و

کارهای خانه، یاد می‌گیرند. اگر خانواده با خلاقیت، روش‌هایی را برای تسهیل این امر فراهم نماید و معانی اجتماعی زندگی روزانه را به کودکان دارای نیازهای ویژه منتقل

کند، آنان نیز قادرند در این امور سهیم شوند. همهٔ کودکان برای رشد سالم به تمجید و تقدیر در قبال تلاششان نیاز دارند.

مدارس جهت حصول اطمینان از تأمین نیازهای کودکان به ایمن‌سازی بدن، احساس امنیت، تعامل و تحریک چه کارهایی می‌توانند انجام دهند؟

مدرسه در این رابطه با چه کسانی می‌تواند همکاری کند؟

■ معلمان می‌توانند کودکان را برای تلاش‌هایشان تمجید کنند. آیا می‌توانید موارد

دیگری را بیفزایید؟

-
-
-

«گفتگو، بازی و ابزار علاقه جهت رشد جسمی، ذهنی و عاطفی کودک ضروری

می‌باشند»

چرا برای کاهش محرومیت‌ها تلاش کنیم؟ چرا برای خودمان دردسر بتراشیم؟

چرا برای کاهش محرومیت‌ها یا نارسایی‌هایی که بعضی از کودکان تجربه می‌کنند

باید بکوشیم؟ در این بخش به این پرسش، پاسخ‌هایی خواهیم داد. توجه کنید که ما

اصطلاح «تلاش برای کاهش» را به کار می‌بریم. ما این را درک می‌کنیم که ممکن است

کاهش دادن محرومیت‌ها یا نارسایی‌های بعضی از کودکان مقدور نباشد.

• شاید مشکلات بسیار بزرگ باشند – آسیب‌دیدگی‌های کودک بسیار شدید یا

خانواده‌اش دچار فقر وحشتناک است.

• شاید پیدا کردن زمان یا منابع مورد نیاز برای انجام این کار دشوار باشد.

• ممکن است افراد دیگری که مایل به کمک باشند، در دسترس نباشند.

دلایل بسیاری وجود دارد که ممکن است شکست بخوریم، اما امکان شکست نمی‌تواند دلیلی برای تلاش نکردن باشد! اگر مشکلی وجود دارد، دلیل خویست برای این که بیشتر تلاش کنید.

حق مشارکت

اغلب اوقات در همه کشورهای با افراد دچار نارسایی‌ها به عنوان موجودی «کمتر از انسان» و دارای ارزشی کمتر از دیگران در جامعه برخورد شده است. امروزه این نگرش با یک دید احترام‌آمیز نسبت به این افراد، جایگزین شده است.

اعلامیه سازمان ملل متحد در رابطه با حقوق افراد دچار نارسایی (۱۹۷۵)، اظهار می‌دارد:

حق ذاتی افراد دچار نارسایی است که شأن انسانی آنها رعایت شود. اشخاص دچار نارسایی با هر منشاء، طبیعت و با هر درجه شدت از معلولیت و نارسایی، حقوق اساسی یکسانی با همشهری‌های هم‌سن خود دارند که در درجه نخست حق لذت بردن از یک زندگی شرافتمندانه، حتی‌الامکان عادی و کامل را در برمی‌گیرد. (ماده ۳)

همچنین، دولت‌های جهان موافقت کردند که تمام کودکان صرنفظر از آسیب‌دیدگی‌ها یا محیط‌هایشان، حقوق یکسانی دارند. بنابراین بیانیه حقوق کودک (۱۹۸۹) اظهار می‌کند که:

شناسایی نیازهای ویژه یک کودک دچار نارسایی، کمک‌رسانی به او و... باید برای حصول اطمینان از آن که کودک دچار نارسایی دسترسی مؤثر به آموزش دارد و آن را دریافت می‌کند، فراهم آیند... به نحوی که در دستیابی کودک به کامل‌ترین تلفیق اجتماعی و رشد فردی ممکن سودمند باشد. (ماده ۲۳)

هر دو این اعلامیه‌ها، اهمیت مشارکت کامل همه شهروندان (به طور اعم) و کودکان (به طور ویژه) در جامعه خود، داشتن فرصت رشد در فرهنگ خویش، جذب ارزش‌ها و باورها و سهم شدن در توسعه آن را تصریح می‌کنند. اگر قرار است حس هویت و حس تعلق داشتن در کودکان رشد یابد، این امر ضروری است. فعالیت‌های خانواده، مدارس در صورتی می‌تواند اتفاق بیفتد که کودکان از نظر اجتماعی به عنوان شرکاء فعال در خانواده و جامعه محلی‌اشان در برگرفته شوند. همین اصول برای سایر گروه‌های حاشیه‌نشین جوامع از قبیل: کوچ‌نشینان، اقلیت‌های قومی و پناهندگان نیز مصداق دارند. در صورتی که آنها از فرصت‌های تلفیق اجتماعی در محلات و جامعه بزرگ‌تر محروم شوند، بهزیستی کودکانشان در خطر خواهد بود.

حق آموزش

مجمع عمومی سازمان ملل متحد، مقررات معیار یکسان‌سازی فرصت‌ها برای افراد دچار نارسایی را در سال ۱۹۹۳ پذیرفت. بند ۶ اظهار می‌دارد:

دولت‌ها باید اصل فرصت‌های برابر برای آموزش و پرورش ابتدایی، متوسطه و پس از آن شرایط تلفیقی را برای کودکان، جوانان و بزرگسالان دچار نارسایی، به ۸

رسمیت بشناسند. آنها با آموزش اشخاص دچار نارسایی را به عنوان یکی از اجزاء لاینفک نظام آموزشی، تضمین کنند.

یونسکو (سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد) بیانیه‌ای تحت عنوان «بیانیه سالامانکا و چهارچوب عمل» را که در کنفرانس جهانی نیازهای ویژه آموزشی در سال ۱۹۹۴ پذیرفته شده بود، منتشر کرد. این بیانیه اظهار می‌دارد:

- هر کودک دارای یک حق اساسی برای آموزش می‌باشد و فرصت کسب و نگهداری سطح قابل قبولی از یادگیری، باید به او داده شود.
- نظام‌ها و برنامه‌های آموزشی باید به نحوی طراحی و اجرا شوند که جوابگوی تنوع وسیع ویژگی و نیازها باشند. افراد دارای نیازهای ویژه باید به مدارس عادی دسترسی داشته باشند.

• مدارس عادی با جهت‌گیری فراگیرسازی، مؤثرترین ابزارها برای موارد ذیل

می‌باشند:

- مبارزه با نگرش‌های تبعیض‌آمیز
 - بوجود آوردن جوامع محلی پذیرنده، ساخت یک جامعه فراگیر؛ و
 - دستیابی به آموزش برای همه.
- علاوه بر این، مدارس عادی باید برای اکثریت کودکان آموزشی اثربخش را فراهم آورند، کارایی را بهبود بخشند و در کل نظام آموزشی را از نظر اقتصادی بهینه سازند.

در شعار آموزش برای همه، منظور از همه، عبارت است از تمامی کودکان اعم از کودکان دارای آسیب‌دیدگی‌ها یا آنهایی که از خانواده‌های جمعیت‌های حاشیه‌نشین درون جامعه می‌باشند. در گذشته در بسیاری از کشورها، مدارس مجزا برای کودکان «متفاوت» راه‌حل پسندیده بود. تجربه به ما آموخته است که این رویکرد می‌تواند این معنی را بدهد که **بسیاری از کودکان در کشورها و مناطق دارای رفته**

کمتر، به طور کلی هیچ آموزشی را دریافت نمی‌کنند. از جمله دلایل این امر عبارتند از:

- مدارس ویژه، انتخاب گران‌قیمتی هستند بسیاری از کشورهای فقیر، توانایی مالی لازم برای دایر کردن آنها را ندارند.

- این مدارس به طور معمول در نقاط پرجمعیت دایر هستند و بیشتر به خانواده‌های مرفه‌تر خدمت ارائه می‌نمایند.

- معلمان آموزش عادی از تخصص معلمان آموزش ویژه بهره‌ای نمی‌برند.

به همین ترتیب در کشورهای مرفه‌تر ارزش مدارس ویژه به دلایل زیر و نیز به دیگر دلایل، زیر سؤال است:

- مدارس فراگیر فرصت‌های آموزشی و اجتماعی پیش‌ستری را برای کودکان فراهم می‌آورند.

- والدین به طور روزافزون تمایل پیدا می‌کنند که کودکانشان را به مدارس عادی بفرستند؛ بعضی از آنان مدارس ویژه را نوعی تبعیض می‌دانند.

- معلولین فعال در گروه‌های مدافعین حقوق معلولین، به آموزش که در مدارس ویژه دریافت کرده بودند، انتقاد داشتند.

بیانیهٔ سالامانکا و چهارچوب عمل آن که در بالا به آنها اشاره شده پذیرفته‌اند که ممکن است بعضی از کودکان به دلیل نیازهای خاصشان در فراگرفتن ارتباط (از جمله آنهایی که ناشنوا یا ناشنوا - نابینا هستند)، در کلاس‌ها یا مدارس ویژه بهترین آموزش را ببینند، اما در بسیاری از کشورها نیز نمونه‌هایی وجود دارد که کودکان ناشنوا هم به شکل موفقیت‌آمیزی در مدارس عادی تلفیق شده‌اند.

الزاماتی برای معلمان

معنی این بیانیه‌ها یا حقوق برای معلمان و مدارس چیست؟ می‌توان موفقیت آنان را به صورت زیر خلاصه کرد:

- همهٔ کودکان حق آموزش دارند.
- این اتفاق باید تا آنجا که امکان دارد در مدارس عادی (در دوره‌های پیش‌دبستانی، ابتدائی و متوسطه) صورت پذیرد.
- ممکن است بعضی از کودکان به دلیل آسیب‌دیدگی‌هایشان و یا از طریق محرومیت‌ها، به کمک اضافه نیاز داشته باشند.
- لازم است معلمان و مدارس، جهت تأمین نیازهای کودکان روش‌های کارشان را با شرایطی آنان سازگار کنند.

• این امر علاوه بر آن که به یک نظام آموزشی پیشرفته‌تر و بهینه‌تر از نظر اقتصادی منجر خواهد شد، برای همهٔ کودکان و خانواده‌هایشان منفعت در بر خواهد داشت.

آیا الزامات دیگری برای معلمان و مدارس به ذهن شما خطور می‌کند؟

این یک رویکرد جدید در تفکر است. بسیاری از کشورها برای آموزش کودکان دچار نارسایی‌ها یا دارای دیگر نیازهای ویژه، بر روی مدارس خاص سرمایه‌گذاری کرده‌اند. حرکت به سوی آموزش فراگیر به این معنی است که تمام تلاش‌های این کشورها در جهت پشتیبانی از همهٔ کودکان در مدارس عادی و یافتن راه‌هایی جدید برای توصیه و راهنمایی معلمان جهت‌گیری جدید یافته است. در مجموع:

آموزش فراگیر:

■ اعلام می‌نماید که همهٔ کودکان می‌توانند یاد بگیرند و همهٔ آنها به شکلی از پشتیبانی در یادگیری نیاز دارند.

■ به سوی آشکار ساختن و کاهش موانع یادگیری هدف‌گیری کرده است.

■ وسیع‌تر از آموزش رسمی است و خانه، جامعه و دیگر فرصت‌ها برای آموزش خارج از مدارس را در بر می‌گیرد.

■ در مورد تغییر نگرش‌ها، رفتارها، شیوه‌های آموزشی، برنامه‌های درسی و شرایط جهت تأمین نیازهای همهٔ کودکان می‌باشد.

■ یک فرآیند پویاست که همواره براساس فرهنگ‌ها و موضوعات محلی، متحول می‌شود و بخشی از یک راهبرد وسیع‌تر، جهت ترویج **جامعه‌ای فراگیر** می‌باشد.

سؤالات برای اندیشیدن:

آیا در کشور شما قانونی وجود دارد که حق آموزش کودک را تعیین کند؟

آیا در کشور شما همه کودکان، دسترسی یکسان به آموزش دارند؟

آیا در جامعه محلی شما آموزش برای همه کودکان یک ارزش است؟

واکنش‌های معلمان

ممکن است بیانیه‌های حقوقی و سیاست‌های دولت، اهدافی را تعیین کند، اما این

فرد معلمان هستند که می‌توانند موفقیت یا شکست آموزش فراگیر را رقم بزنند.

معلمان نیز مانند دیگر افراد جامعه می‌توانند نگرش‌های منفی را حفظ کنند. در غلب

اوقات ترس‌ها و پیشداوری‌های آنها مبتنی هستند بر عدم تماس با افراد دچار

نارسایی یا کسانی که پیشینه‌هایی از محرومیت دارند. وقتی که آنها این افراد را

ملاقات کرده و با آنها آشنا می‌شوند، ممکن است نگرش‌هایشان تغییر کنند. دیدگاه

معلمان در لسوتو، (کشوری در آفریقای جنوبی) و گویان (کشوری در آمریکای

جنوبی) را بخوانید:

از بیش از ۱۴۰ معلم در لسوتو و گویان که تجربه حضور یک کودک دچار

نارسایی‌ها در کلاسشان را دارا بودند، خواسته شد که مزایای حضور آنان در کلاس

را اگر در اصل مزایایی داشته است، عنوان نمایند.

در حدود یک پنجم معلمان اظهار نمودند که هیچ مزیتی وجود ندارد. دو پنجم آنها

اشاره کردند که به عنوان یک معلم منفعی را بدست آورده‌اند، یعنی فنونی را برای

آموزش به این کودکان کسب کرده‌اند، آنها ارزیابی بهتری از توانایی‌هایشان به عمل

آورده و صبورتر شده بودند. یک پنجم اظهار نمودند که فرصت تعامل با همسالان برای کودکان دارای نارسایی‌ها مزیتی است که حاصل شده است؛ یک دهم اشاره کردند که دانش‌آموزان درک بهتری از معانی دچار نارسایی بودن کسب کرده‌اند و یک دهم به بهبودها و دستاوردهای آن برای کودک دچار نارسایی اشاره کردند. یک معلم توضیح داد:

«افراد دچار نارسایی مانند کودکان دیگر حق یادگیری دارند و باید در مدارس عادی آموزش

ببینند. آنها نباید جدا شوند تا بتوانند با حضور در کنار دانش‌آموزان عادی اجتماعی شوند و

احساس کنند که بشر هستند و خودشان را بپذیرند.»

همان‌طور که خواندید، چهار پنجم معلمان، فواید وجود کودکان دچار نارسایی را در مدرسه‌اش گزارش کرده‌اند. در کشورهای دیگر نیز نتایج مشابهی بدست آمده است.

ولی معلمان هنوز هم مشکلات خودشان را دارند! در بین مسائلی که بیشتر از همه توسط این معلمان اعلام شده، موارد ذیل بودند، مواردی که شما با آنها مواجه بوده‌اید، علامت زده و موارد دیگر را به فهرست بیفزایید:

■ دانش‌آموز نمی‌تواند از عهده خواندن، نوشتن و حساب کردن برآید؛

■ دانش‌آموز در یادگیری و درک، کندتر از سایرین است؛

■ رفتارشان کلاس را مختل می‌سازد؛

■ برقراری ارتباط با دانش‌آموز مشکل است (آنها از دستورالعمل‌ها پیروی نمی‌کنند)؛

■ دانش‌آموز به زمان و توجه بیشتر معلم نیاز دارد؛

■ شرایط کلاس / مدرسه، برایش مناسب نیست؛

■ دانش‌آموز توجه / تمرکز ضعیفی دارد؛

■ در دستشویی رفتن مشکل دارد؛

■ معلم، آمادگی لازم برای سر و کله زدن با دانش‌آموز را ندارد.

■

معلمان ممکن است از طریق جدا کردن این قبیله دانش‌آموزان از کلاس یا مدرسه‌اشان، برای حل این مشکلات، تلاش کرده باشند. اما این‌چنین نکردند! آنها می‌دانستند که این کار به معنی محروم کردن دانش‌آموزان از حقشان نسبت به آموزش و پرورش است و به چالش توسعه مهارت‌هایشان به منظور پشتیبانی از همهٔ کودکان برای یادگیری، تن در دادند.

فصول ۲، ۳ و ۴ این راهنما طراحی شده‌اند تا برای آشنایی معلمان و برطرف کردن چالش‌های عمومی که ممکن است در نتیجهٔ حضور کودکان دارای نیازهای ویژه در مدرسه با آنها روبرو شوند، توصیه و راهنمایی‌های لازم را ارائه کنند. ممکن است شما در حال حاضر، بعضی از این کارها را انجام دهید. این فعالیت‌ها برای همهٔ کودکان مناسب هستند، اما پیشنهادهای دیگری نیز وجود دارد که برای شما جدید خواهد بود. می‌توانید از آنها برای بهبود آموزشتان استفاده کنید.

بهترین یادگیری از طریق تلاش برای عملی کردن این توصیه‌ها حاصل می‌شود. شما فردی هستید که کودکان و درس‌هایی را که آموزش می‌دهید، از همه بهتر می‌شناسید. ما فقط قادریم راهنمایی‌های عمومی را به شما ارائه کنیم. متناسب نمودن آنها با شرایط کلاس بر عهده خود شماست. ولی...

• اگر شما موفق شوید – رویکردهای آموزشی را که دوباره می‌توانید استفاده کنید کشف خواهید کرد.

• اگر این کار جواب نداد، خیلی زود تسلیم نشوید. سعی کنید علت را بیابید به نحوی که بتوانید رویکرد را تغییر داده و ببینید که آیا تفاوتی ایجاد می‌شود؟

وقتی که معلمان چالش فراگیرتر کردن مدارس و کلاس‌های درستان را می‌پذیرند، ماهرتر و

متبحرتر می‌شوند. این بدین معناست که همه دانش‌آموزان سود می‌برند، نه تنها «دانش‌آموزان

دارای نیازهای ویژه»!

نمونه

مدرسه گیرمک هازا^۱ در لهستان^۲، دانش‌آموزان ۶ تا ۱۲ ساله، از جمله دانش‌آموزان دچار نارسایی‌ها را از همان منطقه می‌پذیرد. وینس^۳ ۱۱ ساله، دچار آسیب‌دیدگی شدید شنوایی می‌باشد، اما با کمک سمعک به برقراری ارتباط از طریق شفاهی قادر می‌باشد. والدینش نمی‌خواستند که او به یک مدرسه ویژه جداسازی شده برود، چون فاصله مدرسه از خانه آنها دور بود و وینس از دوستانش دور

1. Gyermek Haza School
2. Hungry
3. Vince

می‌شد. آنها به منظور شرکت وینس در مدرسه عادی با مسوولین آموزش محلی و مدیر مدرسه مذاکره کردند. وینس به دنیای طبیعی علاقه زیادی دارد و از کارهای هنری و دستی لذت می‌برد. بهترین دوستان او آنی^۱ و میت^۲ هستند. آنها در وقت آزادشان خیلی با هم بازی می‌کنند. وینس می‌گوید: «ما لطیفه‌های خوب می‌گوییم و درباره چیزهای جالب صحبت می‌کنیم. من می‌خواهم وقتی که بزرگ شدم، یک معمار شوم.» معلمان، مدارس را مکانی پذیرا برای همه کودکان می‌بینند. آنها بر این باورند که هر کودک باید توانایی هایش را به طور کامل توسعه دهد، قادر به یادگیری مستقل باشد، دسترسی به مجموعه وسیعی از فرصت‌های مختلف یادگیری داشته و در یک محیط مثبت یادگیری پشتیبانی شود.

مدرسه یک برنامه درسی محلی را بوجود آورده و مواد برنامه درسی‌اش در ریاضیات و زبان لهستانی را منتشر کرده است. کتاب‌ها تکالیف درجه‌بندی شده‌ای را که به دانش‌آموزان اجازه می‌دهد در سطح و متناسب با سرعت خودشان اما با محتوای مشابه کار کنند، ارائه می‌دهد. این مواد به همه دانش‌آموزان، برای یادگیری بهتر کمک کرده است.

سوزت سیمبین^۳، مربی معلمان در دانشگاه علوم تربیتی^۴ موزامبیک است.

1. Ani
2. Mate
3. Suzwte Simbin
4. Pedagogical University

سوزت در نخستین سال‌های مدرسه‌اش (دهه ۱۹۸۰)، دچار فلج اطفال شده است.

این داستانی از زندگی اوست:

«معلمان به پدرم گرفتند که من به دلیل این که به راه رفتن قادر نیستم، دیگر نمی‌توانم پیشرفت و مطالعه کنم. پدرم اصرار کرد که آنها فرصتی به من بدهند. او هر روز مرما به مدرسه می‌برد. آیا من نیازهای (آموزشی) ویژه داشتم؟ نه، در رابطه با خواندن، نوشتن، ریاضیات و موسیقی، هیچ‌گونه نیاز ویژه‌ای نداشتم. یکی از باهوش‌ترین دانش‌آموزان کلاس بودم، می‌خواستم بسیار مطالعه کنم و حتی از سایر دانش‌آموزان بهتر باشم و اثبات کنم می‌توانم بهتر از دیگران باشم و پدرم را که سعی بسیار زیادی کرده بود، خوشحال کنم.

زمانی که درس ورزش داشتیم، من مستثنی بودم و فقط تماشا می‌کردم. در حال حاضر، به عنوان یک بزرگسال و یک مربی متخصص معلمان، این موضوع را بهتر می‌فهمم و تقاضا دارم به روش خودم در فعالیت‌ها مشارکت کنم. معلمان پس از آموزش می‌توانند روش‌هایی را برای شرکت کودکان در فعالیت‌های ورزشی بیابند. به هر حال مهمترین مسئله این است که معلمان برای پیدا کردن بهترین راه‌های ایفای نقش کودکان در تمام فعالیت‌های مدرسه با آنها به بحث و آزمایش بپردازند. همواره راه‌های متفاوتی برای مشارکت وجود دارد.»

مروری بر مطالب فصل

تقریباً، در تمام مدارس کودکانی هستند که ممکن است با محرومیت‌هایی مواجه باشند و یا این که ممکن است دچار یک نارسایی باشند.

• این فصل معلمان مدارس عادی را به چالش می‌کشد تا در آنچه که برای کمک بر فائق آمدن کودکان بر موانع یادگیری که هر کودکی می‌تواند با آن مواجه شود انجام می‌دهند، تجدیدنظر کنند.

• دولت‌ها می‌توانند اعلام کنند که همهٔ کودکان حق آموزش دارند، اما این معلمان هستند که آن را به واقعیت تبدیل می‌کنند.

• ممکن است معلمان نیاز داشته باشند که باورهایشان را در مورد خودشان عوض کنند (در مورد این تصور که نمی‌توانند از عهدهٔ کودکان دچار نارسایی‌ها و چالش‌های دیگر درون مدرسه‌اشان برآیند). این راهنما برای کمک به آنها در انجام این امر، طراحی شده است.

• اکثر چالش‌هایی که کودکان با آنها مواجهند، می‌توانند در کلاس‌های عادی و به وسیلهٔ معلمان عادی برطرف شوند.

• معلمان به تنهایی نمی‌توانند این کار را انجام دهند. آنها به پشتیبانی و توصیه سایرین نیازمندند.

پاسخ‌هایی را که قبلاً داده‌اید، مرور کنید، سپس سعی کنید به این پرسش پاسخ دهید:

چه چیزی به شما به عنوان یک معلم، کمک می‌کند که به نیازهای همهٔ دانش‌آموزان

بهتر پاسخ دهید؟

فصل دوم: ارزیابی نیازها

نگاهی کلی به مطالب این فصل

پس از به انجام رسانیدن مطالب این فصل از موارد زیر آگاه خواهید شد:

- علائم هشداردهنده‌ای که حاکی از وجود مشکل شنوایی، دشواری‌های بینایی یا وجود یک نارسایی هوشی در کودک می‌باشند؛
 - علل مشترک این آسیب‌دیدگی‌ها؛
 - انطباق‌هایی که معلمان در کلاس‌های خود ایجاد می‌کنند و راهبردهای آموزشی که نیازهای این کودکان را برآورده می‌سازند. بسیاری از این توصیه‌ها می‌توانند در بهتر یاد گرفتن همه کودکان در کلاس مؤثر باشند؛
 - متخصصینی که اگر در دسترس باشند، می‌توان کودکان را به آنها ارجاع داد؛
 - چهارچوبی برای انطباق برنامه درسی؛
 - سیزده بیماری یا شرایط دیگری که می‌توانند بر یادگیری کودک تأثیر گذارند.
- این فصل به سه قسمت تقسیم می‌شود:

مندرجات:

- بخش ۱ - شناسایی نیازها: در این قسمت چهار معلولیت عمده‌تر - آسیب‌دیدگی‌های شنوایی، آسیب‌دیدگی‌های بینایی، نارسایی ذهنی و فلج مغزی - مورد ملاحظه قرار گرفته و برای هر نارسایی از الگوی مشترک زیر پیروی شده است:

- علائم هشداردهنده را تصویف می‌کنیم.
- علل احتمالی هر یک را به طور خلاصه ذکر می‌کنیم.
- فعالیت‌هایی که معلمان می‌توانند انجام دهند را توصیف می‌کنیم. این فعالیت‌های بدین شکل گروه‌بندی می‌شوند:
- الف - انطباق‌هایی که معلمان می‌توانند در کلاس‌های خود ایجاد کنند،
- ب - راهبردهای آموزشی که می‌توانند یادگیری کودک را مورد حمایت قرار دهند (این مبحث به طور کامل در فصل‌های ۲ و ۳ بیان شده است)،
- ج) متخصصان در دسترس برای کمک و راهنمایی به معلمان.
- علاوه بر این موارد، نمونه‌هایی از دانش‌آموزانی که به طور موفقیت‌آمیزی در کلاس‌های عادی جایدهی شده‌اند را معرفی می‌کنم.
- بخش ۲ - انطباق برنامه درسی:** دومین قسمت، متمرکز است بر برنامه درسی مدارس و چگونگی انطباق بهتر آن با شرایط دانش‌آموزان، برای تصمیم‌گیری در مورد تغییرات مورد نیاز، چهارچوبی را برای معلمان فراهم می‌آوریم.
- بخش ۳ - بیماری‌ها و آسیب‌دیدگی‌های شایع:** در قسمت پایانی توصیفی مختصر از دیگر شرایط ویژه‌ای که کودک می‌تواند داشته باشد، ارائه می‌شود.
- بخش ۱ - شناسایی نیازها**
- آسیب‌دیدگی برخی از کودکان بارز می‌باشد. لاغری و کم‌وزنی آنها می‌تواند ناشی از سوءتغذیه باشد. به همین نحو، هرگونه بدشکلی جسمانی یا نراسایی مربوط به در

اختیار گرفتن حرکات دست و بازو را می‌توانید به سرعت شناسایی کنید. در این نمونه‌ها، فعالیت مورد نیاز برای کمک به کودک در مدرسه مشخص است، برای نمونه:

کودکی باید به علت نارسایی در راه رفتن از صندلی چرخدار استفاده کند.

مدرسه چه کاری باید انجام دهد تا این دانش‌آموز بتواند راحت‌تر به آنجا بیاید؟

ممکن است به این نیازها توجه کرده باشید: بهره‌گیری از کلاس‌های طبقه همکف برای این کودکان، ایجاد سطح شیبدار اگر کلاس دارای پله است (این کار را می‌توان با کمک جامعه محلی به انجام رساند)، حرکت دادن میزها به نحوی که صندلی چرخدار در میان با کمک جامعه محلی به انجام رساند)، حرکت دادن میزها به نحوی که صندلی چرخدار در میان آنها جای بگیرد و دسترسی به دستشویی را تسهیل کند. البته تمامی این موارد حرکت در سطح مدرسه را برای همگان آسان می‌سازد. از جمله برای معلمانی که در راه رفتن مشکل دارند! به طور معمول کودکان دارای نارسایی‌های جسمانی نیازهای آموزشی ویژه‌ای ندارند – آنها فقط نیازمند دسترسی به مدرسه و کلاس می‌باشند، اگر چه گاهی اوقات ممکن است به وسایل کمکی برای خواندن یا نوشتن نیز احتیاج داشته باشند.

در هر صورت، برخی آسیب‌دیدگی‌ها به راحتی قابل مشاهده نیستند، در این حالت فرض می‌شود که کودک هیچگونه مشکلی ندارد و از این رو ممکن است معلمان و مدارس، روش‌های کاری خود را با وضعیت کودک منطبق نسازند. در این قسمت از

فصل حاضر، توجه اصلی متمرکز است بر سه آسیب‌دیدگی شایع که خانواده‌ها و معلمان می‌توانند آنها را نادیده بگیرند. کودکان دچار دشواری‌های شنوایی، کودکان دچار دشواری‌های بینایی و کودکان دچار مشکلات یادگیری، در کنار نارسایی‌های جسمانی، این‌ها آسیب‌دیدگی‌هایی هستند که بیشتر احتمال دارد معلمان مدارس عادی با آنها مواجه شوند.

به خاطر داشته باشید که:

- برخی کودکان بیش از یک آسیب‌دیدگی دارند.
- بسیاری از این آسیب‌دیدگی‌ها باید در بدو ورود کودک به مدرسه مورد شناسایی قرار گیرند. بنابراین، مربیان و معلمان مراکز پیش‌دبستانی و دبستانی باید مطالب بخش ۱ این فصل را با دقت ویژه‌ای مطالعه کنند. با خانواده و کارکنان بهداشت و توانبخشی اجتماعی مشورت کنید. ممکن است آنها اطلاعاتی داشته باشند که بتوانند به شما کمک کنند.
- این نکته برای معلمان بسیار اهمیت دارد که همانقدر که نارسایی‌های کودک را شناسایی می‌کنند، توانمندی‌های وی را نیز بشناسند.
- هنگامی که کودکان دچار آسیب‌دیدگی از یک کلاس به کلاس یا مدرسه‌ای دیگر منتقل می‌شوند، لازم است اطلاعات مربوط به آنها در اختیار معلمانشان قرار بگیرد. در پاره‌ای از اوقات آسیب‌دیدگی‌ها با برگ شدن کودک شدیدتر می‌شوند

و با بزرگتر شدن آنها سایر کودکان مشکلاتی را تجربه می‌کنند. معلمان دورهٔ متوسطه نیز لازمست از این اطلاعات آگاهی داشته باشند.

• و مهمتر از همه این که: شناسایی دیر هنگام و آموزش ضعیف در سال‌های اولیه، دشواری‌های کودک را شدیدتر خواهند کرد.

آسیب‌دیدگی‌های شنوایی

در اینجا ما از اصطلاح «آسیب‌دیدگی شنوایی» استفاده می‌کنیم در حالی که اصطلاحات دیگری از قبیل «سخت شنوایی» یا «ناشنوایی» وجود دارند. اغلب اوقات، ما تصور می‌کنیم که کودکان قادر به شنیدن هستند در حالی که در حقیقت ممکن است دشواری‌هایی در شنوایی وجود داشته باشند. کودکان نمی‌توانند مشکل شنوایی خود را بیان کنند، چون ممکن است ندانند درست شنیدن چگونه است! در بین دانش‌آموزان، کم‌شنوایی‌های خفیف، نسبت به کم‌شنوایی‌های عمیق (ناشنوایی) شیوع بیشتری دارند. همچنین به یاد داشته باشید که برخی مشکلات شنیداری ناپایدار هستند، اگر کوکی مستعد سرماخوردگی از ناحیهٔ سر یا عفونت‌های عودکنندهٔ گوش باشد، ممکن است شنوایی وی نیز تحت تأثیر قرار گیرد. در اینجا تمرکز اصلی ما بر ناشنوایان مادرزادی یا آنهایی که در سال‌های اولیهٔ زندگی دچار ناشنوایی شده‌اند، می‌باشد نه بر کسانی که بعد از اینکه صحبت کردن، خواندن و نوشتن را یاد گرفته‌اند، شنوایی خود را از دست می‌دهند (ناشنوا می‌شوند).

علائم هشداردهنده:

در اینجا برخی از علایم عمومی آسیب‌دیدگی شنوایی را فهرست کرده‌ایم. با این حال این بدین معنی نیست که چنین کودکی به طور قطعی دچار آسیب‌دیدگی شنوایی می‌باشد، ممکن است دلایل دیگری بر این رفتار کودک وجود داشته باشد که شما باید آنها را در نظر بگیرید. علاوه بر این، باید نگرانی‌های خود را با والدین کودک در میان بگذارید. آنها می‌توانند اطلاعات بیشتری ارائه نمایند که ممکن است تردیدهای شما را تأیید کنند یا این که شما را مطمئن سازند که کودک از نظر شنوایی مشکلی ندارد.

• **ضعف در توجه:** اگر دانش‌آموز به کلاس توجه ندارد این احتمال وجود دارد که قادر به شنیدن آنچه گفته شده نیست یا اصوات را تحریف شده می‌شنود. در نتیجه، کودک یا به طور ناهماهنگ با گفته‌ی معلم عمل می‌کند و یا برای گوش دادن و توجه کردن تلاشی از خود نشان نمی‌دهد. در موارد بسیار نادر ممکن است چنین دانش‌آموزی برای تعیین این که چه چیزی گفته شده است به طور ویژه، دقت بسیار زیادی را از خود نشان دهد.

• **رشد گفتاری ضعیف:** گفتار رشد نیافته، غیر عادی تحریف شده و یا صحبت کردن کودک با صدای بسیار بلند یا ضعیف می‌تواند ناشی از کاهش شنوایی باشد.

• **دشواری در پیروی از دستورات:** کودکی که در پیروی کردن از دستورات شفاهی دارای دشواری غیرعادی است، می‌توان به آسیب‌دیدگی شنوایی دچار باشد.

- هنگامی که معلم به طور نسبی به دانش‌آموز نزدیک‌تر است یا تکالیف، کتبی بوده و به پاسخ‌های شفاهی نیاز ندارند، ممکن است کودک به تکالیف تعیین شده بهتر جواب دهد.
- این دانش‌آموز ممکن است، برای بهتر شنیدن سرش را بچرخاند یا گوشش را به سمتی که بهتر می‌شوند، متمایل کند.
- مشکلات شنوایی می‌توانند موجب شوند تا کودک قبل از شروع فعالیت خود، اعمال سایر دانش‌آموزان را مشاهده یا برای بدست آوردن سرنخی به همکلاسان یا معلمش نگاه کند.
- کودک ممکن است در شنیدن متن خوانده شده توسط دیگران مشکل داشته و از همکلاسی‌ها یا معلمان بخواهد که بلندتر صحبت کنند.
- برخی اوقات ممکن است کودک به پرسش‌ها پاسخ نامناسب داده یا قادر به پاسخ نباشد.
- کودکان دچار کم‌شنوایی ترجیح می‌دهند در گروه‌های کوچک به فعالیت بپردازند و در قسمت به نسبت آرام کلاس یا در ردیف‌های جلو بنشینند.
- این دانش‌آموز ممکن است در برابر کم‌شنوایی خود واکنش شرمگینانه و انزوا از خود نشان دهد یا به نظر برسد که لجباز و نافرمان است.
- ممکن است دانش‌آموز نسبت به شرکت در فعالیت‌های شفاهی سخت بی‌میل بوده و در خندیدن به لطیفه‌ها یا درک شوخی‌ها شکست بخورد.

• این دانش آموز ممکن است به جداسازی خود از فعالیت های اجتماعی تمایل داشته باشد.

• این دانش آموز ممکن است بجای درک زبان گفتاری از وضعیت چهره، حرکات بدنی و اطلاعات وابسته به متن ارتباط، تفسیری را بدست آورد و به این دلیل گاه نتایج غلطی بدست می آورد.

• این دانش آموز ممکن است از گوش دردها، سرماخوردگی، گلودردهای مکرر یا التهاب عودکننده لوزه ها شکایت داشته باشد.

• ممکن است از گوش این دانش آموز چرک بیرون آید.

آیا در کلاس شما کودکانی حضور دارند که این علائم را نشان دهند؟ آیا لازم است این موارد را درباره دانش آموزان بررسی کنید؟

علل آسیب دیدگی های شنوایی:

برخی کودکان با آسیب دیدگی شنوایی به دنیا می آیند و به طور معمول برخی دیگر شنوایی خود را از دست می دهند. در اینجا علل گوناگون آسیب دیدگی شنوایی را فهرست می کنیم تا بدین وسیله شما را نسبت به کودکانی که ممکن است با مشکلاتی در شنوایی مواجه باشند، هشیار کنیم. عمده ترین دلایل آسیب دیدگی شنوایی عبارتند از:

- وراثت (آسیب‌دیدگی شنوایی در برخی خانواده‌ها رخ می‌دهد، هر چند که والدین کودک به آسیب‌دیدگی شنوایی دچار نباشند. چنین وضعیتی در پسران بیشتر در اختران بوده و در کشورهای مرفه چنین عاملی بیشتر دیده می‌شود)؛
 - سرخجه دوران بارداری مادر؛
 - کمبود ید در وعده‌های غذایی مادر؛
 - نارس بودن نوزاد (تولد زودهنگام کودک، با وزن کم)؛
 - عفونت‌های گوش، خصوصاً عفونت‌های طولانی و عودکننده همراه با چرک؛
 - ترشحات بیش از حد گوش به نحوی که مجرای شنوایی بسته شود؛
 - مننژیت (نوعی عفونت مغزی)؛
 - مالاریای مغزی یا مصرف بیش از اندازه داروهای درمان‌کننده آن.
- به هر حال، هنوز یک سوم علل آسیب‌دیدگی‌های شنوایی ناشناخته هستند.
- فعالیت‌هایی که معلمان می‌توانند انجام دهند**

الف) انطباق‌های کلاسی

- تا حد ممکن باید این کودک را در نزدیکی معلم بنشانید (نه بیشتر از ۳ متر)
- معلمان باید اطمینان حاصل کنند که در حالت ایستاده یا نشسته رو در روی این دانش‌آموزان قرار بگیرند. هنگام خواندن، چهره خود را با کتاب نپوشانید یا هنگام نوشتن بر روی تخته سیاه صحبت نکنید.

- مطمئن شوید که نور از پشت سر شما نمی‌تابد در این صورت چهره شما در سایه قرار می‌گیرد. در نور مناسبی کار کنید که کودک بتواند چهره، دست‌ها و لب‌های شما را ببیند.

- برخی دانش‌آموزان از نگه کردن همزمان به معلم و دیگر دانش‌آموزان سود می‌برند. آنها از طریق دیدن دیگر دانش‌آموزان در حالتی که به معلم پاسخ می‌دهند، می‌توانند مطالبی را بیاموزند. بنابراین کودک را در وضعیت مناسبی قرار دهید یا میز و نیمکت‌ها را طوری بچینید که او بتواند چهره‌های دیگران را به خوبی ببیند.

- سعی کنید سر و صداها را مزاحم در کلاس را به حداقل برسانید. از اتاقی استفاده کنید که در ساکت‌ترین جای مدرسه باشد.

ب) راهبردهای آموزشی برای دانش‌آموزان کم‌شنوا

- اگر برای کودک وسیله کمک‌شنوایی تجویز شده است اطمینان حاصل کنید از آن استفاده می‌کند. بدین معنی که دستگاه روشن بوده و باتری‌هایش سالم باشند.
- به روشنی و با صدایی بلند ولی بدون فریاد کشیدن یا اغراق در تلفظ، صحبت کنید.

- برای کمک به کودک در درک منظور خودتان از کلمات و جملات ساده در کنار ایماها و تصاویر استفاده کنید.

- کودکان دچار آسیب شنوایی، بیشتر از طریق حس بینایی مطالب را یاد می‌گیرند تا حس شنوایی، هر چند که معلمان باید از هر دوی این حواس برای آموزش استفاده کنند. به آنها نشان دهید که انتظار انجام چه کاری را از ایشان دارید. برای تدریس از مواد آموزشی مصور و کارتهای دارای نماد استفاده کنید.
- این دانش‌آموز را با یک دانش‌آموز شنوا هم گروه کنید. این همکار شنوا می‌تواند در پیدا کردن شماره صفحه یا تکرار دستورات شما و مانند آن به وی کمک کند.
- کودک دچار آسیب‌دیدگی شنوایی را تشویق کنید تا در حالی که دیگر دانش‌آموزان به پرسش‌های شما پاسخ می‌گویند، آنها را نگاه کرده و به گفته‌هایشان گوش فرا دهد. اگر کودک نمی‌تواند سایر دانش‌آموزان را ببیند یا به صدای آنها گوش دهد، لازم است شما رو در روی کودک دچار آسیب‌دیدگی شنوایی آنچه را که دیگران گفته‌اند، تکرار کنید.
- با کمک دانش‌آموزان مزبور بررسی کنید که آنچه را از او انتظار می‌رود انجام دهد، فهمیده است یا خیر.
- موقعیت‌های گروهی برای کودکان دچار آسیب‌دیدگی شنوایی بسیار مشکل است. زیرا در آن واحد چندین نفر با هم صحبت می‌کنند. معلمان می‌توانند از این موقعیت‌ها برای ارائه آموزش چهره به چهره به دانش‌آموز دچار آسیب‌دیدگی شنوایی استفاده کنند.

- چنانچه تکلم کودک نارسا است، به او فرصت دهید تا آنچه را که سعی دارد بیان کند به زبان آورد. به وی کمک کنید تا از واژه‌ها و دستور زبان صحیح استفاده کند و برای تلاش‌هایش در صحبت کردن از او تقدیر به عمل آورید.

ج) راهبردهای آموزشی برای دانش‌آموزان ناشنوا

برای کودکان ناشنوا – با شنوایی بسیار اندک – مهم‌ترین وسیله ارتباطی روش‌های غیر شنیداری مثل الفبای دستی است و از گفتارخوانی، خواندن و نوشتن می‌توان به عنوان وسایل ارتباطی تکمیلی استفاده کرد. تمامی توصیه‌های گفته شده در بالا را برای کودک ناشنوا به کار ببرید و موارد ذیل را در نظر داشته باشید:

- لازم است معلمان در کلاس‌های آموزش الفبای دستی^۱ که ناشنوایان کشورشان استفاده می‌کنند، شرکت کنند.

• کودکان خردسال به سرعت استفاده از الفبای دستی را یاد می‌گیرند، حتی اگر معلم یا والدینشان در آن مهارت چندانی نداشته باشند. تمرین بیشتر الفبای دستی موجب مهارت شما در این امر می‌شود.

- معلمان می‌توانند درس را با استفاده از الفبای دستی برای دانش‌آموزان ناشنوای خود بازگو کرده یا این که در طول مدت تدریس، به هنگام لزوم از زبان اشاره استفاده کنند.

1. دقت کنید که الفبای دستی تسهیل‌کننده یادگیری ارتباط شفاهی است. لذا به تدریج که کودک در دریافت و بیان زبانی پیشرفت می‌کند، کمتر از الفبای دستی استفاده کنید و تنها در مورد کلمات و مفاهیم جدید از آن بهره بگیرید. (توضیح مترجم)

- احتمال آن وجود دارد که بتوانیم امکانات لازم برای حضور منظم یک معلم ناشنوایان را در مدرسه فراهم آوریم. می‌توانم از بزرگسالان ناشنوای باسواد و مسلط به زبان و ارتباطی شفاهی استفاده کنیم تا کودک ناشنوا را مورد حمایت قرار دهند و ارتباطات مابین کودک، معلم و سایر دانش‌آموزان کلاس را تسهیل کنند.

- همان‌طور که مهارت‌های زبانی کودک رشد می‌یابد، خواندن را به او آموزش دهید، چون این مهارت مهم‌ترین رسانه برای یادگیری کودک و برقراری ارتباط وی با دیگران است.

- اطمینان حاصل کنید که دانش‌آموز ناشنوا نسخه‌های نوشتاری از دروسی که تدریس کرده‌اید را از شما یا همکلاسی‌هایشان دریافت می‌کند. تلاش کنید هر چه بیشتر مکان دارد، کتاب‌ها و مواد نوشتاری مربوط به دروس را به کودک ارائه دهید.

- در مدارس عادی شهری بسیاری از کشورها، واحدهای ویژه‌ای برای آموزش کودکان ناشنوا تأسیس کرده‌اند. در این واحدها دروس از طریق زبان اشاره، الفبای دستی، گفتارخوانی، خواندن و نوشتن به دانش‌آموزان تدریس می‌شود و آنها به این وسیله می‌توانند به سادگی ارتباط برقرار کنند. به این ترتیب آنها فرصت‌هایی معادل برای ایجاد ارتباط‌های اجتماعی با دیگر دانش‌آموزان و ملحق شدن به ایشان در برخی کلاس‌ها را دارند.

د) ارجاع:

- می‌توانیم کودک را برا معاینه گوش به پزشک یا مربی بهداشت کار ارجاع دهیم. وی باید بتواند عفونت‌ها و جرم بیش از اندازه گوش را برطرف نماید.
 - یک شنوایی‌شناس می‌تواند شنوایی کودک را مورد آزمایش قرار دهد. وی قادر است به طور دقیق میزان و نوع شنوایی کودک را تعیین نماید. ممکن است وسایل کمک‌شنوایی نیز تجویز کند، این وسایل اصوات را برای کودک تقویت می‌کنند، ولی برای انواع خاصی از دشواری‌های شنوایی مفید نیستند.
- علاوه بر این ممکن است، خرید و نگهداری این وسایل (نگهداری آنها چون به طور مرتب به باتری نیاز دارند) گران تمام شود. خدمات شنوایی‌شناسی اغلب در بیمارستان‌ها مراکز بهداشتی و در برخی موارد در درمانگاه‌های عمومی یا خصوصی و درمانگاه‌های سایر معاینات اولیه شنوایی ارائه می‌شوند. در مورد نشانی این مراکز و متخصصین، از مراکز بهداشت منطقه‌اتان اطلاعات لازم را دریافت کنید.

آیا شما مربیان بهداشت، بهداشتیاران، پزشکان و شنوایی‌شناسایی را می‌شناسید که بتوانید کودکان را به آنها ارجاع دهید؟

اگر نه، چطور می‌توانید به این اطلاعات دست پیدا کنید؟

هر چند ارزیابی شنوایی کودک اهمیت دارد، ولی هنگامی که به آسیب‌دیدگی شنوایی کودک مظنون شدید، بی‌درنگ برحسب مورد، بعضی از راهبردهای تدریس

ذکر شده در بالا را مورد استفاده قرار دهید. همچنین می‌توانید در مورد دشواری‌هایی که کودک در شنیدن تجربه می‌کند، این که چیزی در کلاس گفته می‌شود و چه چیزی باعث می‌شود که او آسان‌تر بشنود، مطالبی را از طریق صحبت کردن با او دریابید.

منابع:

- ناشنوایی، راهنمای والدین، معلمان و کارکنان خدمات اجتماعی: ارائه‌دهنده اطلاعاتی در خصوص ناشنوایی و زبان اشاره
- آموزش و پرورش کودکان ناشنوا و افراد سنین پایین: شامل تعدادی توصیه‌های علمی برای معلمان می‌باشد قابل دسترس از طریق: یونسکو
- خدمات مربوط به افراد ناشنوا در موقعیت‌های روستایی؛ زبان اشاره و درون‌مایه‌ها و توصیه‌هایی برای معلمان که از طریق آدرس زیر قابل دسترس می‌باشد.

Initatives in Deaf Education

Chapel Cottage, 7 king Street, Much Wenlock,

Shorpsire, England. TF13 6BL

نمونه

سلما^۱ در یک مدرسه ویژه ناشنوایان در اُردن درس می‌خواند. او به آسیب‌دیدگی شدید شنوایی دچار است و از وسایل کمک‌شنوایی استفاده می‌کند. شنوایی‌شناس وی

1. Salam

که به آموزش فراگیر عقیده داشت به والدین کودک گفت که او را به مدرسه‌ای عادی ببرند و برای همین مدرسه دخترانه اهلید در شهر امان^۱ را توصیه کرد. این مدرسه آموزشی مستقل است که دانش‌آموزانی با نیازهای ویژه داشته و برنامه‌ای پیشرفته برای دانش‌آموزان دچار دشواری‌های شنوایی ارائه می‌نماید. این سومین سالی است که سلما به این مدرسه می‌رود و اکنون در کلاس سوم تحصیل می‌کند. سلما به خوبی به عربی و انگلیسی می‌نویسد و می‌خواند و قادر است افکار خود را به هر دو زبان بیان کند. وی عاشق مدرسه‌اش است و از کلاس رقص باله و موسیقی لذت می‌برد. معلمان کلاس‌های اول و دوم و معلمان فعلی وی همگی به موفقیت‌های او افتخار می‌کنند. سلما امسال دوست جدید دارد که تازه به این مدرسه آمده است. آنها همدیگر را در منزل ملاقات کرده و از با هم بودن لذت می‌برند.

آسیب‌دیدگی‌های بینایی

واژه‌های متعددی برای توصیف درجات مختلف و انواع آسیب‌دیدگی‌های بینایی استفاده می‌شود، نظیر کم‌بینایی، بینایی نسبی و نابینایی. مشکلات بسیاری از این کودکان به شرط این که شناسایی شوند، با استفاده از عینک برطرف می‌شود، اما در برخی موارد آسیب‌دیدگی بسیار بارزتر است. برخی از علائم هشداردهنده به سادگی قابل مشاهده می‌باشد، اما ممکن است برخی از مشکلات آنها نادیده گرفته شوند.

۱. امان پایتخت کشور اردن است. (مترجم)

علائم هشداردهنده

- **نشانه‌های جسمانی:** این وضعیت ممکن است به شکل: چشمانی قرمز، پوسته شدن پلک‌ها در محل رویش مژه‌ها، گل‌مژه تکرارشونده یا تورم پلک‌ها، چشم‌هایی نمناک یا ترشح‌کننده، چشم‌های دارای انحراف (لوچی)، چشم‌هایی که گاهی منحرف می‌شوند، مردمک‌های با اندازه متفاوت، چشم‌های بیش از حد بزرگ و پلک‌های افتاده باشد.
- کودک در اغلب اوقات یا در حین انجام کارهایی که به دقت بینایی نیاز دارند، چشمان خود را می‌مالد.
- دانش‌آموز هنگامی که در دیدن با یکی از چشمانش، دچار دشواری می‌شود آن را می‌بندد یا می‌پوشاند و برای دیدن سر خود را کج کرده یا بیش از حد جلو می‌آورد.
- **حرکات چهره‌ای غیر عادی:** دانش‌آموز در حین خواندن یا انجام سایر کارهای دقیق به میزان زیادی حرکات غیرعائی نظیر جمع کردن چشم‌ها، به هم زدن پلک‌ها، اخم کردن یا حرکات غیرعادی چهره را نشان می‌دهد.
- ناتوانی در تعیین محل و برداشتن یک شئی کوچک
- **مشکل یا حساسیت نسبت به نور:** ممکن است دانش‌آموز حساسیتی غیرعادی نسبت به نور درخشان را به صورت بستن یا جمع کردن چشم‌ها نشان دهد. او

ممکن است دارای دشواری در دیدن نور کم و ضعیف بوده یا پس از خروج از تاریکی بیش از افراد عادی، دچار مشکل باشد.

• **دشواری در خواندن:** دشواری غیرعادی در خواندن متن یا در حین انجام کارهایی را شامل می‌شود که مستلزم نزدیک کردن کتاب یا شیء به چشم‌ها باشد، اما ممکن است کودک بتواند در تکالیف و دستورات شفاهی یا گفتاری به خوبی عمل کند.

• **انجام تکالیف نوشتاری برای دانش‌آموز دشوار است:** نظیر عدم توانایی در پیگیری خطوط متن نوشتاری در خواندن و نوشتن یا نوشتن در فضاهاى خالی.

• **دشواری در تشخیص از فاصله دور ممکن است منجر شود به این که دانش‌آموز از بازی در زمین اجتناب کرده یا از انجام تمامی فعالیت‌های حرکتی درشت فاصله بگیرد.** ممکن است چنین دانش‌آموزی مطالعه کردن یا انجام سایر فعالیت‌های تحصیلی را ترجیح بدهد.

آیا در کلاس شما کودکانی که این علائم را نشان دهند، وجود دارند؟ آیا لازم است که این امر را بررسی کنید؟

علل آسیب‌دیدگی‌های بینایی

شایع‌ترین علل آسیب‌دیدگی‌های بینایی عبارتند از:

• ابتلاء مادر به بیماری‌های عفونی در حین ماه‌های اول دوران بارداری؛

- ابتلاء کودک به بیماری‌های عفونی از قبیل سرخک یا آبله‌مرغان؛
 - سوءتغذیه در دوران کودکی یا در دوران بارداری مادر. خوردن میوه‌ها و سبزیجات سبز و زرد به مراقبت از چشم‌ها کمک می‌کند؛
 - عفونت‌های چشمی؛
 - آسیب‌های چشمی؛
 - غددی که به عصب بینایی آسیب می‌رسانند؛
 - آسیب مغزی؛
 - گزرو فتالمی^۱ یا نابینایی ناشی از سوءتغذیه که در اثر کمبود ویتامین A در رژیم غذایی کودک به وجود می‌آید؛
 - نابینایی رودخانه‌ای ناشی از شستشوی صورت در آب آلوده.
- فعالیت‌های که معلمان می‌توانند انجام دهند**
- الف) انطباق‌های کلاسی**
- از کودک بپرسید که در چه محلی بهتر می‌تواند تخته سیاه را ببیند. برای نمونه ممکن است او پاسخ دهد: «هنگامی که در جلوی کلاس نشسته‌ام». تخته سیاه نباید نور را منعکس کند مطمئن شوید که نوشته‌های گچی / جوهری روی تخته کاملاً واضح باشند.

• اگر چشمان کودک نسبت به نور حساس است او را از کنار پنجره دور کنید. از او بخواهید که برای سایه انداختن بر چشم‌هایشان از کلاه لبه‌دار استفاده کند. یا اینکه ورقه‌ای مقوایی در اختیار وی قرار دهید تا در حین خواندن یا نوشتن برای ایجاد سایه از آن استفاده کنید.

• اطمینان حاصل کنید که کودک مسیر رفت و آمد خود به کلاس و مدرسه را می‌شناسد. معلمان و دانش‌آموزان نابینا وی را هدایت کنند، به این نحو که اندکی جلوتر از کودک دچار آسیب‌دیدگی بینایی حرکت کنند و او آرنج فرد راهنما را بگیرد.^۱ ضمناً باید وی را نسبت به موانعی نظیر پله یا درهای کم‌عرض آگاه سازند.

ب) راهبردهای آموزشی برای دانش‌آموزان کم‌بینا

• مطالب را با خطوطی درشت روی تخته سیاه (سبز / سفید) بنویسید یا ترتیبی دهید که کودک از وسایل کمک بینایی استفاده کند. استفاده از گچ‌ها / قلم‌های رنگی توصیه می‌شود. به کودک اجازه دهید تا حد ممکن به تخت یا وسایل کمک آموزشی نزدیک شود تا راحت‌تر ببیند.

• آنچه بر روی تخته نوشته شده است را با صدای بلند بخوانید.

• برای تدریس، وسایل کمکی به شکل نوشتاری تهیه کنید تا کودکان به راحتی بتوانند آنها را بخوانند، مانند مواد نوشتاری با چاپ درشت. سایر دانش‌آموزان

1. در صورتی که قد کودک کوتاه باشد، می‌تواند مچ دست فرد راهنما را بگیرد. (توضیح مترجم)

کلاس می‌توانند در تهیه این مواد کمک کنند یا می‌توانند با بزرگ کردن تصاویر توسط دستگاه فتوکپی یا استفاده از اندازه درشت‌تر تصاویر یا حروف در رایانه آنها را تولید کنند. چنین مواد آموزشی می‌تواند به کودک دارای مشکل در خواندن نیز کمک کنند.

- ممکن است کودکان در دیدن خطوط مربوط به دفتر خود چار مشکل باشند. لذا می‌توان برای نوشتن برگه‌ها یا دفترهایی با خطوط زمینه درشت‌تر را در اختیار آنها گذاشت.

- استفاده از وسایل بزرگنمایی برای برخی از کودکان مفید است. دو نوع از این وسایل در دسترس هستند. آنهایی که تمامی صفحه را بزرگ می‌کنند یا بزرگنمایی خطی برای تسهیل خواندن مفید هستند.

- کودک را تشویق کنید که در حین خواندن از انگشت یا نشانگر استفاده کند. به جز بندی که کودک در حال خواندن آن است، بقیه صفحه را با کاغذ بپوشانید. لازم است به منظور اجتناب از انعکاس نور از پایه کتاب (رحل) استفاده کنید.

- کودکان دارای بینایی ضعیف، نیازمند یادگیری از طریق لمس کردن و شنیدن هستند، آنها باید فرصت لمس کردن اشیاء را داشته باشند.

- یکی از همکلاسان بینا را به عنوان همکار کودک دچار آسیب دیدگی بینایی تعیین کنید تا وی را در سازماندهی کارهایش یاری دهد. کودک بینا می‌تواند وی را در پیدا کردن صفحه درست، تکرار دستورات معلم یا غیره کمک کند.

- از تشویق‌های کلامی یا لمس کردن برای ایجاد انگیزه در کودک استفاده کنید.
- در حین بحث‌هایی کلاسی دانش‌آموزان را نام ببرید تا کودک دچار آسیب‌دیدگی بینایی دریابد که چه کسی در حال صحبت کردن می‌باشد.
- رایانه تسهیلات ویژه‌ای به دانش‌آموزان دچار آسیب‌دیدگی‌های بینایی و نابینا ارائه می‌کند. به کمک آن دانش‌آموزان می‌توانند نسخه‌ای بزرگ از تصاویر یا متن را چاپ کنند یا اینکه متن را به وسیله نرم‌افزار درشت‌نمایی روی صفحه نمایشگر بخوانند یا با استفاده از نرم‌افزار ترکیب صوتی به متن گوش دهند یا آن را به خط بریل تبدیل کنند.
- برای درس حساب چرتکه‌ای در اختیار کودک قرار دهید.
- می‌توانید دروس را برای مرور کردن یا دوباره شنیدن بر روی نوارهای صوتی ضبط کنید. دانش‌آموزانی که دچار دشواری‌هایی در نوشتن هستند، می‌توانند اطلاعات را از طریق نوارهای صوتی کسب کنند. گاهی نسخه‌های ضبط شده صوتی کتاب‌ها در کتابخانه‌ها وجود دارند.

ج) راهبردهای آموزشی برای دانش‌آموزان نابینا

کودکان نابینا، بینایی اندک یا غیره مفید داشته و فقط قادر به تشخیص تاریخی و روشنایی می‌باشند. بسیاری از توصیه‌هایی که ذکر شد، برای این کودکان نیز کاربرد دارند، ولی موارد دیگری نیز وجود دارند که برای این کودکان باید مورد توجه واقع شوند.

بریل: بریل یک نظام خواندن براساس نقاط کوچک برجسته بر روی کاغذ می‌باشد. ترکیبات مختلف این نقاط، معادل‌های حروف را تشکیل می‌دهند. فرد نابینا با حرکت دادن انگشتان بر روی ردیف نقاط، آنها را می‌خواند. خط بریل را می‌توان توسط ماشین‌های ویژه یا لوح و قلم بوجود آورد. برای کیفیت بهتر در نگارش بریل لازم است از کاغذ ویژه استفاده کنیم، ولی در صورت عدم وجود کاغذ ویژه بریل می‌توان از مقواهای گاهی نیز استفاده کرد.

- کودکان نابینا باید بریل را بیاموزند. بریل وسیله‌ای برای خواندن و نوشتن آنها می‌باشد. در اغلب کشورها ماشین تحریر بریل پرکینز در دسترس می‌باشد. متون بریل را می‌توان به طور مستقیم توسط لوح و قلم بریل تولید کرد. علاوه بر این، این متون را می‌توان از طریق چهارچوب‌های نرم‌افزاری تولید متن در رایانه ایجاد و توسط چاپگرهای بریل چاپ نمود. جزییات مربوطه را می‌توانید از طریق سازمان آموزش و پرورش کودکان استثنایی کشور، مدیریت‌های آموزش و پرورش استثنایی استان‌ها یا مدارس نابینایان دریافت کنید. این نهادها می‌توانند شما را در یافتن معلمان مسلط به بریل کمک کنند. هنگامی که کودکان بتوانند از خط بریل استفاده کنند، قادر خواهند بود در کنار کودکان بینا تحصیل کنند.

• تصاویر لمسی را می‌توان به وسیلهٔ یک تشک لاستیکی و شکل‌دهنده (رولت یا قلم و کاغذ) مخصوص ترسیم کرد. این وسایل می‌توانند تصویر برجسته‌ای را تسیم کنند که بوسیله لمس کردن احساس شود، تصاویر مشابهی را می‌توان با استفاده از مواد موجود در محل مانند: رشته‌های نخ، شن، باریکه‌های چوب و دانه‌های گیاهان ایجاد کرد. معلمان می‌توانند دانش‌آموزان بینا را برای ساخت وسایل کمک آموزشی به خدمت بگیرند. این وسایل کمکی می‌توانند سایر کودکان را نیز در آموزش یاری دهند.

• به همین ترتیب، چرتکه می‌تواند به تمامی دانش‌آموزان در دروس حساب کمک نماید.

• کودکان نابینا نیاز دارند که بدن خود را جهت‌یابی^۱ کرده و بگونه‌ای مطمئن حرکت کنند. فعالیت‌های جسمانی و بازی‌های گروهی تمرینات بسیار خوبی را فراهم می‌آورند. برای این که کودکان بفهمند چگونه باید این فعالیت‌ها را انجام دهند، ابتدا نیاز خواهند داشت در قالب یک فعالیت به حرکت درآیند. در طول انجام این فعالیت‌ها معلم باید بر وضعیت صحیح بدنی کودک تأکید کند.

• کودکان نابینا باید تشویق شوند با استفاده از عصا و در محیط مدرسه راه بروند. عصا باید طولی برابر با فاصلهٔ زمین تا محلی بین شانه‌ها و کمر (جناغ سینه) کودک داشته باشد. عصای کوتاه موجب خمیدگی فرد در حین راه رفتن

1. Body Orientation فرآیند استفاده از حواس به منظور تعیین وضعیت و ارتباط با تمامی اشیاء حائز اهمیت در محیط اطراف فرد. به نقل از موصلی، فرشته (مترجم، ۱۳۸۰) «جهت‌یابی و تحرک»، دانشگاه علوم بهزیستی.

می‌شود. تحت آموزش قرار گرفتن افراد، جهت راه رفتن با عصا، توسط متخصصین، بسیار مطلوب است. نهادهایی که در صفحه قبل به آنها اشاره شد، می‌توانند راهنمایی‌های لازم در این خصوص را در اختیار شما قرار دهند. همیشه موانع را از سر راه این کودکان بردارید، زیرا باید حرکت از بین موانع را به آنها آموخت. انتظار ضربه دیدن و زمین خوردن آنها را داشته باشید، در صورت وقوع چنین اتفاقاتی، نسبت به آنها محبت بیش از حد نشان ندهید.

- مهارت‌های زندگی روزمره نظیر غذا پختن، مشکلاتی چالش‌آمیز را برای افراد نابینا ایجاد می‌کنند. از آنجا که کودکان نیاز دارند به شیوه‌ای گام به گام (از ساده به مشکل) چنین مهارت‌هایی را یاد بگیرند، لازم است کار را از فعالیت‌هایی با احتمال خطر کمتر شروع کنیم و بعد به فعالیت‌هایی بپردازیم که در آنها خطر سوختگی آنان وجود دارد.

د) ارجاع:

- می‌توانیم برای از بین بردن عفونت‌ها یا ارزیابی سلامتی کودک، وی را به بهداشتیار یا پزشک ارجاع دهیم.
- بینایی کودک توسط متخصصین بینایی قابل ارزیابی است. این احتمال وجود دارد که عینک تجویز شود، باید کودک را برای استفاده از آن تشویق کنیم. با این حال باز هم ممکن است لازم باشد که معلمان فعالیت‌های ذکر شده را انجام دهند.

آیا شما متخصصین بینایی را می‌شناسید که بتوانید کودک را به آنها ارجاع دهید؟ اگر نه، چطور می‌توانید به آنها دسترسی پیدا کنید؟

منبع:

آموزش و پرورش دانش‌آموزان دچار آسیب‌دیدگی بینایی در مدارس عادی:

حاوی توصیه‌های عملی بسیار برای معلمان قابل تهیه از طریق: یونسکو همان طور که توجه کرده‌اید، بسیاری از انطباق‌ها و راهبردهای پیشنهاد شده می‌توانند موجب تسهیل در یادگیری همه دانش‌آموزان کلاس شوند. با در نظر گرفتن راه‌های کاهش موانع یادگیری برای کودک نابینا، شما می‌توانید نحوه تدریس خود را برای دیگر دانش‌آموزان نیز بهبود بخشید.

نارسایی ذهنی

در میان تمامی نارسایی‌ها، نارسایی ذهنی، شایع‌ترین است. سایر اصطلاحاتی که اغلب برای توصیف چنین نارسایی بکار برده می‌شوند عبارتند از: نارسایی تحولی، عقب‌ماندگی ذهنی، معلولیت ذهنی یا مشکلات یادگیری شدید. این نارسایی بر تمامی جنبه‌های تحولی کودک تأثیر می‌گذارد. این کودکان از نظر جسمانی کندتر رشد می‌کنند، کندتر زبان می‌آموزند، کندتر یاد می‌گیرند از خود مراقبت کنند و نیز کندتر بر مهارت‌های تحصیلی تسلط می‌یابند. در هر حال، این افراد بیماری روانی ندارند. این اصطلاح هنگامی کاربرد دارد که افراد سالم، دچار نوعی بیماری شوند که بر

خلق، عواطف و رفتارهایشان تأثیر بگذارد. البته چنان افرادی نیز با درمان مناسب
معالجه خواهند شد.

در برخی کودکان، آسیب‌دیدگی ذهنی از بدو تولد یا مدتی کوتاهی بعد از آن قابل
تشخیص است، اما در مورد بسیاری از آنان، آسیب‌دیدگی ذهنی تا هنگام ورود
کودک به مدرسه ناشناخته باقی خواهد ماند. هر چند که در اغلب موارد علائم
هشداردهنده از سنین خردسالی وجود دارند.

برخی کودکان ممکن است نارسایی‌های بسیار شدیدی داشته باشند و ممکن است
آسیب‌دیدگی‌های دیگری نظیر صرع، مشکلات بینایی و شنوایی نیز داشته باشند.
گاهی اوقات این کودکان را کودکان دارای نارسایی عمیق یا چند معلولیتی می‌نامند.
با این حال تعداد بسیار زیادی از کودکان دارای نارسایی‌های ذهنی فقط به میزان
خفیف یا متوسط دچار این مشکلات هستند (تخمین کلی از تعداد آنها ۲ درصد است).
ممکن است در مورد این کودکان هیچ دلیل جسمانی برای نارسایی‌شان وجود نداشته
باشد.

علائم هشداردهنده

این علائم را در شش حیطه دسته‌بندی کرده‌اند. کودکانی که تمامی علائم موجود
در این حیطه‌ها را دارا هستند، بیشتر احتمال دارد که به یک نارسایی ذهنی دچار
باشند. هنگامی که در یک حیطه مشکلاتی وجود دارد، اما سایر حیطه‌ها عادی هستند،

می‌توان آن را نشان‌دهنده دشواری ویژه یادگیری در زمینه‌هایی مانند خواندن، نوشتن یا ریاضیات تلقی کرد.

توجه داشته باشید که در این مورد، سن یک راهنمای کلی است. بهترین مقیاس، سنی است که در آن عموم کودکان یک جامعه به این مهارت‌ها دست می‌یابند. حتی با این مقیاس، شاخص‌ها باید به طور کامل با احتیاط به کار برده شوند، زیرا تنوع زیادی در رشد کودکان وجود دارد. برخی از کودکان بدون این که هیچ‌گونه نارسایی ذهنی داشته باشند، کندتر از سایرین رشد می‌کنند.

محرومیت می‌تواند عامل این نوع کندی رشد باشد. زندگی در یک جامعه چندزبانی می‌تواند موجب کندی رشد زبان کودک شود، زیرا وی در یک زمان باید چند زبان را فرا گیرد.

به طور کامل بخاطر بسپارید که ممکن است کودکان بعد از دستیابی به این شاخص‌های رشد، در سنین بالاتر دچار نارسایی ذهنی شوند. چنین مواردی می‌توانند ناشی از جراحات سر یا محرومیت شدید باشند.

صحبت کردن:

- در ۱۸ ماهگی ماما (یا معادل آن را) نمی‌گوید؛
- در ۲ سالگی نمی‌تواند نام چند شیء یا شخص آشنا را بگوید؛
- در ۳ سالگی نمی‌تواند سرودها یا آهنگ‌های ساده را تکرار کند؛
- در ۴ سالگی جملات کوتاه را نمی‌گوید؛

- در ۵ سالگی افراد خارج از خانواده حرف‌های او را نمی‌فهمند؛
- در مقایسه با کودکان هم‌سن خود به گونه‌ای متفاوت صحبت می‌کند.

فهم زبان:

- در یک سالگی نسبت به نام خود واکنش نشان نمی‌دهد؛
- در ۳ سالگی اعضای صورت را نمی‌شناسد؛
- در ۳ سالگی نمی‌تواند داستان‌های ساده‌ای که برایش می‌گویند را دنبال کند؛
- در ۴ سالگی نمی‌تواند به سوالات ساده پاسخ دهد؛
- در ۵ سالگی نمی‌تواند از دستورالعمل‌هایی که در کلاس به او داده می‌شود

پیروی کند؛

- به نظر می‌رسد در مقایسه با کودکان هم‌سن خود در درک آنچه می‌گویید، ناتوان است..

بازی کردن:

- در یک سالگی از بازی‌های تکرارشونده ساده لذت نمی‌برد؛
- در ۲ سالگی با اشیاء معمولی (نظیر قاشق و بشقاب) بازی نمی‌کند؛
- در ۴ سالگی برای بازی‌هایی مانند گرگم به هوا و قایم باشک به دیگر کودکان نمی‌پیوندد.

- مانند کودکان هم‌سال خود بازی نمی‌کند.

حرکت کردن:

- در ۱۰ ماهگی بودن حمایت قادر به نشستن نیست؛
- در ۲ سالگی نمی‌تواند راه برود؛
- در ۴ سالگی نمی‌تواند برای مدت کوتاهی تعادل خود را، روی یک پا حفظ کند؛
- هماهنگی حرکتی ضعیف. نحوه حرکت کودک نسبت به کودکان هم‌سنش متفاوت است.

رفتار:

این کودک در مقایسه با سایر کودکان هم‌سن خود:

- دامنه توجه کوتاه‌تری دارد؛
- حافظه ضعیف‌تری دارد؛
- بیش‌فعال، پرخاشگر یا آشفته است؛
- بی‌حس و بی‌تفاوت است.

خواندن و نوشتن:

در سن ۵ سالگی یا یک سال پس از ورود به مدرس، کودک:

- در نسخه‌برداری از اشکالی مانند دایره‌ها و مربع‌ها، دچار مشکل است؛
- در انجام فعالیت‌های ساده‌ای مانند جور کردن اشکال با محل‌هایشان در یک صفحه دارای آن اشکال و صفحه‌ای که جای اشکال در آن کنده‌کاری شده، مشکل دارد؛

- در تشخیص و تمایزگذاری بین حروفی از قبیل «د» و «ذ»، مشکل دارد؛

• در حفظ توالی حروف و کلمات در کلمه‌سازی یا جمله‌سازی با کارت‌های

آموزش حروف و کلمات دچار مشکل است؛

• در تکرار ۵ عدد یا کلمه بلافاصله پس از بین آنها توسطی فرد دیگر، توالی

صحیح را نمی‌تواند حفظ کند.

آیا در کلاستان کودکی حضور دارد که یکی از این علائم را نشان دهد؟ آیا لازم

نمی‌دانید این موضوع را بررسی کنید؟

علل نارسایی‌های ذهنی

علل نارسایی‌های ذهنی بسیار متفاوتند. آنها را می‌توان در پنج نوع دسته‌بندی

کرد:

• آسیب‌دیدگی ژنتیکی. این موارد در هنگام انعقاد نطفه بوجود می‌آید. نشانگان

داون^۱ نمونه‌ای از یک اشتباه ژنتیکی است.

• آسیب‌دیدگی در رحم. عفونت‌های موجود در بدن مادر، می‌توانند به رشد جنین

آسیب برسانند. سرخجه یا سرخک، نمونه‌های شایعی هستند. ویروس

آسیب‌رسان به ایمنی انسان (HIV)^۲ نیز می‌تواند به نمو مغز آسیب برساند.

• آسیب در حین تولد یا مدت زمان کوتاهی بعد از آن. محرومیت از اکسیژن،

وزن کم در هنگام تولد، تولد نارس و یرقان همگی می‌توانند به نارسایی‌های

ذهنی منجر شوند.

1. Down Syndrome

2. (HIV) Human Immunodeficiency Virus

• **حوادث و بیماری‌ها.** آسیب‌دگی مغز در اثر سقوطی یا حوادث دیگر می‌تواند به

نارسایی‌های ذهنی منجر شود، همان طور که عفونت‌هایی مثل مالاریای مغزی،

مننژیت، غش‌های پی‌درپی و سوءتغذیه می‌توانند همین آثار را داشته باشند.

• **علل اجتماعی.** کودکانی که در نهایت محرومیت از عشق و عواطف و محرکات

هستند (به فصل ۱ مراجعه کنید، نیز می‌توانند در موارد شدید به نارسایی‌های

ذهنی مبتلا شوند.

به هر حال در تعداد قابل توجهی از کودکان (بیش از یک سوم آنها) نمی‌توان علتی

را برای نارسایی‌شان پیدا کرد.

به یاد داشته باشید که یک علت خاص می‌تواند تأثیرات بسیار متفاوتی را در

کودکان بر جای بگذارد. برای نمونه کودکی که با نشانگان داون دنیا می‌آید، ممکن

است بسیار شبیه هر کودک دیگر رشد کند. در حالی که دیگر کودکان دچار همان

آسیب‌دیدگی کرموزومی به نحو قابل توجهی دچار نارسایی هستند.

در مورد انتظار بسیار کم از کودک به خاطر برچسبی که به ناتوانیش می‌زنیم، احتیاط

کنید. کودکان به ارائه مواد و تجربه‌هایی که آنان را به چالش می‌کشاند، نیازمندند.

فعالیت‌هایی که معلمان می‌توانند انجام دهند

الف) انطباق‌های کلاسی

معلمانی که در مورد آموزش به کودکان دچار نارسایی ذهنی و دشواری‌های

یادگیری در کلاسشان تجربه دارند، توصیه می‌کنند که:

- محرک‌هایی را که باعث حواس‌پرتی کودک می‌شوند کاهش دهید (روی میز را خلوت کنید)

- کودکانی که به دویدن در فضای کلاس تمایل دارند را کنار دیوار بنشانید و کودکان بزرگتر را در کنار آنها قرار دهید. همچنین می‌توانید وظایفی را برعهده آنها بگذارید که برای انجام دادن آنها در داخل کلاس و مدرسه رفت و آمد کنند تا بدین طریق رفت و آمدهای آنها آشفته‌گی ایجاد نکند. چنین وظایفی می‌توانند توزیع ورقه‌ها، دفترها و مواد مورد نیاز را شامل شوند.

- تلاش کنید همکاری یک فرد داوطلب را جلب کنید تا در روزهای خاصی به منظور فراهم آوردن کمک فردی برای این کودک، به کلاس بیاید. همچنین می‌توانید از فرد داوطلب بخواهید با بقیه دانش‌آموزان کلاس به فعالیت بپردازد تا شما بتوانید با آن کودک کار کنید. حتی برای مقاطع کوتاه، فرصت‌هایی را جهت کار فردی با کودک پیدا کنید. برای نمونه، هنگامی که سایر کودکان مشغول تکالیف دیگری هستند. در طی این زمان تلاش کنید، محرک‌های مزاحم مانند سر و صدا را کاهش دهید و اشیایی را که برای آن درس نیاز دارید، از میدان دید کودک خارج کنید.

ب) راهبردهای آموزشی

- فعالیتی را که می‌خواهید کودک انجام دهد، به او نشان دهید، نه این که فقط آن را بین کنید.

- هنگام ارائه دستورالعمل‌ها از واژه‌های ساده استفاده کنید و اطمینان حاصل کنید که کودک منظور شما را فهمیده است.
- به جای انجام فعالیت‌های مداد و کاغذی (نوشتاری) از اشیاء واقعی که کودک بتواند آنها را حس و دستکاری کند، استفاده کنید. تلاش کنید درس‌ها را با تجربیات کودک و زندگی روزمره او ارتباط دهید.
- در هر زمان تنها یک فعالیت را انجام داده و آن را کامل کنید. روشن کنید در چه زمانی یک فعالیت تمام شده و فعالیت جدید شروع می‌شود.
- تکلیف را به گام‌ها یا اهداف یادگیری کوچک، تقسیم کنید. پیش از پرداختن به گام دشوار از کودک بخواهید فعالیت را با آنچه می‌تواند انجام دهد آغاز کند. اگر با مشکلاتی مواجه شد، به مرحله آسان‌تری برگردید. برای نمونه، در یادگیری ترسیم یک دایره، کودک می‌تواند در ابتدا داخل دایره‌ها را رنگ کرده، سپس نقاط تشکیل‌دهنده یک دایره را به هم وصل کند. پس از آن از اشکال دایره‌های یک مجموعه نمونه، نسخه‌برداری کند و مانند آن.
- هنگامی که کودک موفق شد، تشویق و ترغیب کافی را برای او فراهم کنید.
- برای انجام آن تکلیف به کودکان تمرینات بیشتری بدهید، به این کار «پر یادگیری»^۱ می‌گویند، این کار موجب می‌شود اطمینان پیدا کنیم که کودک بر آن مهارت تسلط یافته و اعتماد به نفسش بیشتر شده است. در هر حال، منطقی

1 . Overlearning

باشید. بسیاری از افراد دچار نارسایی‌های ذهنی از روزهای حضورشان در مدرسه، به عنوان «روزهایی پر از تکرار بیش از حد چیزهای مشابه، بدون آن که چیز جدید بیاموزند»، یاد می‌کنند.

• کودکان نیاز دارند که این مهارت را با مواد مختلف تمرین کنند. به عنوان نمونه: خواندن کلماتی که روی کارت‌ها، بر روی صفحات تمرین و در کتاب‌ها، نوشته شده‌اند. می‌توان نوشتن را بر روی ماسه، با انگشتان آغشته به رنگ یا به کمک مدادهای رنگی، مداد و خودکار تمرین کرد. نام این کار «تعمیم دادن یادگیری کودک»^۱ است.

• کمک یکی از اعضاء خانواده که می‌تواند در انجام تکالیف خانه به او کمک کند را جلب کنید. او آن چه را در هر روز در کلاس انجام شده است، مرور می‌کند.

• یکی از کودکان کلاس را به عنوان همکار کودک تعیین کنید تا بتواند توجه وی را به تکالیف جلب کند و در انجام فعالیت‌های کلاسی او را یاری دهد. این همکار را از بین دانش‌آموزان توانمندتر کلاستان انتخاب کنید. این دانش‌آموزان تواناتر می‌توانند هنگامی که کار خودشان را تمام کردند، در انجام تکلیف، کودک کندتر را یاری دهند. تکالیفی را تعیین کنید که همه دانش‌آموزان کلاس بتوانند در سطح خود در انجام آنها مشارکت داشته باشند و به صورت جمعی بر روی آن تکالیف کار کنند، تکالیفی را برای هر یک از افراد گروه تعیین کنید. به نحوی که

1. همکاران عزیز توجه دارند که در مثال ذکر شده بیش از هر چیز، تعمیم مهارت‌های حرکتی نوشتن مورد توجه بوده است. (مترجم)

همه یادگیرندگان در گروه بر مشارکت کودک دچار نارسایی ذهنی متکی باشند. همچنین می‌توانید از سایر دانش‌آموزان بخواهید هنگام زنگ تفریح در استفاده از توالت و مانند آن کودک مزبور را یاری دهند. در هنگام انجام تکالیف فردی، تعدادی از فعالیت‌ها که کودک از آنها لذت می‌برد و می‌تواند به طور فردی آنها را انجام دهد، فراهم کنید تا او مزاحمت سایر دانش‌آموزان نشود.

- از رفتارهای نامطلوبی که کودک آنها را برای جلب توجه شما انجام می‌دهد، چشم‌پوشی کنید. هنگامی که رفتار کودک پذیرفتنی است او را تشویق کنید و مورد توجه قرار دهید.

آیا هیچ‌یک از این انطباق‌ها یا راهبردها را در تدریس خود به کار گرفته‌اید؟
کدام‌ها موفقیت‌آمیز بوده‌اند؟

ج) ارجاع:

ممکن است دامنه‌ای از تخصص‌های متفاوت (اگر آن متخصص در دسترس باشند) بتوانند معلمان را یاری دهند. برای نمونه:

- **درمانگران گفتار و زبان.** می‌توانند فعالیت‌هایی را توصیه کنند که کودکان را در کسب و توسعه زبان کمک می‌کند، روش‌های دیگر ارتباط را به آنها می‌آموزند و گفتارشان را بهبود می‌بخشند.
- **درمانگران جسمانی.** (فیزیوتراپیست‌ها) ممکن است بتوانند فعالیت‌هایی را پیشنهاد کنند که در ایجاد هماهنگی‌های حرکتی به کودکان کمک می‌کنند.

• **کار درمانگران**، که برای کمک به مهارت‌های عملکردی مانند خوردن و لباس پوشیدن تربیت شده‌اند، می‌توانند وسایل کمکی ویژه‌ای را طرحی یا توصیه کنند تا به کودک دچار آسیب‌دیدگی‌های جسمانی، در نشستن یا غذا خوردن کمک کنند.

• **روانشناسان**، می‌توانند معلم را در طراحی برنامه‌های آموزشی و راه‌های اداره رفتار کودک، یاری دهند.

• **مددکاران اجتماعی** ممکن است بتوانند در خصوص مشاوره و حمایت خانواده، کمک‌های لازم را ارائه دهند.

• **معلمان متخصص** می‌توانند در مورد تدوین برنامه‌های یادگیری سطح بندی شده (از ساده به مشکل) در مواد درسی متفاوت، توصیه‌هایی را ارائه دهند. (فصل ۳ را ملاحظه کنید).

نمونه

یونیس^۱ دختری ده ساله است که به نشانگان داون دچار می‌باشد. او در پایه سوم یک مدرسه ابتدایی در کوازولو^۲ - ناتال^۳ واقع در آفریقای جنوبی، تحصیل می‌کند. به تازگی ژون^۴ نیز به کلاس او ملحق شده است. او پیش از این در یک مدرسه ویژه کم‌توانان ذهنی، تحصیل می‌کرد. در طی یک درس انگلیسی به شاگردان

1. Eunice
2. Kwazulu
3. Natal
4. Jhon

تکلیفی در مورد بیان نوشتاری حول مجموعه‌ای از تصاویر متوالی داده شد. یونیس چنین نوشت: «آن دختر در حال تاب‌بازی بود. تاب پاره شد و آمبولانس آمد».

ژون نمی‌خواست در مورد تصاویر چیزی بنویسد. او می‌خواست در مورد میهمانی جشن تولدی که در پایان هفته به آن رفته بود، مطالبی را بیان کند. معلم او را ترغیب کرد که در مورد چیزی که می‌خواست داستانی بنویسد. او نوشت: «روزی یکشنبه ما به مهمانی خانواده آویشان^۱ رفتیم. ما شیرینی، آب میوه و کیک خوردیم.» دانش‌آموزن در مورد هجی کردن کلمه‌های خاصی از معلم کمک خواستند. معلم به منظور جلوگیری از کاهش انگیزه آنان برای نوشتن، اجازه نداد که کلمات را هجی (بخش مکانیکی نوشتن) کنند. در واقع هدف او ترغیب آنها به بیان آزاد افکار و اندیشه‌هایشان به زبان نوشتاری در محیطی امن و حمایتگر بود. دانش‌آموز سوم این طور نوشت:

«یک روز مولی^۲ به پارک رفت. مولی می‌خواست تاب‌بازی کند. او چنان با سرعت تاب می‌خورد که تاب نتوانست وزنش را تحمل کند و پاره شد. بازوی او شکست. آمبولانس آمد و او را به بیمارستان برد.»

معلم توضیح داد که در مورد هر سه دانش‌آموز که توانایی‌های متفاوت داشتند، به هدف درس، دست‌یافته است.

فلج مغزی

1. Aveshan
2. Molly

فلج مغزی (سی‌پی)^۱ از نظر لغوی به معنی فلج ناشی از نارسایی در مغز اسن. اغلب قسمت‌هایی از مغز که بیشترین تأثیر را بر اداره حرکات دست‌ها، پاها یا عضلات چهره دارند، دچار آسیب‌دیدگی هستند و نتیجه این امر شل شدن یا به طور متداول‌تر سفت و کشیده شدن دست‌ها و پاها، خواهد بود. اغلب افراد دچار فلج مغزی، صحبت کردن درست را مشکل می‌یابند یا در انجام این امر ناتوانند که این مشکل به دشواری‌هایی در زمینه در اختیار گرفتن حرکات سر یا عضلات چهره‌اشان مربوط است.

فلج مغزی ترکیبی از نارسایی‌های متفاوت می‌باشد. گاهی وقتی آسیب‌دیدگی مغز عمومی‌تر است، توانایی‌های ذهنی نیز ممکن است آسیب دیده باشند، اما اغلب کودکان دچار فلج مغزی از نظر جسمانی ناتوانند نه از نظر ذهنی. بعضی کودکان نیز ممکن است با دشواری‌هایی در شنوایی و / یا بینایی، مواجه باشند. کودکان ممکن است به شکل خفیفی از فلج مغزی با حداقل ضعف عملکرد در اعضای حرکتی یا آسیب‌دیدگی دچار باشند.

علل فلج مغزی

به ندرت علت واحدی برای فلج مغزی وجود دارد. این آسیب‌دیدگی ممکن است از بد شکل‌گیری‌های مادرزادی، عفونت‌های مادر در طول دوران بارداری، دشواری‌های زایمان و بیماری‌های عفونی دوران کودکی مانند: مننژیت، زردی بیش از حد، سرخچه

1. Cerebral Palsy

و جراحی سر، ناشی شود. نوزادانی که از مادران نوجوان یا مادرانی متولد می‌شوند که از سلامتی ناکافی رنج می‌برند و در فقر زندگی می‌کنند، با خطر افزایش یافته‌ای برای ابتلاء به فلج مغزی مواجه هستند.

فعالیت‌هایی که معلمان می‌توانند انجام دهند

الف) انطباق‌های کلاسی:

برای کودکانی که به شکل‌های خفیف فلج مغزی دچارند، ممکن است انطباق‌های اندکی در کلاس درس، لازم باشد. در هر حال کودکان دچار نارسایی‌های شدیدتر ممکن است به انطباق‌های زیر نیازمند باشند:

- صندلی مخصوص برای راست نگاهداشتن سر و بدنشان وقتی در حال نشسته قرار دارند؛

- میز تحریرهای مخصوص که در هنگام کار بتوانیم بلندی آن را تنظیم کنیم؛
- استفاده از صفحه‌های ایجاد ارتباط (مانند صفحه‌ای که از تصاویر یا نمادها، تشکیل شده است) تا معلم و همکلاسان کودک بتوانند منظور وی را بفهمند؛
- این کودک ممکن است برای استفاده از توالت به کمک بیشتری نیاز داشته باشد. نصب دستگیره‌هایی در اطراف توالت می‌تواند به این قبیل کودکان کمک کند.

ب) راهبردهای آموزشی:

بسیاری از توصیه‌هایی که در قسمت‌های قبلی ارائه شدند، در مورد کودکان دچار فلج مغزی نیز کاربرد دارند. به طور خاص نیز این موارد را می‌توان ذکر کرد:

• اگر گفتار کودک ناواضح است، وسایل جایگزین برای ایجاد ارتباط را فراهم کنید. برای نمونه: ارتباط از طریق تصاویر یا نمادهای ترسیم شده. این تصاویر و نمادها را می‌توانید با هم روی یک صفحه قرار دهید تا کودک برای انتقال پیام خود به آن تصاویر یا نمادها، اشاره کند. نمونه‌های رایانه‌ای این ابزارها نیز موجودند. هنگامی که کودک، تصویر یا نماد این ابزارهای رایانه‌ای را لمس می‌کند، یک صدای ترکیب شده توسط توسط رایانه که به صدای انسان شبیه است. آن کلمه را ادا می‌کند.

• چنین کودکی را ترغیب کنید که در پاسخگویی به پرسش‌ها به سایر همکلاسان خود بپیوندد، اما برای پاسخگویی چه از طریق گفتار یا از طریق صفحه نمادها، فرصت بیشتری را برایش در نظر بگیرید. همکلاسان کودک را ترغیب کنید تا با او تعامل برقرار کنند، چرا که کودکان خودشان به طور معمول راه‌های ارتباط را می‌یابند.

• به طور خاص، نوشتن برای کودکانی که در زمینهٔ در اختیار گرفتن دستان و بازوها مشکلاتی دارند، دشوار است. ممکن است آنها برای نوشتن تکالیف، یادداشت برداشتن یا املاء خود به وقت اضافی نیاز داشته باشند، بهع جای این امر می‌توان نسخهٔ نوشتاری از اطلاعات مورد نیاز را برای آنها فراهم کرد یا این که دانش‌آموز دیگری را ترغیب کنیم تا برای آنها یادداشت‌ها را بنویسد.

همچنین می‌توان صفحه کلید رایانه را به نحوی متناسب‌سازی کرد تا نوشتن کلمات برای کودکان دچار فلج مغزی آسان‌تر شود.

آیا هیچ‌یک از این انطباق‌ها یا راهبردها را در آموزش دانش‌آموزان دچار فلج مغزی به کار گرفته‌اید؟

آیا راهبردهای دیگری وجود دارند که که آنها را موفقیت‌آمیز یافته باشید؟

(ج) ارجاع:

بسیاری از افرادی که عناوین شغلی آنها در قسمت‌های قبل فهرست شد، می‌توانند به این کودکان کمک کنند، اما دو گروه از آنها به طور ویژه کمک‌های مفیدی را ارائه خواهند داد:

• **متخصصین درمان‌های جسمانی (فیزیوتراپیست‌ها):** آنان می‌توانند تمریناتی را برای روان‌اعضای حرکتی کودک و فعالیت‌هایی را برای کمک به تمرین حرکات توسط کودک توصیه کنند. همچنین آنان می‌توانند در مورد صندلی و نیمکت‌های ویژه که ممکن است کودک به آنها نیاز داشته باشد یا ابزارهای کمکی که او برای راه یافتن نیاز دارند، مانند عصاهای متفاوت پیشنهادهایی را ارائه کنند.

• **درمانگران گفتار و زبان:** این افراد می‌توانند در مورد مشکلات تغذیه‌ای کودکان خردسال‌تر و نیز کمک به کودکان برای اکتساب زبان و گفتار یا فرا گرفتن روش‌های جایگزین برای ارتباط، توصیه‌هایی را ارائه کنند.

منبع:

کودکان دچار فلج مغزی شدید: راهنمای آموزشی و پرورشی

این کتاب توصیه‌های عملی بسیاری در مورد این موضوع، در بر دارد.

قابل تهیه از طریق: یونسکو

(این کتاب با سرمایه‌گذاری سازمان آموزش و پرورش کودکان استثنایی ترجمه و

چاپ شده است. متقاضیان می‌توانند آن را از طریق مدیریت‌های آموزش و پرورش

کودکان استثنایی در استان‌ها خریداری فرمایند.)

مروری بر مطالب

پاسخ‌هایی که به پرسش‌های این بخش داده‌اید دوباره بخوانید و به پرسش‌های

زیر پاسخ دهید:

تغییراتی را که توانسته‌اید در کلاس درس یا در راهبردهای آموزشی خود ایجاد

کنید تا از طریق آنها کودکانی را که دچار دشواری‌هایی هستند، پشتیبانی کنید؛ به

صورت خلاصه ذکر فرمایید:

■

■

■

این تغییرات چگونه می‌توانند نه تنها برای دانش‌آموزان دچار دشواری‌هایی

یادگیری، بلکه به تمامی دانش‌آموزان کمک کنند:

■

■

■

آیا تغییرات یا انطباق‌هایی وجود دارند که نتوانسته‌اید به سادگی به اجرا درآورید؟

برای به اجرا درآوردن آنها چه چیزهایی باید اتفاق بیفتد؟

فعالیت مورد نیاز

تغییر

■

■

■

بخش ۲. انطباق برنامه درسی

در توصیف چهار نارسایی که در بخش یک همین فصل مورد توجه واقع شده‌اند، در رابطه با فعالیت‌هایی که معلمان می‌توانند برای انطباق کلاس درس و شیوه آموزش خود به انجام رسانند تا بر دشواری‌های کودک در یادگیری فائق آیند، توضیح دادیم. این‌ها نمونه‌هایی از انطباق برنامه درسی هستند. اما یک برنامه درسی چیزی بیش از این است. برای برطرف ساختن موانع یادگیری و مشارکت، انطباق‌های دیگری ممکن است ضروری باشند. برای نمونه:

- سطح محتوای سرفصل‌های برنامه درسی مدرسه؛
- نتایج که انتظار داریم فراگیران به آن برسند؛
- تجهیزات و رسانه‌های آموزشی که مورد استفاده واقع می‌شوند؛
- روش‌هایی که برای ارزیابی نتایج یادگیری بکار می‌روند؛
- درگیر بودن و دخالت خانواده‌ها و جامعه محلی؛

همچنین به خاطر داشته باشید که هدف آموزش و پرورش وسیع‌تر از اکتساب آگاهی و توانمندی‌های ویژه در موضوعات درسی مدرسه است. هدف آموزش و پرورش شامل موارد زیر می‌باشد:

- توانایی در شناسایی و حل مسائل نیازمند به تفکر خلاق؛
- جمع‌آوری، سازماندهی و ارزشیابی اطلاعات؛
- همچنین باید این جنبه‌های برنامه درسی را برای تمامی کودکان در دسترس قرار دهیم.

فصل ۳، از مجموعه راهنما برای آموزش معلمان:

نیازهای ویژه در کلاس درس (از نشریات یونسکو)

این فصل اطلاعات مفصلی را در مورد شیوه‌های انطباق برنامه درسی برای کودکان دارای نیازهای متفاوت از آنهایی که در بخش یک ذکر کردیم، خواهیم پرداخت. شرایطی مانند:

- بیماری‌های شایع مانند آسم و مرض قند که از نظر پزشکی مهار می‌شوند؛
- انواع متفاوت آسیب‌دیدگی‌های جسمانی مانند فلج کودکان؛
- شرایطی که گیج‌کننده‌ترند و برای آنها هیچ علتی شناخته نشده است، مانند: دشواری‌های ویژه زبانی و مشکلات هیجانی (این شرایط و دیگر شرایط شبیه آنها به طور مختصر در بخش سوم این فصل توصیف شده‌اند).

چهارچوب فعالیت:

نمودار صفحه‌های (۱۰۲ و ۱۰۳) مراحل شش‌گانه فعالیتی که معلمان و مدارس باید در حین انطباق، برنامه درسی خود برای کودکان دارای نیازهای ویژه طی کنند را

فهرست می‌کند. پیش از این ما این کار را در مورد چهار نارسایی انجام داده‌ایم. شما می‌توانید در هنگام مواجهه با کودکانی که در یادگیری دچار دشواری هستند، از همان مراحل پیروی کنید.

۱. دشواری‌های موجود بر سر راه یادگیری یا مشارکت کامل کودک در زندگی مدرسه‌ای را توصیف کنید. در خصوص این موارد با کودک و والدینش بحث کنید. آیا متخصصی وجود دارد که بتوانید از او توصیه یا کمکی را دریافت کنید؟

۲. آیا می‌توانید تغییراتی در کلاس درس یا محیط مدرسه بوجود آورید؟ بعضی از توصیه‌هایی که پیش از این ارائه شد، ممکن است ارزش امتحان کردن را داشته باشند.

۳. آیا می‌توانید تغییراتی را در روش‌های تدریس خود به وجود آورید؟ آیا می‌توانید کودک مورد نظر را با دانش‌آموز دیگری به همکاری وادارید؟

۴. چگونه می‌توانید کودک را در سایر فعالیت‌های مدرسه‌ای به مشارکت بیشتر ترغیب کنید؟

۵. در هر ماده درسی از نظر محتوی و / یا سطح محتوای آن چه انطباق‌هایی می‌توانید بوجود آورید تا آنها را با توانایی‌های کودک متناسب‌تر سازید.

۶. در شیوه ارزیابی یادگیری دانش‌آموزان به چه تغییراتی ممکن است نیازمند باشید؟ (این موضوعات را با جزئیات بیشتر در فصل ۳ مورد بررسی قرار خواهیم داد.)

به هر حال می‌دانیم که:

- معلمان همیشه برای ایجاد تمام تغییراتی که می‌خواهند به انجام برسانند، امکان مناسب را پیدا نمی‌کنند، چرا که ممکن است سایر معلمان، معلم راهنما، مدیر و معاونین مدرسه، انجمن اولیاء و مربیان و بازرسان مدارس با این اقدامات آنان موافق نباشند؛

- مدارس ممکن است پول کافی برای خرید تجهیزات را نداشته باشند؛

- ممکن است معلمان احساس کنند که خسته شده‌اند و توان اندکی برای آنان باقی مانده است تا تغییرات لازم را به انجام برسانند؛

- برای مدارس دشوار است که از کودکان خاصی محافظت و نگهداری کنند، به ویژه هنگامی که نیازهای آنان بسیار زیاد است.

خواندن راهنماهایی مانند راهنمای حاضر نمی‌تواند مشکلات شما را حل کند، اما می‌توانیم به شما بگوییم که چه راه‌حلهایی برای سایر معلمان کارساز بوده است و به شما رویکردی را برای به انجام رساندن وظیفه خود، ارائه کنیم. می‌دانیم این توصیه‌ها برای همه معلمان و در همه موقعیت‌ها، کاربرد نخواهند داشت، اما آگاهیم که برای بعضی از معلمان در بعضی از اوقات کارآیی خواهند داشت.

هنگامی که برای ارزیابی موانع یادگیری این قبیل کودکان که ممکن است در کلاس‌ها به مدارس وجود داشته باشند خود را آماده می‌سازید، ممکن است دریابید که بسیاری از دانش‌آموزان نیازهای ویژه‌ای دارند. این شروعی بسیار عالی برای تغییر شما به عنوان یک معلم کارآمدتر می‌باشد. پس از این می‌توانید اطمینان حاصل کنید که تدریستان به سوی کمک به یادگیری کودکان جهت گرفته است.

یکی از دانش‌آموزان کلاستان را که در یادگیری دشواری‌هایی را تجربه می‌کند انتخاب کنید.

از نمودار صفحه بعد برای برنامه‌ریزی در زمینه چگونگی انطباق برنامه درسی استفاده کنید به نحوی که نیازهای این کودک را برطرف کند.

در مورد پاسخ‌های خود با سایر معلمان مدرسه‌اتان که آن کودک را می‌شناسند یا اینکه احتمال کودکان شبیه به او را در کلاستان دارند، بحث کنید.

چهارچوبی برای انطباق برنامه درسی

۱- دانش آموز

از چه متخصصینی (در صورت دسترس بودن) می‌توانید توصیه یا کمک دریافت کنید؟	کودکی در کلاس من با دشواری‌هایی مواجه است؛ این دشواری‌ها چگونه بر یادگیری او اثر می‌گذارد؟
---	--

۲- محیط کلاس درس و مدرسه

برای آسان‌تر کردن و یادگیری و آمد و رفت کودک به مدرسه چه تغییراتی را می‌توانید در

کلاس درس یا محیط مدرسه (ساختمان‌ها و مانند آن) ایجاد کنید؟ به چه تجهیزات کمکی ممکن است نیاز داشته باشید؟

۳- مواد درسی

در موضوعات درسی که به این کودک آموزش می‌دهید از نظر سطح و نتایج مورد انتظار به چه تغییراتی نیازمندند؟ این سؤال سطح آموزشی آن موضوع برای کودک و دامنه موضوعاتی که به او آموزش می‌دهید را در برمی‌گیرد.

۴- راهبردهای آموزشی

برای متناسب‌شدن روشهای تدریس خود با نیازهای این کودک به ایجاد چه تغییراتی

نیازمندید؟

ممکن است دریابید که بعضی از توصیه‌هایی که پیش از این ارائه شد می‌توانند در مورد سایر دشواری‌ها نیز به کار گرفته شوند

۵- مشارکت در سایر فعالیت‌های مدرسه (ورزش‌ها، گروه‌های

دانش‌آموزی، مسوولیت‌هایی که در مدرسه به کودک واگذار می‌شود)

برای اینکه مطمئن شوید این کودک، مشارکت فعالی دارد، چه تغییراتی را می‌توانید ایجاد کنید؟

۶- آزمون‌ها و امتحانات

برای ارزیابی یادگیری این دانش آموز به ایجاد چه تغییراتی نیازمندیم؟

بخش ۳. بیماری‌ها و آسیب‌دیدگی‌های شایع

در این بخش به طور مختصر سیزده وضعیتی که می‌توانند از یادگیری

کودکان جلوگیری کنند را توصیف می‌کنیم. ممکن است معلمان این اصطلاحات را

از سایر متخصصان شنیده باشند یا با آنها در کتاب‌ها مواجه شده باشند. چنین شرایطی به نحو متفاوتی بر کودکان اثر می‌گذارد. ممکن است بعضی از کودکان دشواری‌های شدیدی را داشته باشند، در حالی که سایر آنها به دشواری خفیفی دچار باشند. بعضی از این شرایط مستقیماً بر یادگیری کودکان اثر می‌گذارد. بعضی دیگر شرایط مربوط به سلامتی کودکان هستند که لازم است معلمان از آنها آگاه باشند.

ناگویایی^۱ (اختلال زبانی ویژه)

ممکن است بعضی از کودکان دشواری‌های خاصی در فراگیری زبان داشته باشند که مربوط است به بعضی از انواع آسیب‌دیدگی مغزی. این کودکان می‌توانند در بیان منظور خودشان با دشواری روبرو شوند (آنها لغات را با هم اشتباه می‌کنند) یا در فهم آنچه به آنان گفته می‌شود، دچار مشکل می‌باشند. اغلب این نارسایی با آسیب‌دیدگی‌های شنوایی یا نارسایی‌های ذهنی اشتباه می‌شود. روش‌های آموزشی و درمانی که با هدف کمک به کودکان برای فراگیری معانی کلمات و ساختارهای جمله به انجام می‌رسند، می‌توانند به این کودکان در فائق آمدن بر دشواری‌هایشان کمک کنند، اما احتمال دارد که آنها را درمان نکند. ناگویایی یکی از شکل‌های اختلال زبانی است. البته اختلالات دیگری نیز در مورد زبان وجود دارند.

^۱. Aphasia

تنگی نفس (آسم)^۱

این کلمه به معنای به شمارش افتادن یا تنگی نفس است. در حین یک حمله آسمی مجاری عبور هوا در شش‌ها باریک‌تر شده و کودکان در بیرون دادن بازدم خود با دشواری روبرو می‌شوند. در این حالت شش‌ها پر از هوا هستند. علل این عارضه به طور کامل مشخص نیستند، اما تصور می‌شود دلیل این حملات حساسیت نسبت به موادی چون: مواد غذائی خاص، گرده گیاهان و غبار معلق در فضا، باشد. همچنین ممکن است این حملات با رویدادهای هیجانی مانند هیجان‌زدگی بیش از حد یا فشار روانی ناشی از یک امتحان در مدرسه آغاز شوند. به هنگام بروز چنین حملاتی، کودکان می‌توانند داروهایی مصرف کنند تا عضلات درون شش‌ها آرامش یابند. به طور معمول این داروها از طریق استنشاق به وسیله یک دستگاه ساده به شش‌های کودک وارد می‌شوند. در هر حال مهم این است که در هنگام حمله، خونسردی خود را حفظ کنیم و به کودک اطمینان خاطر بدهیم.

درخود ماندگی^۲

این که اصطلاح بحث برانگیز است که در حدود چهل سال پیش معرفی شده است، بعضی متخصصین تردید دارند که با اطمینان بتوان یک فرد (به طور معمول یک کودک) به عنوان «فرد دچار درخود ماندگی» تشخیص داد. ویژگی

^۱. Asthma

^۲. Autism

اصلی این وضعیت آن است که کودک در ایجاد ارتباط دچار دشواری است، از تماس با دیگر افراد کناره‌گیری می‌نماید و به نظر می‌رسد در دنیای خاص خوش زندگی می‌کند. گاهی افراد دچار اختلال در خودماندگی، در یک زمینه خاص، مهارت‌های جالب توجهی را به نمایش می‌گذارند (برای نمونه، در نقاشی) و بعضی از آنها توانایی‌های در حد معمول دارند. در هر حال، در سطح جهان هیچ درمان شناخته شده‌ای برای این اختلال موجود نیست.

منبع:

آموزش و پرورش کودکان و جوانان مبتلا به درخودماندگی، شامل تعداد زیادی راهبرد عملی در این زمینه برای معلمان می‌باشد. قابل تهیه از طریق: یونسکو

شکاف کام

ممکن است نوزادان با یک دهان و لب بالایی تغییر شکل یافته متولد شوند. آنها بدون انجام یک عمل جراحی ترمیمی بر روی لب‌ها و دهان، در خوردن بعدها در صحبت کردن، دچار دشواری خواهند بود. ممکن است آنها پس از عمل هنوز در واضح صحبت کردن دچار دشواری باشند، ولی قسمت عمده نارسایی از عکس‌العمل دیگران نسبت به تغییر شکل چهره آنها ناشی می‌شود.

بیماری قند

وضعیتی ارثی است که در آن بدن نمی‌تواند از قند و نشاسته به عنوان منبع تولید توان استفاده کند. هنگامی که مقدار زیادی قند در خون باشد یا خون قند

کافی نداشته باشد، کودکان احساس بیماری می‌کنند و حتی ممکن است از هوش بروند. احساس خستگی، فقدان تمرکز، عرق کردن بیش از حد، مشکل در خواندن و صحبت کردن، همگی از نشانه‌های این اختلال می‌باشند. ممکن است این کودکان به تزریق منظم انسولین و توجه نسبت به آنچه می‌خورند و دقت در میزان تمرین‌های ورزشی که انجام می‌دهند، نیازمند باشند.

نارساخوانی

ممکن است کودکانی که دشواری‌های ویژه‌ای را در خواندن و هجی کردن تجربه می‌کنند، به عنوان «نارساخوان» مشخص شوند (باز باید متذکر شویم که بعضی از متخصصین تعلیم و تربیت مفید بودن چنین اصطلاحی را زیر سوال می‌برند). در هر حال، کودکان دچار نارساخوانی دارای هوش متوسط هستند و در سایر جنبه‌های زندگی به خوبی عمل می‌کنند.

منبع:

کودکان و جوانان دچار نارسایی‌های ویژه یادگیری: توصیه‌های عملی

متعددی را برای معلمان درگیر با این مسئله در بر دارد.

در دسترس از طریق: یونسکو

دشواری‌های هیجانی / رفتاری

ممکن است بعضی از کودکان دشواری‌های هیجانی را تجربه کنند. امکان دارد آنها بسیار افسرده یا مضطرب باشند یا این که رفتارهای عجیبی مانند گریه

کردن و خندیدن نابجا را از خود بروز دهند، ممکن است آنها بیش از حد فعال باشند و دامنه توجهشان کوتاه باشد یا این که بی تفاوت، بی احساس یا حواس پرت باشند. افسردگی‌های هیجانی ممکن است از یک تجربه آزار دهنده برای نمونه، فوت یکی از والدین، ناشی شوند یا این که نشانه‌ای از مشکل عمیق‌تری در سلامت روانی باشد. ممکن است روانپزشکان کودک بتوانند در این زمینه کمک کنند. درمان‌های موجود استفاده از داروها، ارائه مشاوره و درمان در درمانگاه‌های روانشناختی را شامل می‌شود. برای نمونه، معلمان می‌توانند رفتارهای مثبت کودک را تقویت کنند یا او را برای فائق آمدن بر تجربه‌های آزاردهنده، حمایت کنند.

صرع^۱

افراد دچار صرع، «اغتشاش الکتریکی» ناگهانی و مهار نشدنی را در یاخته‌های مغزشان تجربه می‌کنند. در غش‌ها یا حمله‌های شدید، شخص ممکن است هوشیاری خود را از دست بدهد و به حرکات بدنی مهار نشدنی دچار شود. به طور عموم برای کاهش شدت و جلوگیری از تکرار این حملات، از دارو استفاده می‌شود و بسیاری از افراد دچار صرع می‌توانند زندگی عادی کاملی را هدایت کنند. صرع در بین کودکان دچار نارسایی‌های ذهنی، شایع است (در هر هشت

^۱ . Epilepsy

نفر یک نفر از آنان به این عارضه دچارند.) اما این بدان معنی نیست که هر فرد دچار صرع به نارسایی‌های ذهنی مبتلاست.

ویروس آسیب‌رسان به ایمنی بدن/ایدز^۱

زنانی که به ویروس آسیب‌رسان به ایمنی بدن آلوده هستند، ۵۰٪ احتمال دارد نوزادی را به دنیا آورند که به این ویروس آلوده باشد. فرد آلوده به این ویروس، ممکن است سالم به نظر برسد. این ویروس فقط از راه‌های معدودی می‌تواند به سایرین منتقل شود. از طریق: خون در حین آمیزش جنسی محافظت نشده. این ویروس از طریق نزدیک شدن یا لمس کردن فرد آلوده منتقل نمی‌شود. در آغوش گرفتن، بوسیدن، سرفه کردن و عطسه کردن این بیماری را منتشر نخواهد کرد. همچنین از طریق نشستن بر روی توالت فرنگی، نوشیدن از لیوان، استفاده از حوله و شنا کردن در استخرها، سرایت نخواهد کرد. کودکانی که بیماری ایدز مبتلا می‌شوند، اغلب در خردسالی می‌میرند چون قدرت مقابله با سایر بیماری‌های فردی را نخواهند داشت. به هر حال این ویروس برای مدت طولانی می‌تواند در بدن باقی بماند و کودکان مبتلا در صورت یافتن چنین فرصتی می‌توانند برای مدت طولانی به یک زندگی عادی ادامه دهند.

تحلیل رفتن عضلات^۲

^۱ . HIV/AIDS

^۲ . Muscular Dystrophy

این یک اختلال تکوینی^۱ است که به از بین رفتن عضلات در حین بزرگ شدن منجر می‌شود. ممکن است چنین کودکی در اثر بروز بیماری در دویدن و بالا رفتن از پله‌ها به تدریج دچار مشکل شود و با رسیدن به سن نوجوانی به استفاده از یک صندلی چرخدار، وادار شود. مشکلات تنفسی در اثر عفونت‌های درون قفسه سینه نیز در میان این افراد شایع است. تا به حال برای این بیماری، هیچ درمانی شناخته نشده است.

نقص در تشکیل نخاع^۲

این کودک با رشد ناقص استخوان‌های ستون فقرات بدنیا می‌آید. این نقص ممکن است به تشکیل یک «کیسه» حاوی مایع نخاعی، منجر شود و اعصاب آن ناحیه از قسمت انتهایی پشت کودک بیرون بزند. به منظور پیشگیری از عفونت‌ها مداخله از طریق جراحی انتهایی پشت کودک بیرون بزند. به منظور پیشگیری از عفونت‌ها مداخله از طریق جراحی در اولین فرصت ممکن برای پوشاندن این آسیب‌دیدگی ضروریست. به طور معمول این کودک به ضعف عضلات و کاهش حس در پاها دچار است. مشکل رایج دیگر در کودکان مبتلا به این عارضه مهار ضعیف مدفوع می‌باشد. جمع شدن مایع در جمجمه نیز از این اختلال ناشی می‌شود؛ بدین نحو که مایع نخاعی در اطراف مغز کودک تجمع نخاعی دریچه‌ای

^۱ . Genetic

^۲ . Spina Bifida

را در گردن کودک جاسازی کنند (به این دریچه «شانت»^۱ به معنای مجرای انحرافی نیز می‌گویند). به هر حال، اگر این اقدام به موقع صورت نگیرد، آسیب وارد شده به مغز می‌تواند به یک نارسایی ذهنی و آسیب‌دیدگی بینایی منجر شود.

زبان^۲

در طول یادگیری زبان، این اختلال کمابیش در تمام کودکان بوجود می‌آید. تلفظ کلمات خاصی گیر می‌کنند یا یک صدای کلمه را چندین بار تکرار می‌کنند. در این اختلال می‌تواند برای بعضی از کودکان در هنگامی که بزرگتر می‌شوند به یک کابوس معنی دار تبدیل شود. به این کودکان فرصت دهید تا کلمات یا جمله‌ها را، به پایان برسانند آنها را برای تلاشی که از خود نشان می‌دهند، تشویق کنید و از تحت فشار قرار دهند برای صحبت کردن، اجتناب ورزید.

مروری بر مطالب این فصل

- ممکن است معلمان در کلاسشان با کودکانی که دچار دشواری‌های متفاوت و متنوعی هستند، مواجه شوند. همه این دشواری‌ها آشکار نیستند.
- شایع‌ترین دشواری‌ها نارسایی‌های ذهنی، مشکلات شنوایی و آسیب‌دیدگی‌های بینایی هستند. کودکان ممکن است به بیش از یک نوع آسیب‌دیدگی دچار باشند.

^۱ . Shunt

^۲ . Stammering

- نشانه‌های هشدار دهنده آن وضعیت‌ها فهرست شده‌اند. معلمان به جای آن که فرض کنند، هیچ اشکالی وجود ندارد! باید بررسی کنند که آیا کودک دچار دشواری است یا نه؟ در هر حال، تائید یک آسیب‌دیدگی به دقت و احتیاط محتاج است.
- مشاهدات خود را با کودک و خانواده‌اش به بحث بگذارید، بینش‌های شهودی آنان در هدایت اعمالی که انجام خواهید داد، شما را یاری می‌دهند.
- پیشنهادهایی برای انطباق کلاس و راهبردهای آموزشی ارائه شدند. این پیشنهادهای نه تنها برای دانش‌آموزان دچار دشواری‌ها، بلکه برای همه کودکان کلاس می‌توانند مفید باشند.
- در این راهنما، برای دریافت راهنمایی و توصیه‌های سایر متخصصان، پیشنهادهایی ارائه شده است. حتی اگر امکان تائید علت دشواری از سوی متخصصان، وجود نداشت، باز هم معلمان باید اقداماتی را انجام دهند. در این صورت به قضاوت‌های خودتان اطمینان کنید.
- برای تصمیم‌گیری درباره انطباق‌هایی که ممکن است برای کودکان دارای نیازهای ویژه در مورد برنامه درسی نیاز داشته باشید، می‌توانید از چهارچوب توصیف شده در این فصل، استفاده کنید. هرچه این مهارت را بیشتر تمرین کنید، در انجام آن تبحر بیشتری را کسب خواهید کرد.

فصل سوم: پاسخگویی به تفاوت‌ها

نگاهی کلی به مطالب فصل

پس از به انجام رسانیدن مطالب این فصل از موارد ذیل آگاه خواهید شد:

- نه (۹) روش عمل در مورد تفاوت‌ها در کلاس درس، این روش‌ها عبارتند از: ایجاد برقراری ارتباط موثر، اداره کلاس درس، داشتن طرح‌های آموزشی و پرورشی انفرادی، بهره‌گیری از ابزارها و وسایل کمکی، آماده‌سازی درس‌ها، تامین کمک انفرادی برای دانش‌آموزان، اداره رفتار دانش‌آموزان و ایجاد و توسعه فراگیرسازی اجتماعی کودک در زندگی مدرسه‌ای.

- روشی برای شما به عنوان یک معلم، به منظور مرور کردن آموزش دانش‌آموزان و نیازمندی‌های حمایتی خودتان.

- چگونگی مناسب‌سازی کردن آزمون‌ها و امتحانات مدرسه‌ای به گونه‌ای که روش عادلانه‌تری برای ارزیابی یادگیری کودکان دارای نیازهای ویژه فراهم شود.

محتوی

- بخش ۱: «قاعده طلایی» را توصیف می‌کند. برای به عمل درآوردن هر یک از این قواعد توصیه‌هایی ارائه شده است. سپس از معلمان خواسته می‌شود، به اعمالی که پیش از آن انجام داده‌اند و اعمالی که می‌توانستند انجام دهند، اشاره کنند.
- بخش ۲: به بررسی موضوع انطباق آزمون‌ها و امتحانات مدرسه‌ای می‌پردازد تا به دانش‌آموز دارای نیازهای ویژه، فرصتی برای آزمون عادلانه‌تر توانمندی‌هایش ارائه کند.

بخش ۱. نُه قاعده طلایی

در این بخش، نُه «قاعده طلایی» برای اقدام در مورد تفاوت‌هایی که بین کودکان هر کلاس وجود دارد، (به ویژه اگر بعضی از آن کودکان دارای نیازهای ویژه باشند) را ارائه می‌کنیم. معلمان سراسر دنیا این قواعد را مفید یافته‌اند و از این طریق دانش‌آموزان بیشتر یاد می‌گیرند. این نُه قاعده عبارتند از:

۱. مشمول کردن همه دانش‌آموزان

۲. برقراری ارتباط

۳. اداره کلاس درس

۴. تدوین طرح درس

۵. تهیه برنامه انفرادی

۶. ارائه کمک انفرادی

۷. استفاده از ابزارهای کمکی

۸. اداره رفتار

۹. با هم کار کردن

۱. مشمول کردن همه دانش‌آموزان

ارزش آموزش و پرورش فراگیر برای یادگیرندگان از در هم‌آمیختگی و مشارکت با سایر کودکان، ناشی می‌شود. لازم است معلمان به وجود آمدن این شرایط را

تشویق کنند، زیرا تجربه نشان می‌دهد که ممکن است کودکان دارای نیازهای ویژه در کلاس‌ها و مدارس، منزوی شوند.

● ممکن است لازم باشد معلمان برای سایر کودکان دلایل این که بعضی از آنها نمی‌توانند حرف بزنند، متفاوت رفتار می‌کنند و مانند آن را، توضیح دهند. باید تفاوت را شناخت و به آن احترام گذاشت. به دانش‌آموزان فرصت دهید تا خودشان در مورد چگونگی کار کردن با یکدیگر به کنکاش بپردازند. ممکن است لازم باشد، شبیه همین کار را در جلسات اولیاء و مربیان انجام دهیم.

● به طور معمول، بزرگترین مانع فراگیرسازی، **وجود نگرش‌های منفی است**، ممکن است کودکان با سایر کودکانی که متفاوت به نظر می‌رسند یا رفتار متفاوتی دارند، خو نگرفته باشند. ممکن است در صورت قرار گرفتن کودکان دچار نارسایی و سایر نیازهای ویژه در کلاس‌های عادی والدین در مورد «نزول سطح آموزش» نگران شوند. معلمان در گسترش نگرش‌های مثبت در میان دانش‌آموزان، والدین و البته سایر معلمان مفید واقع می‌شوند.

● کودکانی که از ابزارهای کمکی مانند وسایل کمک شنوایی (سمعک) استفاده می‌کنند یا بر استفاده از تجهیزات ویژه‌ای متکی هستند، می‌توانند در مورد آنها با همکلاسان خود صحبت کنند و روش استفاده از این وسایل را به آنان نشان داده و برایشان توضیح دهند.

● کودکان را تشویق کنید تا با دانش‌آموزان دارای نیازهای ویژه «دوست شوند».

در فراگیرسازی اجتماعی، بازی و کار کردن با یکدیگر از اهمیت برخوردار است.

همچنین آنها می‌توانند به این قبیل کودکان در رفتن به دستشویی، حرکت در فضای کلاس درس و فعالیت‌های زنگ تفریح کمک کنند.

● در کلاس، فرصت‌هایی را برای «آموزش کودک به کودک» فراهم آورید. دانش‌آموزان تواناتر می‌توانند به آنهایی که توانایی کمتری دارند، در فعالیت‌های کلاسی کمک کنند. همچنین از این که کودکان دارای نیازهای ویژه نیز می‌توانند در فعالیت‌های مدرسه‌ای، مشارکت معناداری داشته باشند، اطمینان حاصل کنید تا به این وسیله به افرادی متکی به دیگران و موجوداتی محتاج به «کمک» تبدیل نشوند.

● بازی‌های آموزنده‌ای را برای یادگیری دانش‌آموزان ابداع کنید تا از طریق آنها بتوانند در کلاس با یکدیگر بازی کنند. کودکان می‌توانند این بازی‌ها را که در تسلط بر خواندن و مهارت‌های ریاضی به آنها کمک می‌کند، به صورت گروهی انجام دهند.

نکته‌ای برای معلمان:

یک گردش گروهی برای شاگردان کلاس به آنان کمک می‌کند تا دوستی‌های جدیدی را به وجود آورند. دانش‌آموزان تواناتر مشتاق خواهند بود که به دیگران کمک کنند.

● در کلاستان فعالیت‌های گروهی را ترتیب دهید تا از طریق آنها همه کودکان بتوانند در گروه خود، در تکمیل و کسب امتیاز برای انجام آنها، مشارکت داشته باشند.

● در این مورد که کودکان دارای نیازهای ویژه می‌توانند در بازی‌ها و ورزش‌ها شرکت کنند فکر کنید. برای نمونه، یک کودک نابینا می‌تواند در مسابقه دو با یک

کودک بینا، همراه شود. همچنین می‌توانید بازی‌هایی را ترتیب دهید که در آنها همه کودکان مجبور باشند، چشم بسته به اطراف حرکت کنند.

● با ترغیب کودکان به مشارکت در فعالیتهای مدرسه‌ای مانند سرود خواندن، انجام حرکات موزون بدنی و نمایش، استعدادهای همه آنان را پرورش دهید.

● همه کودکان را در تمامی فعالیتهای مدرسه درگیر کنید. برای نمونه، در فعالیتهای روزمره مربوط به نظافت و آشپزی و فعالیت به عنوان مبصر کلاس.

● هنگامی که مشاهده می‌کنید، کودکان در زنگ تفریح شادمانه با یکدیگر بازی می‌کنند و یا وقتی که می‌گویند یکدیگر را در منزل ملاقات می‌کنند، نشانه‌های خوبی از فراگیر سازی اجتماعی را ملاحظه می‌کنید.

آیا برای حصول اطمینان از فراگیر سازی اجتماعی کودکان دارای نیازهای ویژه در مدرسه، راه‌های دیگری وجود دارند؟

روش‌هایی را که ممکن است بیشتر اوقات در مدرسه خود به کار ببرید، یادداشت کنید.

۲. برقراری ارتباط

ایجاد ارتباط هسته اصلی آموزش است معلمان نیازمندند با کودکان ارتباط برقرار کنند، کودکان باید در جهت برقراری ارتباط با معلمان و نیز با سایر کودکان بکوشند.

به زبان ساده، ارتباط، فرستادن و دریافت پیام‌ها را در برمی‌گیرد. برای نمونه، پیام می‌تواند موارد زیر را شامل شود:

یک دستورالعمل

نام خود را در این کتاب بنویس.

یک سوال

بعد از اردیبهشت چه ماهی می‌آید؟

یک توصیه امشب یک مسابقه فوتبال برگزار

می‌شود، اگر علاقه داری آن را ببین.

یک نظریه

آفرین، خیلی خوب انجامش دادی!

همان گونه که می‌دانید، معلمان مجبورند زیاد صحبت کنند. بخشی از این صحبت‌ها به منظور اداره کردن و جهت دادن به رفتار کودکان، بخشی به منظور ارائه اطلاعات یا توضیح مطالب جدید به آنان و گاهی به منظور آزمودن یادگیری آنهاست.

چه دلایل دیگری برای صحبت کردن معلمان یا کودکان وجود دارد؟

به طور معمول افراد پیام‌های خود را از طریق صحبت کردن ارسال می‌کنند، اما این تنها راه ایجاد ارتباط نیست!

از چه راه‌های دیگری می‌توانید ارتباط برقرار کنید؟

افراد راه‌های متفاوت و متعددی را برای ایجاد ارتباط انتخاب می‌کنند. در واقع، به ندرت برای ایجاد ارتباط از یک راه خاص استفاده می‌کنیم. پاسخ شما به سوال فوق می‌تواند موارد زیر را متذکر شود:

● استفاده از ایماها- اشاره کردن و ادا درآوردن؛

● حالت‌های چهره برای نشان دادن این که خوشحال شده‌اید، مخالفید یا تعجب

کرده‌اید؛

- خیره شدن چشم‌ها- برای آن که نشان دهید می‌خواهید با کسی ارتباط برقرار کنید یا توجه افراد را به چیزی جلب کنید؛
 - تصاویر و نمادها؛
 - خواندن و نوشتن؛
 - زبان‌های اشاره- همانند زبان‌هایی که افراد ناشنوا، استفاده می‌کنند؛
 - سرود خواندن، نمایش دادن، انجام حرکات موزون بدنی و لمس کردن.
- کدام یک از شیوه‌های ذکر شده، در فرهنگ شما به طور عام مورد استفاده قرار می‌گیرند؟

برای اداره کلاس از کدام یک از این راه‌ها می‌توان بهره گرفت؟

برای کسب اطلاعات جدید از کدام یک می‌توان بهره‌مند شد؟

ارتباط واضح

معلم‌ان باید در هنگام آموزش، ارتباط بسیار واضحی را با دانش‌آموزان برقرار کنند. تمامی یادگیرندگان با یکدیگر متفاوتند. بعضی از طریق دیدن یاد می‌گیرند، بعضی از طریق شنیدن یا عمل کردن. کسی که خوب ارتباط برقرار می‌کند، همیشه از مسیرها یا راه‌های متفاوت ایجاد ارتباط بهره می‌گیرد و مفاد ضروری متن صحبت خود را با استفاده از فعالیت‌های متفاوت یادگیری، در کلاس درس و جاهای دیگر تکرار می‌کند.

معلم‌ان باید:

- طوری باشند که همه دانش‌آموزان آنان را ببینند- یعنی به جای این که در پشت میز خود بنشینید، بایستید.
- واضح صحبت کنند و سعی کنند صدایشان در تمام کلاس منتشر شود- صدایتان را کمی بلند کنید، اما فریاد نکشید.
- از کلمات ساده و جملات کوتاه استفاده کنند.
- دانش‌آموزان را نسبت به پیام‌های مهم هشیار کنند: برای نمونه، «به دقت گوش دهید»- و اگر از نظر فرهنگی مناسب است با آنها تماس چشمی برقرار کنید.
- پیام‌های مهم را تکرار کنند.
- همراه با بهره‌گیری از زبان برای انتقال معنای موردنظر خود، از حالات بدنی و چهره‌ای استفاده کنند- این حالت‌ها به ویژه هنگام سازماندهی یا اداره کلاس، مفید هستند، اما هنگام توضیح و تدریس نیز باید از این حالت‌ها استفاده کنید.

نکته‌ای برای معلمان:

تدریس خود را روی نوار ضبط کردم، وقتی که به آن گوش دادم، از این که چقدر صحبت کرده‌ام، مبهوت شدم. مطمئنم که بچه‌ها نصف بیشتر حرف‌هایم را نفهمیده‌اند!

- با دانش‌آموزانشان به بررسی این موضوع بپردازند که چقدر از حرف‌های معلم از فهمیده‌اند- از آنها بخواهید آنچه را گفته‌اید تکرار یا به زبان خودشان بازگو کنند.
- کودکان را تشویق کنند که با بالا بردن دست و پوشیدن پرسش‌های خود از معلم، نشان بدهد که موضوع را نفهمیده‌اند. هنگامی که گفته‌های سایر دانش‌آموزان را نمی‌فهمند نیز باید به همین شیوه عمل کنند.

- کودکان را تشویق کنند که اگر معلم نتوانسته است منظورشان را بفهمد، با حالت‌های بدن یا چهره این موضوع را به او اعلام کنند.
- در اغلب موارد همکلاسی‌ها یا برادران و خواهران کودک دچار نارسایی می‌توانند به معلم بگویند که کودک برای ایجاد ارتباط در مورد چه چیزی تلاش می‌کند. معلم باید از کمک آنان استفاده کند.
- اگر معلم در کلاس خود کودکان دچار آسیب‌دیدگی شنوایی دارد، با زبان اشاره محلی آشنا شود و الفبای دستی را یاد بگیرد، تمامی دانش‌آموزان کلاس می‌تواند بعضی از اشاره‌ها با الفبای دستی را یاد بگیرند تا بدین ترتیب آنها هم بتوانند با همسالان دچار آسیب‌دیدگی شنوایی خود ارتباط برقرار کنند- برای کسب اطلاعاتی در مورد زبان اشاره محلی و الفبای دستی با مدارس ناشنوایان منطقه خود یا مدیریت آموزش و پرورش کودکان استثنایی استان، ارتباط برقرار کنید.
- معلم باید به ارتباط کلامی خود، استفاده از تصاویر، ترسیمات و نوشتن را بیفزاید.
- معلم باید هنگام آموزش مهارت‌های جدید از «طرح چهار نکته‌ای» زیر استفاده کند؛

۱- توجه کودک را جلب کند؛

۲- فعالیت موردنظر را ارائه کند؛

۳- عملکرد کودک را مشاهده کند؛

۴- به کودک بازخورد^۱ بدهد.

برای ایجاد ارتباط با دانش‌آموزان تغییرات دیگری ایجاد کرده‌اید یا
توانستید ایجاد کنید؟

برای این که مطمئن شوید دانش‌آموزان منظورتان را می‌فهمند از چه روش‌هایی
استفاده می‌کنید؟

برای این که مطمئن شوید آنها منظور یکدیگر را می‌فهمند، از چه روش‌هایی
استفاده می‌کنید؟

چگونه به دانش‌آموزانتان نشان می‌دهید که منظور آنها را فهمیده‌اید؟
در ایجاد ارتباطات با دانش‌آموزان تغییراتی که می‌توانید تلاش کنید تا به وجود
آیند را یادداشت کنید.

۳. اداره کلاس درس

طراحی فضای کلاس درس می‌تواند به یادگیری کودکان کمک کند یا از آن
جلوگیری کند. شاید معلمان نتوانند اقدامات زیادی را برای تغییر فضای کلاس خود
به عمل آورند، اما چند پیشنهاد را در اینجا ذکر می‌کنیم:

● کودکان دارای نیازهای ویژه احتیاج دارند که نزدیک به معلم و تخته کلاس
بنشینند.

^۱ - Feed back ارزیابی و نظریات اصلاحی که معلم برای اصلاح و پیشرفت عملکرد کودک به وی ارائه می‌کند را بازخورد می‌گوییم.

● تلاش کنید فضای کلاس درس خود را به نحوی طراحی کنید که کودکان بتوانند آزادانه جابجا شوند، به ویژه اگر بعضی از آنها دچار مشکلات حرکتی یا بینایی هستند. ممکن است بعضی از کودکان به نور اضافی احتیاج داشته باشند در حالی که احتمال دارد برخی دیگر دارای چشمانی حساس به نور باشند. بنابراین در تعیین جای نشستن کودکان به این موضوع توجه کنید.

● می‌توانید میز تحریر یا میزهای دانش‌آموزانتان را به نحوی بچینید که به سادگی بتوانند در گروه‌های کوچک با یکدیگر کار کنند و به یکدیگر کمک دهند.

● اگر فضای کلاس اجازه می‌دهد، تلاش کنید فضایی را برای انفرادی کوتاه مدت با کودکان خاص یا با گروه کوچکی از آنان، اختصاص دهید. در کلاس درس می‌توانید این فضا را با استفاده از یک پرده متحرک، جدا کنید تا بدین وسیله احتمال مغشوش شدن توجه آن کودک یا کودکان را کاهش دهید.

● فعالیت‌های متنوعی را آماده کنید تا کودکانی که کارشان را زودتر از سایرین به اتمام رساندند، بتوانند از آنها استفاده کنند. این فعالیت‌ها می‌توانند مطالعه کتاب‌های یک قفسه کوچک پر از کتاب تمرین‌های پیشرفته اضافی بصورت مکتوب و بازی‌ها را شامل شوند.

نکته‌ای برای معلمان:

من از خانه یک تکه موکت آوردم. کودکان دوست داشتند هنگامی که در بخش کتابخانه کلاس به مطالعه مشغولند، روی آن بنشینند.

● نمودارها و لوحه‌های تصویری را در سطح دید کودکان نصب کنید، نه در محلی بلندتر از آن. از نوشتار، تصاویر و نمادهای درشت استفاده کنید تا همه کودکان بتوانند به راحتی آنها را ببینند. همچنین می‌توانید از پارچه‌ها یا کاغذهای سنباده یا درجه زبری متفاوت و اشیاء واقعی برای ایجاد امکان بهره‌گیری از حس لامسه همه کودکان به ویژه کودکان دچار دشواری‌های بینایی استفاده کنید.

● بعضی از یادگیری‌ها در خارج از کلاس درس بهتر صورت می‌گیرند. بهره‌گیری از پول برای خرید خوراکی‌ها را می‌توان به صورت نمایشی در کلاس درس تمرین کرد، اما اگر کودکان فرصت تمرین این فعالیت در شرایط واقعی را به دست آورند، برایشان بسیار بهتر خواهد بود. همچنین در باغچه مدرسه یا مزارع همجوار آن، می‌توانید درس‌های مربوط به گیاهان و حیوانات را ارائه کنید.

● ممکن است برای کودکان دچار آسیب‌دیدگی‌های بینایی و شنوایی، یادگیری در کلاس‌هایی که در فضای آزاد تشکیل می‌شود. دشوار باشد امکان دارد مدارس مجبور شوند، کلاس‌های مناسبی را به معلمانی که چنین دانش‌آموزانی در کلاسشان دارند اختصاص دهند. به ویژه تگر این کودکان به مدرسه آمدن را تازه شروع کرده باشند.

تغییراتی که می‌توانید در کلاستان به وجود آورید را یادداشت کنید.

۴. تدوین طرح درس

به خوبی دریافته‌ایم که طراحی درس، آموزش را موثرتر می‌سازد.

● هنگام طراحی یک درس به نتایجی که در وهله نخست برای کل دانش‌آموزان کلاس و سپس برای دانش‌آموزان معینی به طور فردی در نظر گرفته‌اید، بیانیدیشید. طرح‌های انفرادی که تهیه کرده‌اید در این مورد کمک خواهند کرد، سپس قادر خواهید بود آن درس و کاری که می‌خواهید کودکان کلاستان به انجام برسانند را با توانایی‌ها، علایق و انگیزه‌هایشان، انطباق دهید. برای نمونه، ممکن است دانش‌آموزان کلاس، عمل جمع ساده را انجام دهند، اما به یکی از آنها به جای ۱۰ عملیات جمع، ۵ عملیات را ارائه کنیم. در همین حال ممکن است یکی دیگر از آنها بر روی یک عملیات در سطح ساده‌تر برای نمونه شمردن اشیای درون مجموعه‌ها- کار کند. بنابراین معلم برحسب توانایی‌های کودکان در یک درس در سطوح متفاوت کار می‌کند. (مطالعه موردی مطرح شده در صفحات ۹۰ و ۹۱ را ملاحظه کنید.)

● در این زمینه که چگونه می‌توانید کودکان را برای یادگیری درس فعال کنید، بیانیدیشید. برای نمونه در یادگیری مفهوم اندازه‌گیری، کودکان می‌توانند قد یکدیگر را اندازه بگیرند و از آن آگاهی یابند!

● اگر کودکان بتوانند اشیاء را ببینند و لمس کنند، قادر خواهند بود آنها را بهتر بشناسند. آیا رسانه‌های بصری که بتوانید در تدریس از آنها استفاده کنید، وجود دارند؟ این گونه رسانه‌ها ممکن است اشیاء واقعی، تصاویر یا ترسیمات باشند.

● در مورد کلمات کلیدی (اصلی) که در آن درس به کار خواهید برد، تصمیم بگیرید. در آغاز تدریس این واژه‌ها را برای کودکان فهرست کنید و برای حصول اطمینان از این که دانش‌آموزان می‌توانند آنها را بفهمند، تلاش نمایید.

نکته‌ای برای معلمان:

برگه‌های تمرینی که برای کار با دانش‌آموزان تهیه کرده‌اید را با نایلون ببوشانید تا دوام بیشتری پیدا کند. بدین طریق می‌توانید بارها و بارها از آنها استفاده کنید!

● برگه‌های تمرین را برای بهره‌گیری در طول تدریس، آماده کنید. این برگه‌ها را می‌توان طوری طراحی کرد که نیازهای ویژه کودکان را برآورده کنند. مانند: استفاده از خطوط درشت برای کودکانی که به آسیب‌دیدگی بینایی دچارند یا متن و مطالب ساده شده برای آنهایی که به نارسایی‌های ذهنی دچار می‌باشند. شما می‌توانید این برگه‌ها را طوری تهیه کنید که در آینده باز هم بتوانید از آنها استفاده کنید. معلمان می‌توانند این برگه‌ها را با سایر همکاران خود مبادله کنند. به هر حال، بیاد داشته باشید که هیچ کودکی با کودک دیگر شبیه نیست و ممکن است نیاز داشته باشید، آن تکلیف را برای یک کودک خاص، به طور ویژه تدوین کنید.

● کار گروهی، مشارکت تمامی فراگیران را آسان می‌کند و راهی عالی برای پاسخگویی به نیازهای فردی است. ممکن است لازم باشد درسی را که با نیازهای کودکان دارای نیازهای ویژه منطبق ساخته اید، به آنها ارائه کنید و اجازه دهید در حالی که شما مشغول تدریس به بقیه دانش‌آموزان هستید، آنها روی آن تکالیف کار کنند. در هر حال، هر درس باید انواع متفاوتی از فعالیت‌ها را در بر داشته باشد؛ مانند: فعالیت‌هایی برای کل کلاس، کار گروهی، کار دو نفره و فعالیت‌های فردی. از گروه‌بندی‌های متفاوتی (گروه‌های مختلط از نظر توانایی و علایق) استفاده کنید و

گروه‌ها را به طور مداوم تغییر دهید تا از نام‌گذاری بر گروه‌ها و یکنواخت شدن «جریان فعالیت گروه‌ها» جلوگیری کنید می‌توانید در مجموعه راهنما برای آموزش معلمان (یونسکو) در مورد ترتیبات لازم برای تدریس، مطالب بیشتری را فرا بگیرید.

● ممکن است نیاز باشد سرعت تدریس و میزان محتوایی را که باید در زمانی معین ارائه دهید، با شرایط کلاس متناسب سازید. بهتر است به جای این که تلاش کنید مطالب بیشتری را ارائه کنید در امر تدریس انتخاب‌گر باشید.

● ممکن است علاوه بر طرح درس‌های انفرادی به یک طرح روزانه برای فعالیت‌های یک روز کلاس نیز نیاز داشته باشید. در این برنامه فعالیت‌های جایگزین برای کودکان دارای نیازهای ویژه، ثبت خواهند شد. اگر این برنامه را در آغاز تدریس با دانش‌آموزان کلاستان در میان بگذارید، می‌تواند مفید باشد.

آیا می‌توانید موضوعات دیگری را که باید معلمان در مورد آنها برنامه‌ریزی کنند ذکر کنید؟

احساس می‌کنید چه برنامه‌ریزی‌هایی را باید بهبود ببخشید یا در بیشتر مواقع به انجام برسانید؟

۵. تهیه برنامه انفرادی

از آغاز این راهنما بر این نکته که هر کودک یک موجود منحصر به فرد است، تاکید کردیم. بنابراین لازم است معلمان نیازهای فردی کودکان را در هنگام طراحی تدریس خود در نظر داشته باشند. یکی از راه‌های انجام این امر داشتن یک طرح انفرادی

برای هر دانش‌آموز دارای نیازهای ویژه خواهد بود. در بسیاری از کشورها این روش به عنوان یک رویه مناسب به اجرا درمی‌آید و در بعضی از کشورها، از طریق مققرات اعمال می‌شود. در هر حال باید متذکر شویم که بنیان سرچ درس، برنامه درنظر گرفته شده برای کل کلاس است و طرح انفرادی با هدف حصول اطمینان از دستیابی همه دانش‌آموزان به نتایج مورد نظر از یادگیری می‌تواند طرح درس را کامل کند. طرح‌های انفرادی را می‌توان برای یک سال تحصیلی، یک نوبت، یک درس خاص مانند آن طراحی کرد.

- در مورد کودکان دوره ابتدایی، طرح درس، هدف‌های ویژه تدریس، در حیطه‌های اصلی برنامه درسی مانند فعالیت‌های مربوط به خواندن و ریاضیات را مشخص می‌سازد و برای دانش‌آموزان دوره راهنمایی و متوسطه طرح درس، حیطه‌های متفاوت مواد درسی را در برمی‌گیرد.^۱

- این طرح درس باید با مشورت والدین یا سرپرستان کودک تدوین شود. بدین طریق، آنها می‌توانند جنبه‌هایی از برنامه درسی را که احساس می‌کنند برای فرزندانشان از اهمیت برخوردار است شناسایی کنند. همچنین این اقدام در زمینه درگیر ساختن والدین یا سرپرستان برای کمک به کودک در محیط منزل، به معلم یاری خواهد رساند. باید نسخه‌ای از برنامه را در اختیار والدین گذاشت. همچنین

^۱ - در بعضی از کشورها، برنامه درسی دوره ابتدایی در یک بافت درهم تنیده ارایه می‌شود. به این معنی که مواد درسی متفاوتی، موجود نیست و معلمان بر اساس اهداف تعیین شده برای آن دوره یا پایه در یک فعالیت واحد، اهداف متفاوتی را دنبال می‌کنند. (توضیح از مترجم)

می‌توان دانش‌آموزان پایه‌های بالاتر را در بازنگری برنامه و طرح درس مربوط به خودشان دخیل کرد. ممکن است آنها بتوانند در مورد مشکلات خود در رابطه با فراگیری مطالب و فعالیت‌های مدرسه‌ای اطلاعاتی را در اختیار شما بگذارند.

● بهترین زمان برای طراحی برنامه آموزشی و طرح درس‌ها، آغاز هر نیمسال تحصیلی است. این موقعیت زمانی برای مرور پیشرفت‌های کودک در نیمسال تحصیلی گذشته و تعیین اهداف جدید است. بنابراین، طرح درس سوابق پیشرفت کودک را در بر خواهد داشت که اطلاعات موجود در آن را می‌توان برای پایه‌های بعدی که کودک طی خواهد کرد در اختیار سایر معلمان قرار داد.

● این برنامه انفرادی توانایی‌های کودک در حیطه‌های متفاوت برنامه درسی را مشخص می‌سازد، سپس اهداف یادگیری جدیدی که باید برای رسیدن به آنها فعالیت کرد را ذکر می‌کند. معنای این جمله آن است که کودکان حاضر در یک کلاس واحد، به میزان متفاوتی برنامه درسی را فرا خواهند گرفت.

● لازم است معلمان، سطح توانمندی، علایق و نیازهای ویژه هر کودک را مشاهده یا ارزیابی کنند. آنها باید مشخص کنند که هر دانش‌آموز بدون کمک معلم یا همسالان یا با دریافت کمک مختصری چه کارهایی را می‌تواند انجام دهد. برای کسب این اطلاعات می‌توانید فعالیت‌های کودکان در کلاس درس را در نظر بگیرید یا توانایی‌هایشان را از طریق وادار کردن آنها به انجام تکالیف متفاوت درجه‌بندی شده از ساده به شکل، بیازمایید.

● تصمیم‌گیری در مورد اهداف جدید یادگیری آسان نیست. این اهداف را باید به نحوی در نظر گرفت که زیاد دشوار نباشند، زیرا که در این صورت کودک نسبت به انجامشان بی‌ رغبت می‌شود. در همین حال لازم است کودک برای یادگیری مهارت‌های جدید به چالش کشیده شود. در این مورد که وظیفه مذکور را در نخستین بار به بهترین وجه انجام دهید نگران نباشید. اگر کودک به سرعت به آن اهداف یادگیری که انتخاب کرده‌اید دست یافت می‌توانید اهداف دیگری را به مجموعه اهداف پیشین بیفزایید. به این ترتیب اگر اثبات شد که اهداف در نظر گرفته شده بسیار دشوارند، بررسی کنید که آیا می‌توانید تکلیف مورد نظر را به گام‌های کوچک‌تری تجزیه کنید و کودک را به انجام آنها وادار سازید، برای نمونه، ممکن است کودکی به بازشناسی شبکه‌های متفاوت قادر نباشد. به جای این که همه سکه‌ها را در یک نوبت به او ارائه کنید با دو سکه‌ای که متفاوت‌ترین سکه‌ها هستند، شروع کنید. سپس دو سکه دیگر را معرفی کنید پس از آن بازشناسی بین سه سکه و در مرحله بعد بازشناسی میان چهار سکه را ادامه دهید و جریان آموزش را به همین ترتیب، هدایت کنید تا این که کودک در انجام این تکلیف تسلط کافی را به دست آورد. معلمان اغلب از این رویکرد گام به گام در آموزش استفاده می‌کنند، اما نه با تقسیم فعالیت به گام‌هایی چنین کوچک که در این نمونه توصیف شد.

نکته‌ای برای معلمان:

ما برنامه آموزش انفرادی را در مورد کودکان دچار نارسایی‌ها شروع کردیم، اما حالا از این

برنامه‌ها برای تمامی دانش‌آموزانی که در فعالیتهای یادگیری خود عقب می‌افتند، استفاده می‌کنیم. این کار یک تغییر محسوس را در فعالیتهای آموزشی به وجود آورده است!

• این طرح درس و برنامه انفرادی باید هرگونه ترتیبات ویژه‌ای که تاثیر آنها در کمک به انجام فعالیتهای کودک در مدرسه اثبات شده است را نیز مشخص کند برای نمونه، محل نشستن بهره‌گیری از وسایل کمکی مانند آن.

کدام یک از کودکان حاضر در کلاس شما می‌توانند از یک برنامه آموزشی انفرادی، بیشترین بهره را ببرند؟

برای یک از کودکان کلاستان یک برنامه آموزشی انفرادی را طراحی کنید.

این برنامه باید حداقل سه حیطه برنامه درسی مانند خواندن، نوشتن و ریاضیات را در برگیرد.

۶. ارائه کمک انفرادی

بر اساس تعریف، کودکان دارای نیازهای ویژه به پشتیبانی نیاز دارند. بنابراین، اگر فعالیتهای آموزشی با توجه به نیازهای آنان طراحی شود، از این فعالیتهای بیشمار بهره می‌گیرند، اما کودکان چگونه می‌توانند از پشتیبانی انفرادی بهره ببرند؟ انجام این امر آسان نیست، ما در اینجا بعضی از توصیه‌هایی که معلمان موثر یافته‌اند را ارائه می‌کنیم:

• وقتی که دانش‌آموزان یک کلاس بر روی فعالیتی آموزشی کار می‌کنند، معلم می‌تواند وقت خود را به یک یا دو کودک اختصاص دهد تا نکات اصلی آن درس را با

آنان مرور کند یا به آنان یاری دهد تا بتوانند کار انفرادی خود را بر روی تکالیف مربوط به موضوع آن درس آغاز کنند.

● معلم می‌تواند کودکان را براساس سطوح تواناییشان گروه بندی کند. او می‌تواند، با توجه به نیازهای آنان، برای فراهم آوردن کمک‌های طراحی شده به تکتک گروه‌ها سر بزند. این اقدام در مورد فعالیت‌های خواندن و ریاضیات به خوبی قابل اجراست. در هر حال این اقدام را باید با احتیاط انجام داد، چرا که در اغلب موارد، گروه‌بندی دانش‌آموزان بر اساس توانایی، به ایجاد «برچسب» منجر می‌شود و کودکان به سرعت خود را به عنوان عضوی از گروه «برنده» یا «بازنده» قلمداد خواهند کرد. به همین طریق در کار با گروه‌های ترکیبی از نظر توانایی‌ها، باید تکلیف را به نحوی طراحی کرد که همه کودکان بتوانند در انجام آن سهمی داشته باشند.

● کودک دارای نیازهای ویژه را می‌توان با یک دانش‌آموز توانا‌تر که بتواند در سازماندهی فعالیت‌های آموزشی به وی کمک کند، در یک گروه قرار داد تا هنگامی که خود فعالیت‌هایش را به انجام رساند، کودک دارای نیازهای ویژه را یاد دهد. این اقدام می‌تواند برای هر دوی این دانش‌آموزان مفید واقع شود. این روش را «آموزش همسالان» می‌نامند.

● دو معلم می‌توانند کلاس‌های خود را ادغام کنند. یکی از آنها به فعالیت با کل گروه می‌پردازد؛ در حالی که معلم دیگر وقت خود را به انجام فعالیت‌های انفرادی یا فعالیت در گروه کوچک با کودکانی که به پشتیبانی نیاز دارند، اختصاص می‌دهد.

نکته‌ای برای معلمان:

من در زمان تعیین شده برای ناهار، آن کودک را به مدت ۱۰ دقیقه، از دیگران جدا می‌کنم تا تکالیفی را که انجام داده است، اصلاح کنم. در این هنگام کلاس درس ساکت است و او می‌تواند از توجه کامل من بهره‌مند شود.

- می‌توان به منظور کمک به کودکان، از دستیاران داوطلب برای حضور در کلاس درس استفاده کرد. ممکن است اعضای خانواده، مادرها، پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها^۱ بتوانند و بخواهند چنین کاری را انجام دهند. ممکن است این کمک‌ها در مقاطع محدود زمانی برای هدایت کودکان به کلاس درس یا کمک به تسلط یافتن آنان بر مفاهیم پایه مواد درسی معین، انجام شوند. داوطلبان می‌توانند در هنگامی که معلم کلاس با یک کودک دارای نیاز ویژه کار می‌کند به پشتیبانی سایر کودکان بپردازند.
- دانش‌آموزان گروه‌های سنی بالاتر مدرسه را می‌توان بر اساس یک برنامه زمان‌بندی شده برای کمک به کودکان دارای نیازهای ویژه، به کار گرفت. این اقدام می‌تواند به عنوان بخشی از برنامه درسی مطالعات اجتماعی آنان یا فعالیت‌های مربوط به گروه‌های دانش‌آموزی (پیش‌تازان، هلال احمر) محسوب شود.
- داوطلبان یا کارکنان برنامه توانبخشی مبتنی بر جامعه، منبع مناسب دیگری برای تامین پشتیبانی انفرادی می‌باشند. آنها می‌توانند در هنگامی که کودک در بدو ورود به مدرسه است مفید واقع شوند، چرا که کودک و خانواده او را می‌شناسند.

^۱ - داوطلبان خیر منبع پشتیبانی دیگری هستند که معلم می‌تواند از خدمتشان استفاده کند. داوطلبان هلال احمر و گروه‌های حمایت از کودکان دچار نارسایی‌ها از جمله این داوطلبان هستند. (مترجم)

● اگر مدرسه شما به معلمان مرجع یا معلمان کودکان استثنایی دسترسی دارد، می‌توان از آنها خواست تا در زمینه تدوین طرح درس، برنامه انفرادی و رویکردهای آموزشی مناسب به معلمان مدرسه کمک کنند. آنها می‌توانند بعضی اوقات در کلاس درس حاضر شوند به معلم کلاس و دانش‌آموزان پشتیبانی انفرادی ارائه کنند.

● مدارس کشورهای مرفه‌تر، معلمان کمکی را استخدام می‌کنند تا در کلاس به معلم مربوط کمک کنند. ارتباط مناسب و برنامه‌ریزی قبلی برای بهینه شدن کار معلمان و دستیاران ضروری می‌باشد. حضور معلم کمکی به همان اندازه که مفید است می‌تواند از مشارکت فعال کودک دارای نیازهای ویژه در کلاس درس جلوگیری کند. مگر آن که دروس به نحوی طراحی شوند که همه کودکان بتوانند به عنوان عضوی از گروه فعالیت کنند.

آیا برای ارائه کمک انفرادی به کودکان راه‌های دیگری وجود دارند؟

روش‌هایی که اجرای آنها برای شما به عنوان یک معلم، امکان پذیرند را

بنویسید:

۷. استفاده از ابزارهای کمکی

گاهی از طریق بهره‌گیری از وسایل و تجهیزات کمکی می‌توان بر دشواری‌های یادگیری کودکان، که ناشی از آسیب‌دیدگی‌های خاص آنان می‌باشد، فائق آمد. نمونه‌های واضح این تجهیزات عبارتند از: عینک، که در بهتر دیدن به کودکان کمک می‌کند، عصاها و صندلی‌های چرخ‌دار که به جابجایی راحت‌تر کودکان معلول در

داخل و خارج از محیط مدرسه کمک می‌کنند، وسایل کمک شنوایی (سمعک‌ها) که در بهتر شنیدن به کودکان کم شنوا، کمک می‌کنند در مورد خردسالان فعالان باید اطمینان حاصل کنند که دانش‌آموزان باید مراقبت‌های لازم را برای جلوگیری از آسیب دیدن این وسایل به عمل آورند، چرا که آنها به راحتی می‌شکنند.

شکل‌های دیگری از وسایل کمکی وجود دارند که معلمان آنها را مفید خواهند یافت. ما این وسایل را به شش گروه تقسیم کرده‌ایم. در کشورهای پیشرفته صنعتی این گونه وسایل را می‌توان به صورت آماده از فروشگاه‌های مخصوص، خریداری کرد. در هر حال، ساختن آنها، با هزینه کم امکان‌پذیر است.

● جزییات ساخت این وسایل را می‌توانید در کتاب‌هایی که نام آنها را فهرست کرده‌ایم، بیابید. دانش‌آموزان گروه‌های سنی بالاتر مدرسه می‌توانند به عنوان بخشی از کار کلاسی خود، این وسایل را بسازند. همچنین می‌توان از اعضای خانواده خواست که در ساختن آنها کمک کنند.

نکته‌ای برای معلمان:

مدرسه ما روزی را برای دعوت از خانواده دانش‌آموزان و داوطلبان محلی، اختصاص داده بود تا با حضور در مدرسه، در ساختن وسایل کمکی به ما کمک کنند.

کودکان باید در منزل نیز همانند مدرسه به این وسایل دسترسی داشته باشند. مدارس می‌توانند مکانی را برای نگهداری این وسایل کمکی اختصاص دهند تا معلمان بتوانند در هنگام نیاز، از آنها استفاده کنند.

● رسانه‌های آموزشی: اغلب اوقات، معلمان در تدریس خود از چنین وسایلی استفاده می‌کنند. این رسانه‌ها می‌توانند کارتهای آموزشی (برای کمک به خواندن) نمودارها و تصویربرداری را در بر می‌گیرند. اختصاص زمانی برای ساخت رسانه‌ها، ارزشمند است چرا که این وسایل به یادگیری کودک دارای نیازهای ویژه کمک می‌کنند. به علاوه این رسانه‌ها را اغلب می‌توان برای تسریع یادگیری سایر کودکان نیز به کار گرفت و یا به معلمان دیگر اجازه داد تا از آنها استفاده کنند. نیازی نیست که برای ساخت این رسانه‌ها، هزینه زیادی را مصرف کنیم، چون برای ساختن آنها می‌توانیم از مواد دور ریختنی استفاده کنیم. هر معلمی مهارت‌های لازم برای ساخت رسانه‌های آموزشی را دارد اما ممکن است اعتماد به نفس کافی را نداشته باشد. برای این کار از دیگران نیز کمک بگیرید. دانش‌آموزان می‌توانند در ساخت این رسانه‌ها به شما کمک کنند. ممکن است برای کمک به کودکانی که در یادگیری با دشواری‌هایی روبرو هستند به استفاده از دست نوشته‌ها یا حروف چاپی درشت‌تر یا به کار گرفتن نمونه‌های لمسی مربوط به مفاهیم نیاز داشته باشید.

● اسباب بازی‌ها: برای کودکان خردسال می‌توان با استفاده از مواد دور ریختنی تنوعی از وسایل بازی را به وجود آورد. این وسایل جغجغه‌ها، عروسک‌ها، عروسک‌های نمایش، معماها و آلات موسیقی را در برمی‌گیرند، علاوه بر این بازی‌هایی مانند: جور کردنی‌ها را می‌توان با درشت‌تر کردن قطعات و نقش‌های روی آنها برای استفاده کودکان دچار آسیب‌دیدگی‌های بینایی یا نارسایی‌های ذهنی مناسب سازی کرد.

● **تجهیزات کلاس درس:** معلمان می‌توانند با ساختن تجهیزات، از یادگیری کودکان پشتیبانی کنند. برای نمونه از طریق قرار دادن اسفنج لاستیکی در اطراف مدادها که در دست گرفتن مداد را برای کودکان آسان‌تر می‌کند، ساختن چرتکه‌ای از درهای بطری که در شمارش به کودکان کمک می‌کند یا ساختن خط کش‌هایی با شماره‌های برجسته یا درشت‌تر برای استفاده کودکانی که دچار آسیب‌دیدگی‌های بینایی می‌باشند.

● **میز و صندلی‌ها و امکانات کلاسی:** ممکن است کودکان دچار آسیب‌دیدگی‌های جسمانی در نشستن مشکلاتی داشته باشند، آنها می‌توانند از صندلی‌های مخصوص با چهارپایه‌های (چرخ‌دار یا بدون چرخ) مخصوص قدم زدن، که به طور صحیح از راه رفتنشان حمایت کند بهره بگیرند. این وسایل را می‌توان با هزینه کم با استفاده از تکه‌های چوب تهیه کرد.

● **وسایل کمکی برای تحرک:** برای کمک به کودکان در تحرک می‌توان وسایل متنوعی را با هزینه اندک ساخت. این وسایل گاری‌های چرخ‌دار، چهارپایه‌های چرخ‌دار یا بدور چرخ و عصا برای کودکانی که در راه رفتن عصاهای مخصوص کودکان نابینا را شامل می‌شوند.

● **وسایل کمکی ارتباطی:** برای کودکانی که در ایجاد ارتباط کلامی دچار مشکل هستند می‌توانیم از یک صفحه دارای تصاویر، نمادها یا کلمات استفاده کنیم. معلمان و این کودکان می‌توانند با استفاده از این صفحه‌ها با یکدیگر ارتباط برقرار کنند.

چه تجهیزات و ابزارهای کمکی را در کلاس یا مدرسه خود دارید؟

برای کودکان دارای نیازهای ویژه‌ای که شما به آنها آموزش می‌دهید، چه

تجهیزات یا ابزارهای کمکی مفید هستند؟

۸. اداره رفتار

بعضی از دانش‌آموزان ممکن است کلاس درس را آشفته سازند. این قبیل کودکان

به یادگیری رفتار پذیرفته شده از نظر اجتماعی، نیازمندند.

● تمامی معلمانی (وسایل افرادی) که با دانش‌آموزان مدرسه، سرو کار دارند. باید

بر روی یک روش مشترک برای پاسخگویی به رفتار کودک به ویژه در مورد استفاده

از پاداش‌ها و تنبیه‌ها توافق کنند.

● آیا می‌توانید علتی را برای رفتار کودکان شناسایی کنید؟ آیا آنها برای احتراز از

انجام کاری که آن را دشوار می‌یابند، نژتلاش می‌کنند؟ آیا دوست دارند توجه سایر

کودکان و معلمان را به خود جلب کنند؟ آیا علت ناآرامی آنها گرسنگی است؟ مشاهده

و ثبت اوقاتی که رفتار مورد نظر رخ می‌دهد، ممکن است سرنخ‌هایی در مورد علت و

مناسب‌ترین عملی که می‌توانید در مقابل آن انجام دهید به دست دهد.

● اغلب اوقات دانش‌آموزان نشانه‌هایی را که هشدار دهنده شروع رفتار آشفته‌ساز

هستند، از خود بروز می‌دهند. اگر توانستید این نشانه‌ها را شناسایی کنید تلاش کنید

آن کودک را از انجام دادن رفتار منصرف کنید. برای نمونه به او نزدیک‌تر شوید و

در حالی که به تدریس ادامه می‌دهید دست خود را روی شانه او قرار دهید یا کودک

را به انجام فعالیتی که می‌دانید می‌تواند آن را انجام دهد و از آن لذت می‌برد ترغیب کنید. برای نمونه توزیع کتاب‌ها بین دانش‌آموزان کلاس.

نکته‌ای برای معلمان:

به جای اینکه منتظر رخ دادن رفتار شوم و سپس نسبت به آن عکس‌العملی نشان دهم، برنامه‌ای برای چگونگی کاهش احتمال شروع رفتار تدوین می‌کنم. این کار مهار امور را به جای آنکه به دست کودک دهد، به دست من می‌سپارد.

● ممکن است چنین کودکی برای آن که بتواند استراحت کند، از کاهش زمان اشتغال به تحصیل در مدرسه در طول روز یا در نظر گرفتن اوقاتی برای تنها بودن با خود بهره ببرد. بهتر است دانش‌آموز در تمام اوقاتی که در کلاس درس است رفتار مناسبی داشته باشد که این که در کلاس درس باشد و رفتارهای نامناسبی از خود بروز دهد. طول زمان حضور دانش‌آموز در کلاس درس را می‌توان به تدریج افزایش داد. ممکن است استفاده از این راهبرد هنگامی که کودکان دارای نیازهای ویژه را برای نخستین بار در کلاس جدید جابدهی می‌کنیم مفید باشد.

● می‌توانید موقعیت کودک را در کلاس تغییر دهید. کودکی که به دویدن در اطراف کلاس گرایش دارد را می‌توانید کنار دیوار یا بین دو دانش‌آموز دیگر بنشانید. به طوری که نتواند به راحتی از جایی که نشسته است خارج شود. راهکار بهتر این اسن که به کودکان بیش فعال، تکالیفی را بدهیم که برایشان معنادار باشد. مانند، توزیع برگه‌های تمرین و تمیز کردن اتاق تا بدین وسیله بتوانیم گرایش آنها نسبت به حرکت کردن در اطراف کلاس را به سوی رفتاری مناسب جهت بدهیم.

● معلمان باید هنگامی که کودک به نحوی مناسب رفتار می‌کند و مجموعه فعالیت‌های خود را با موفقیت انجام می‌دهد، به او پاداش بدهند. این کار را می‌توانید از طریق قدردانی و معرفی او به کلاس انجام دهید. هر طرحی برای مواجهه با رفتارهای نامناسب باید تشویق به رفتارهای مثبت را در برداشته باشد. در غیر این صورت، کودکان می‌آموزند چه کاری را نباید انجام دهند، اما یاد نگرفته‌اند که چه کاری را باید انجام دهند.

● اغلب اوقات، پاداش‌ها هنگامی به بهترین وجه موثر واقع می‌شوند که تمامی دانش‌آموزان کلاس راهی را برای خوب رفتار کردن پیدا کنند. این روش دانش‌آموزان دچار آشفتگی رفتاری را در جهت رفتار مناسب تحت فشار اجتماعی همسالان قرار می‌دهد.

● برای ابراز ناخشنودی خود را رفتار دانش‌آموز، می‌توانید از تغییر آهنگ صدا، بیان چهره‌ای و جملات کوتاه و ساده استفاده کنید. خونسردی و مهار رفتار خودتان را از دست ندهید.

● تنبیه تنها زمانی موثر است که کودکان بتوانند ارتباط بین تنبیه و رفتارشان را بفهمند و چیزی که به عنوان تنبیه انتخاب می‌کنید را دوست نداشته باشند، وادار کردن کودکان به ایستادن در ختراج از کلاس درس برای کودکی که به انجام تکالیف کلاسی تمایل ندارد، ممکن است یک پاداش باشد. همچنین از تعیین تکالیف اضافه به عنوان تنبیه استفاده نکنید، زیرا در این صورت کودک در ذهن خود تکالیف مدرسه را

با تجربه‌ای ناخوشایند، پیوند خواهد داد و از آن پس انجام تکالیف برای او فعالیتی ناخوشایند خواهد بود.

● کودک را تهدید نکنید مگر آن که آمادگی لازم برای انجامش را داشته باشید و بتوانید آن را انجام دهید. پیامدهای رفتارهای کودک را برای او روشن کنید. برای نمونه، کودک بداند که اگر دانش‌آموز دیگری را می‌زند، در نتیجه این رفتار در ساعت تفریح (یا ناهار) در حیاط بازی نخواهد کرد و به عنوان تنبیه در کلاس خواهد ماند.

● در مورد تفوض اختیارات خود به دیگران احتیاط کنید. برای نمونه، فرستادن کودک دچار آشفتگی رفتاری به نزد معاون مدرسه برای تنبیه، متضمن این پیام است که جایگاه شما کم اهمیت‌تر از اوست. باید در این مورد هر دوی شما با هم به رفتار او رسیدگی کنید.

● با دانش‌آموزان کلاستان در مورد اثرات چنین رفتارهایی بر سایرین و خودشان بحث کنید. بهره‌گیری از نمایش و بازی کردن نقش می‌تواند فرصت تجربه و آزاد سازی هیجانات را برای تمام دانش‌آموزان فراهم آورد.

● در مورد این که آیا کودک همین رفتارها را در منزل نیز بروز می‌دهد، از خانواده وی کسب اطلاع کنید. اگر چنین بود همراه با اولیاء وی روش مشترکی را برای واکنش نسبت به این رفتارها طراحی کنید.

● به یاد داشته باشید روشی که در مورد یک دانش‌آموز موثر می‌باشد ممکن است در مورد دیگری بی‌اثر باشد. پاسخ‌های برنامه‌ریزی شده و باثبات، کلیدهای موفقیت در این امر هستند.

● در مورد کودکی که به آشفتگی‌های رفتاری شدید دچار است ممکن است نیاز باشد به منظور انجام فعالیت‌های لازم با بزرگسالی دیگر، او را از سایر دانش‌آموزان کلاس جدا کنیم. در هر صورت این راهکار باید بخشی از یک طرح باشد که در آن توصیه‌های فوق‌الذکر به نحو ممتازی در نظر گرفته شده‌اند. در غیر این صورت، ممکن است آن دانش‌آموز از این رفتارها برای معاف شدن از کار کلاسی استفاده کند. جداسازی از کلاس باید آخرین راه چاره باشد.

● لازم است، مدارس راهنمایی تحصیلی و متوسطه در مورد تعلیق و اخراج دانش‌آموزان از مدرسه به سبب رفتارهای نامناسب آنها، به طور ویژه سیاستی را تدوین کنند. بدین معنی که تمامی معلمان از روش یکسانی پیروی کنند و با تمامی کودکان به نحو عادلانه‌ای رفتار شود. این سیاست باید رفتارهای ناقبول، اقداماتی که معلمان کلاس‌ها و مدرسه انجام خواهند داد، چگونگی ارتباط با خانواده و طول مدت مجاز برای تعلیق حضور کودک در مدرسه را توصیف کند.

● رفتار آشفته بعضی از کودکان ناشی از مشکلات هیجانی یا واکنشی نسبت به تجربیات نامناسب می‌باشد. ممکن است این گونه کودکان از ملاقات با یک متخصص بهره ببرند، متخصصی که ممکن است بتواند دلایل آن رفتارها را شناسایی و برای رفع آنها کمک کند.

آیا راه‌های دیگری برای اداره رفتار کودکان یافته‌اید؟ آنها را بنویسید:

احساس می‌کنید چه روش‌هایی برای به کارگیری در مورد دانش‌آموزانتان ارزش آزمایش کردن را دارند؟

آیا در مدرسه شما سیاست‌هایی برای تعلیق حضور یا اخراج کودکان از مدرسه وجود دارد؟

برای کودکان دارای نیازهای ویژه به ایجاد چه تغییراتی در این سیاست‌ها نیازمندیم؟

۹. با هم کار کردن

از معلمان نباید انتظار داشته باشیم که فقط به صورت انفرادی کار کنند. در اینجا چند روش جهت دریافت توصیه‌ها و پشتیبانی‌های لازم برای معلمان ارائه می‌شود:

- توصیه‌ها و پیشنهادهای سایر معلمان شاغل در مدرسه خود را جویا شوید. این کار یک اقدام پیش پا افتاده یا نشانه شکست نیست. شما می‌توانید چیزهای بسیار زیادی را از یکدیگر یاد بگیرید. گروهی از کارکنان می‌توانند هفته‌ای یک بار و هر بار به مدت ۳۰ دقیقه با یکدیگر ملاقات کنند. هر هفته یکی از معلمان به نوبت از این فرصت برای بیان خلاصه‌ای از مسائل مربوط به یک مشکل ویژه استفاده می‌کند، این موضوع می‌تواند در مورد یافتن روشی مناسب برای آموزش یک تکلیف اداره رفتار کودکان در کلاس و مدرسه و مانند آن باشد. پس از آن سایر معلمان بدون هیچگونه محدودیت، نظریات خود را در مورد راه‌های ممکن برای برخورد با آن مشکل بیان می‌کنند. سپس معلمی که ابعاد مشکل را ارائه کرده است، راه‌حلی که به نظر

می‌رسد، پاسخگوی مشکل باشند را انتخاب می‌کند. معلمان با تجربه‌تر (یا معلمان راهنما، معاونین و مدیران مدارس) در راه‌اندازی چنین بحث‌هایی نقش مهمی را ایفا می‌کنند.

● در برنامه خود برای مشاهده چگونگی اداره کلاستان توسط سایر معلمان زمانی را در نظر بگیرید و همکارانتان را برای مشاهده چگونگی تدریس خود به کلاستان دعوت کنید. می‌توانید در مورد جنبه‌های مناسب و حیطه‌هایی که نیاز به بهبود دارند، با یکدیگر بحث کنید.

● مدرسه می‌تواند معلمانی را برای گذراندن دوره‌های آموزشی موجود اعزام کند. پس از اتمام هر دوره، این معلمان می‌توانند در جلسه یا جلساتی، آنچه را فرا گرفته‌اند. برای سایر کارکنان آموزشی ارائه دهند و تمامی منابع آموزشی را که دریافت کرده‌اند، در اختیار آن بگذارند.

● بررسی کنید که آیا هیچ یک از متخصصین نارسایی‌های کودکان در منطقه شما حضور دارند. برای نمونه، کارکنان شاغل در طرح توانبخشی مبتنی بر جامعه یا شاغل در مدارس ویژه. تلاش کنید برای دریافت توصیه‌های این افراد با آنان ملاقات‌هایی داشته باشید.

نکته‌ای برای معلمان:

اگر دانشجویان تربیت معلم یا دانشگاه برای کارورزی تدریس به مدرسه ما بیایند، توصیه‌هایشان را جویا می‌شوم، چرا که آنها در حال یادگیری جدیدترین نظریات در این

اگر آنها بتوانند کار شما و کودک موردنظر را در مدرسه مشاهده کنند، نتایج خوبی حاصل خواهد شد.

● در بعضی از کشورها، ادارت آموزش و پرورش برای یاری رساندن به دانش‌آموزان دارای نیازهای ویژه «معلمان مرجع» را در نظر گرفته‌اند. ممکن است آنها در یک مدرسه حضور داشته باشند یا خدمات خود را به مجموعه‌ای از مدارس، ارائه کنند. آنها می‌توانند در زمینه متناسب‌سازی برنامه درسی محتوا و روش‌های تدریس با معلمان کلاس‌ها کار کنند. همچنین ممکن است آنها با بعضی از دانش‌آموزان به صورت انفرادی یا گروهی کار کنند. در این هنگام، به منظور مشاهده فعالیت‌های به عمل آمده توسط معلم مرجع در این جلسات، معلمان باید تلاش کنند و در حضور آنان در مورد چگونگی تلفیق این اقدامات در برنامه کلاس‌ها برنامه‌ریزی کنند.

● در مورد پشتیبانی از یادگیرندگان دارای نیازهای ویژه، تعداد روزافزونی از کتاب‌ها و مجلات به چاپ می‌رسد. مدارس می‌تواند به منظور دسترسی معلمان‌شان به این کتاب‌ها و مجلات نسبت به تشکیل کتابخانه کوچکی در این زمینه اقدام کنند.

● مجموعه راهنمای معلمان یونسکو، پیشنهادهای عملی بسیاری را در بر دارد. آیا در مدارس یا نهادهای آموزشی افراد دیگری وجود دارند که بتوانید

توصیه‌های مورد نیاز را از سوی آنان دریافت کنید؟

نام و عنوان افرادی که به عنوان مشاور انتخاب می‌کنید را بنویسید.

زیاده روی نکنید!!

همان گونه که ملاحظه کردید راه‌های زیادی جهت انطباق اقدامات معلمان برای ارضاء نیازهای کودکان دچار چالش‌های مربوط به یادگیری وجود دارد، اما می‌خواهیم این مبحث را با تاکید بر سه موضوع زیر به اتمام برسانیم:

● در مورد برخی از کودکان فقط به اندکی از انطباق‌های ذکر شده، نیاز خواهد داشت. در حالی که ممکن است سایرین به انطباق‌های بیشتری نیاز داشته باشند. حتی کودکان دچار دشواری‌هایی که به وضوح مشابه به نظر می‌رسند، احتمال دارد به میزان متفاوتی از کمک نیاز داشته باشند. وضعیت کودک را بشناسید و مطابق با آن پاسخ دهید.

● مراقب باشید در مورد هیچ یک از کودکان زیاده روی نکنید. باید کودک و معلم هر دو برای یادگیری تلاش کنند. به تدریج از تلاش خود کاسته و از کودک تلاشی بیشتر را انتظار داشته باشید.

● وقتی کودک دارای نیاز ویژه را مورد توجه قرار می‌دهید، سایر کودکان حاضر در کلاس را نادیده نگیرید. تلاش کنید، فعالیت‌هایی که طراحی کرده اید، مشارکت تمامی کودکان را تضمین کند. در پایان هر هفته برای مرور و بررسی آنچه در آن هفته رخ داده است، فرصتی را در نظر بگیرید. سپس می‌توانید انطباق‌های لازم برای هفته آینده را تدارک ببینید.

مرور و بررسی چگونگی تدریستان

پاسخ‌هایی را که به پرسش‌های مطرح شده در این فصل داده‌اید و پاسخ‌هایی را که به پرسش‌های ذیل خواهید داد، بررسی کنید:

تغییراتی را که به منظور پشتیبانی از کودکان دارای نیازهای ویژه در تدریس خود ایجاد خواهید کرد به طور خلاصه بنویسید:

اگر می‌توانید آنها را به ترتیب اولویت بنویسید به نحوی که مهم‌ترین تغییرات، از نظر شما در آغاز فهرست بیایند:

سپس، تلاش کنید پشتیبانی‌ها و راهنمایی‌هایی را که برای ایجاد این تغییرات به شما کمک خواهند کرد، شناسایی کنید.

به این پرسش پاسخ دهید که این تغییرات چگونه می‌توانند به نفع همه کودکان تمام شوند؟

تلاش کنید پاسخ‌های خود را با پاسخ‌های سایر همکارانتان در مدرسه، مقایسه کنید.

تغییراتی که به ایجادشان نیازمندم:

کمک‌ها و پشتیبانی‌هایی که به آنها نیازمندم:

این تغییرات برای یادگیری همه کودکان مفید خواهند بود:

بخش ۲. امتحانات

در این بخش چگونگی کمک به کودکان دارای نیازهای ویژه در زمینه امتحانات را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

امتحانات آرمونی از یادگیری دانش‌آموز هستند، اما امتحان دادن برای دانش‌آموز، معانی فراتر از این مفهوم را در بر دارد. او مجبور است بتواند خود را آماده کند، متن برگه امتحانی را بخواند، منظور خود را از طریق نوشتار بیان کند و به سرعت بنویسد. کودکان دچار نارسایی چون نمی‌توانند این فعالیت‌ها را مانند سایرین انجام دهند، ممکن است در آزمون موفق شوند، در حالی که مضمون ماده درسی مورد آزمون را یاد گرفته‌اند. به همین ترتیب ممکن است بعضی از کودکان به سبب وضعیت خانوادگی و سطح انتظارات پایین سایرین از آنها به نحو ضعیفی برای شرکت در امتحانات آماده شده باشند.

بدین ترتیب برای رعایت عدالت در مورد دانش‌آموزان ممکن است در مورد امتحانات به ایجاد ترتیبات ویژه‌ای نیازمند باشیم. در اینجا نمونه‌هایی از این ترتیبات ویژه که در سراسر جهان به کار می‌روند را ارائه می‌کنیم:

- به این قبیل دانش‌آموزان برای نوشتن برگه‌های امتحانی فرصت بیشتری داده می‌شود. برای نمونه شصت (۶۰) دقیقه وقت اضافه برای امتحانی که دو ساعت به طول می‌انجامد.

- برای این دانش‌آموزان پرسش‌های امتحانی خوانده می‌شود و آنها نمی‌توانند پاسخ‌های خود را برای معلم بگویند تا او آنها را یادداشت کند و معلم دیگری به برگه مزبور نمره می‌دهد. مضاف بر این، چنین دانش‌آموزانی می‌توانند پاسخ‌های خود را روی یک نوار صوتی ضبط کنند. این روش می‌تواند در مورد کودکان دچار مشکلات

شدید بینایی و آنهایی که دچار آسیب دیدگی های تاثیرگذار بر حرکات دست ها هستند، مفید واقع شود.

● برخی از این گونه دانش آموزان، در مواد درسی کمتری امتحان می دهند. (یعنی معافیت از شرکت در امتحان بعضی از دروس).

● بعضی از این دانش آموزان هر روز فقط در یک امتحان شرکت می کنند. فاصله بین امتحانات برای آنان بیشتر است.

● در بعضی موارد، بخشی از امتحان به یک آزمون عملی اختصاص می یابد. به نحوی که این قبیل دانش آموزان بتوانند بدون استفاده از زبان توانمندی خود را نشان دهند. اگر دانش آموزان، به مشکلات یادگیری زبان و گفتار دچار باشند، این روش، آزمون بهتری برای ارزیابی توانمندی های آنها خواهد بود.

آیا این ترتیبات به معنای قائل شدن یک مزیت ناعادلانه برای دانش آموز دارای نیازهای ویژه نسبت به سایر دانش آموزان باشد؟ پاسخ خود به این پرسش را با سایر معلمان به بحث بگذارید.

روش های دیگری برای امتحان گرفتن

راه های دیگری به غیر نوشتن برگه های امتحانی یا امتحان دادن در یک رمان و مکان خاص برای آزمون توانمندی دانش آموز وجود دارد. مرسوم ترین روش جایگزین، آزمون از طریق ارزیابی مستمر است. در این روش یادگیری دانش آموز در

طول سال تحصیلی ارزیابی می‌شود. این روش شکل‌های گوناگونی را به خود می‌گیرد. برای نمونه:

پرونده نمونه فعالیت^۱: دانش‌آموز، پرونده‌ای از بهترین کارهایی که در طول سال تحصیلی انجام داده است را نگهداری می‌کند. برای نمونه ورقه‌های تمرین و تکالیف انجام شده. اگر شما را به عنوان یک دانش‌آموز در نظر بگیریم چنین پرونده‌ای شبیه مجموعه پاسخ‌های ثبت شده شما به تمامی تکالیفی است که در طول مطالعه این کتاب انجام آنها را از شما خواسته‌ایم.

اجرای طرح‌های مطالعاتی: برای آزمودن یادگیری دانش‌آموزان، از آنها می‌خواهیم که چند طرح مطالعاتی را به انجام برسانند. این طرح‌ها ممکن است خواندن مستقل مطلب، اجرای «پژوهش» و نوشتن یک گزارش را در برگیرد. این روش همانند دریافت مقالات و گزارش‌ها از دانشجویان تربیت معلم می‌باشد.

مشاهده مستقیم: معلمان می‌توانند عملکرد دانش‌آموز در هنگام انجام تکالیف متفاوت را مشاهده و نتیجه فعالیت آنها را بر روی مقیاس‌های از پیش تعیین شده نمره‌گذاری کنند. سایر معلمان می‌توانند با مشاهده کار دانش‌آموزان این مقیاس‌ها را دوباره نمره‌گذاری کنند. این روش به ویژه برای مواد درسی عملی، مفید است. مدرسین تربیت معلم از این روش در هنگام بازدید از تمرین تدریس نمونه دانشجویان بهره می‌گیرند.

^۱ . Portfolio of work

ارزیابی بر مبنای عملکرد: این روش ارزیابی از طریق یک کاربرگ، مشتمل بر فهرست توانمندی های که یاد گیرنده باید بتواند به نمایش بگذارد، انجام می شود. این روش به طور ویژه برای مواد درسی عملی و حرفه ای مانند خیاطی و نجاری مفید می باشد. دانش آموزان موظفند نشان دهند که در اجرای مهارت های مطرح شده در ابزار ارزیابی (آزمون) توانمندی لازم را دارند. در بسیاری از کشورها، هنگامی که آزمون رانندگی انجام می شود، آزمونگر از این روش استفاده می کند.

ارزیابی خود (توسط دانش آموزان): شکلی از ارزیابی است که در آن دانش آموزان یادگیری و پیشرفت خودشان را از طریق ابزارهای متفاوت ارزشیابی می کنند. این روش ارزیابی به دانش آموزان و معلمان، بازخورد ارائه می کند. ممکن است دانش آموزان پیش از آن که بتوانند عملکرد خود را به شیوه مناسب ارزشیابی کنند به تمرین نیاز داشته باشند.

تمامی رویکردهایی که در اینجا به آنها اشاره شد، برای دانش آموزان دارای نیازهای ویژه مناسب ترند چون به این دانش آموزان برای دستیابی به کمک و وقت اضافی که احتمال دارد نیاز داشته باشند، فرصت می دهد. در واقع ممکن است بعضی ادعا کنند که این شکل های ارزیابی جایگزین، برای همه دانش آموزان عادلانه ترند، اما این تغییرات را نمی توان به سرعت ایجاد کرد. نقطه آغاز تغییر برای معلمان، انطباق آزمون های معلم ساخته با نیازهای دانش آموزان است. در این آزمون ها معلمان می توانند این رویکردهای جدید را آزمایش کنند و آنها را به نحوی بهبود بخشند که

برای همه دانش‌آموزان عادلانه باشند و در همان حال آزمون معتبری از یادگیری آنان قلمداد شوند.

ممکن است معلمان، در تعیین شیوه امتحانات متمرکز که توسط وزارت آموزش و پرورش به عمل می‌آیند، تاثیر کمی داشته باشند. گرچه در سطح ملی به بحث در این زمینه نیاز داریم و معلمان در این زمینه نقشی حیاتی را ایفا می‌کنند.

تغییری رخ خواهد نخواهد داد، مگر این که نیاز به آن آشکار شده باشد برای نمونه، در آفریقای جنوبی، نظام آموزش و پرورش از طریق ارزیابی‌های مستمر از شیوه تکیه بر امتحانات به سوی شمولیت همه دانش‌آموزان حرکت کرده است.

یادآوری این نکته ارزشمند است که با وجود نظام مبتنی بر امتحانات، بسیاری از افراد دچار نارسایی‌ها، دوره‌های دانشگاهی را به پایان رسانده‌اند و در صنعت آموزش و پرورش و سیاست رهبرانی موفق شده‌اند. می‌توانید این افراد را دعوت کنید تا با دانش‌آموزان و همکارانتان صحبت کنند. مطالب بسیار زیادی وجود دارد که از آنان خواهید آموخت.

مروری بر مطالب این فصل

- همان طور که بسیاری از معلمان کشف کرده‌اند، دست و پنجه نرم کردن با تفاوت‌های میان دانش‌آموزان به معنای معلمی بهتر بودن است!
- این اقدام به معنای به کارگیری تمامی مهارت‌هایی است که به عنوان یک معلم فرا گرفته‌اید، اما این به کارگیری هشیارانه‌تر و با ثبات‌تر خواهد بود.

● اندیشه‌ها و توصیه‌های فهرست شده در این فصل را می‌توان در مورد تمامی دانش‌آموزان به کار برد. به ویژه برای آنهایی که ممکن است در یادگیری با مشکلاتی روبرو باشند. این اندیشه‌ها و توصیه‌ها فقط برای دانش‌آموزان دارای نیازهای ویژه مطرح نیستند.

● مطالب ارائه شده در این فصل مستلزم آن است که معلمان شیوه کار خود را تغییر دهند و زمان بیشتری را برای طراحی و آماده‌سازی صرف کنند، اما این اقدامات کار آنها را در کلاس درس آسان‌تر خواهند ساخت!

● وقتی معلمان پیشرفت کودکان را مشاهده می‌کنند، رضایت شغلی بیشتری را ابراز می‌دارند: همان طور که یکی از آنها چنین گفته است: «این به معنای مشارکت ما در بازسازی ملی است.»

● ممکن است برای اجرای عدالت در مورد کودکان دارای نیازهای ویژه به تغییراتی در نظام امتحانات نیز نیازمند باشیم.

فصل چهارم: کارکردن با یکدیگر

نگاهی کلی بر مطالب فصل

پس از به انجام رسانیدن مطالب این فصل از موارد ذیل آگاه خواهید شد:

- چگونگی همکاری مدارس به منظور پشتیبانی از یکدیگر و معلمانشان در جهت پیشبرد آموزش و پرورش فراگیر؛
- نیاز به تغییر فرهنگ مدارس به نحوی که به صورت فعال با جامعه خود کار کنند؛

● روابطی که نیاز است با سایر گروه‌های جامعه محلی خود برقرار کنید. این گروه‌ها والدین و سرپرستان، کارکنان بخش بهداشت، مددکاران اجتماعی، سازمان‌های افراد دچار نارسایی و افراد پشتیبانی کننده جامعه محلی که می‌توانند برای یافتن شغل، پس از اتمام دوره تحصیلی به دانش‌آموزان کمک کنند را در برمی‌گیرند؛

● روش‌های عملی کار مشترک میان معلمان، مدارس و سایر گروه‌های جامعه محلی.

فهرست مطالب:

- بخش ۱: روش‌های یاری رسانی مدارس موجود در یک ناحیه به یکدیگر را توصیف می‌کند.
- بخش ۲: تغییر مورد نیاز در فرهنگ مدارس را واری می‌کند.

● بخش ۳: در مورد کار مشترک با پنج گروه جامعه محلی که می‌توانند به معلمان

یاری دهند، اندیشه‌ها و توصیه‌هایی را مطرح می‌کند. این گروه‌ها عبارتند از:

۱- والدین و سرپرستان

۲- کارکنان بخش بهداشت

۳- مددکاران اجتماعی

۴- سازمان‌های مربوط به افراد دچار نارسایی‌ها

۵- پشتیبانان جامعه محلی

بخش ۱: همکاری مدارس با یکدیگر

نمی‌توان از طریق فعالیت‌های یک مدرسه در انزوا بر چالش ایجاد آموزش و پرورش برای همه فائق آمد، این امر مستلزم همکاری و مشارکت فعال همه مدارس موجود در یک ناحیه- اعم از پیش دبستانی، ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان- می‌باشد. تضمین تداوم آموزش و پرورش کودکان دارای نیازهای ویژه امری ضروری است، اگر دانش‌آموزی از مدرسه خود به مدرسه جدیدی منتقل شود که آمادگی انطباق با نیازهای او را نداشته باشد، نه تنها بسیاری از کارهایی که می‌توانند انجام شوند، انجام نخواهند شد، بلکه آنچه انجام شده است، بی اثر خواهد ماند.

اگر در ناحیه مورد نظر، مدارس ویژه وجود داشته باشند، همکاری بین مدارس از ارزش بیشتری نیز برخوردار خواهد بود. همکاری مدارس عادی و ویژه با یکدیگر فوایدی را در برخواهد داشت که دانش‌آموزان و معلمان هر دو نوع مدرسه، از آنها بهره‌مند خواهند شد.

به هر حال در بسیاری از کشورها سنت رایج آن است که از هر مدرسه انتظار می‌رود خودکفا باشد و تماس‌های اندکی با دیگر مدارس داشته باشد. در این شرایط روابط بین معلمان و دانش‌آموزان مدارس، حول محور بازی‌های رقابتی خواهد بود.

البته مراجع قدرت در آموزش و پرورش باید نقش رهبری در زمینه گردهم آوردن مدارس را به عهده بگیرند. اما اگر چنین اقدامی صورت نپذیرد، معلمان و به طور ویژه‌تر، معلمان راهنما یا معلمان با تجربه‌تر می‌توانند این نهضت را آغاز کنند.

در اینجا در زمینه پشتیبانی مدارس از تلاش‌های یکدیگر برای حرکت در راستای آموزش و پرورش فراگیر بعضی از اندیشه‌هایی که در سراسر دنیا برای پرورش مشارکت به ظهور پیوسته‌اند، را ارائه می‌کنیم:

- معلمان راهنما (یا معلمان باتجربه‌تر) و نمایندگان کارکنان بخش مدیریت مدارس، حداقل یک بار در سال برای مرور مطالب مشترک مورد نظر، درو هم جمع می‌شوند.

بررسی نسبت کودکان ثبت‌نام شده در مدارس به کل جمعیت کودکان، پذیرش کودکان دارای نیازهای ویژه دسترسی همه کودکان به ساختمان‌ها و تجهیزات، تربیت کارکنان و پشتیبانی از معلمان و کودکان می‌توانند از این مطالب باشند.

- به همین ترتیب، معلمان می‌توانند از مدارس یکدیگر بازدید کنند تا در مورد نوآوری‌هایی که هر یک از آنها به منظور در بر گرفتن همه کودکان در کلاس و مدرسه خود انجام داده‌اند، آگاه شوند.

● ممکن است برای تاسیس یک مرکز مشترک نگهداری و توزیع منابع، شامل: رسانه‌ها و تجهیزات آموزشی، کتاب‌ها، مجلات و نوارهای تصویری آموزشی، تلاش کنند تا این امکانات برای استفاده در اختیار همه معلمان و خانواده‌ها قرار گیرد. اگر این حرکت مرتبط با یک موسسه تربیت معلم منطقه‌ای باشد، مطلوب‌تر خواهد بود.

● امکان دارد معلمان برای مدتی یعنی در یک دوره زمانی مشخص، به مدرسه‌ای دیگر اعزام شوند. برای نمونه، ممکن است معلم مدرسه‌ای ویژه برای کمک به کارکنان مدرسه ابتدایی مجاور مدرسه خود به آنجا برود. این اقدام می‌تواند برای یک دوره زمانی مشخص، برای نمونه دو هفته یک بار یا یک روز در هفته به مدت سه ماه انجام شود. به همین ترتیب معلمان یک مدرسه عادی می‌توانند به یک مدرسه یا واحد ویژه اعزام شوند. در بعضی از کشورها مسولان آموزش و پرورش معلمان مرجع^۱ را برای کمک به دانش‌آموزان دارای نیازهای ویژه در نظر گرفته‌اند. آنها ممکن است به تعدادی از مدارس پوشش دهند. این معلمان مرجع می‌توانند گردهمایی‌هایی را برای معلمان تشکیل دهند و به منظور تبادل تجربیات و سازماندهی آموزش لازم برای گروهی از کارکنان آموزشی که از همه مدارس تحت مسوولیتشان جمع شده‌اند، اقدام کنند.

● گروهی از معلمان که از همه مدارس منطقه گردهم آمده‌اند، می‌توانند در زمینه موضوعاتی که هم به آن علاقمند هستند و هم برای توسعه بیشتر مدارس فراگیر

^۱ - در کشور ما، معلمان رابط این مسوولیت را بر عهده دارند. (مترجم)

لازم است، با هم کار کنند. چنین موضوعاتی می‌توانند انطباق‌دهی برنامه درسی، روش‌های آموزش و تدریس و روش‌های ارزیابی یادگیری کودکان را در برگیرند. فعالیت در این گروه‌های کاری باید حول یک محور ویژه انجام شود و زمان محدودی را به این امر اختصاص دهد. محصول فعالیت این گروه‌های کاری را می‌توان در اختیار همه مدارس قرار داده‌ایم امر بدین معناست که از این طریق کاری انجام می‌گیرد که یک مدرسه به تنهایی قادر به انجام آن نیست. علاوه بر این، سیاست‌ها و رویه‌های مشترکی را نیز بین مدارس منطقه به وجود می‌آورد.

● اگر معلمان یک مدرسه در یک دوره آموزشی، حضور یابند می‌توانند به نوبه خود به عنوان منبعی اطلاعاتی برای معلمان سایر مدارس آن ناحیه، به کار گرفته شوند. برای نمونه، این کار از طریق سخنرانی چنین معلمانی در جمع کارکنان آموزشی ناحیه یا در گردهمایی‌های والدین و یا از طریق سازماندهی دوره‌های آموزشی برای معلمان آن منطقه، امکان‌پذیر خواهد بود.

● ممکن است گروهی از مدارس یک ناحیه از کارشناسان حاضر در منطقه برای تدریس در کارگاه‌های آموزشی مربوط به کارکنان مدارس منطقه دعوت کنند. چنین کارشناسانی را در مراکز تربیت معلم، دانشگاه‌ها، وزارت آموزش و پرورش یا سازمان‌های غیر دولتی^۱، میتوان یافت. مشارکت با سایر مدارس در این اقدام، جلب تعداد معقولی از شرکت‌کنندگان در کلاس‌ها را در پی داشت (و بدین ترتیب هزینه‌ها

^۱ . NGOs (Non Governmental Organizations)

را کاهش خواهد داد)^۱ و یک بار دیگر به ایجاد شبکه ارتباطی بین معلمان منطقه کمک خواهد کرد.

● همچنین می‌توان مبادله دانش‌آموز میان مدارس ویژه و عادی را تشویق کرد. چنین اقدامی می‌تواند به شکل‌های متعددی صورت گیرد. برای نمونه حضور در فعالیت‌های فرهنگی- اجتماعی مانند اجرای سرودها، شرکت در کلاس‌های مواد درسی خاص مانند هنر، تربیت بدنی یا شرکت در گروه‌های سرود به منظور افزایش روابط غیررسمی دانش‌آموزان با یکدیگر، مدرسی که از نظر مکانی به یکدیگر نزدیک هستند، می‌توانند یکی از کلاس‌های خود را در مدرسه دیگر دایر کنند. علاوه بر این، ممکن است برخی از کودکان مدارس ویژه در بعضی یا همه درس‌های خود در مدرسه عادی حاضر شوند. با تغییر نیازهای کودکان می‌توان در نوع ترتیبات در نظر گرفته شده برای آنان تجدید نظر کرد. ممکن است کودک زمان بیشتر یا کمتری را در یکی از این وضعیت‌های در نظر گرفته شده صرف کند.

نمونه

در «امان» پایتخت اردن، شش مدرسه خصوصی گروهی را برای پشتیبانی معلمان تشکیل داد. ۵ سال بعد تعداد مدارس شرکت‌کننده در این طرح به ۱۵ باب رسید. مقاصد این گروه، پشتیبانی یکدیگر از طریق بحث در مورد موضوعات، دشواری‌ها و موفقیت‌های مربوط به کارشان بود. علاوه بر این، آنها از متخصصان در زمینه‌های

^۱ - توضیح از مترجم

مربوط دعوت می‌کردند تا در گردهمایی‌ها شرکت کنند و نظریات تخصصی خود را در اختیار سایر شرکت‌کنندگان بگذارند. هر شش هفته، یک گردهمایی دو ساعته برگزار می‌شود. اعضای گروه به نوبت، میزبانی گردهمایی را در مدرسه خود بر عهده می‌گیرند. از مطالب مطرح شده در هر گردهمایی یادداشت‌های خلاصه‌ای تهیه می‌شود و برای تمامی اعضای شبکه پشتیبانی ارسال می‌گردد. در میان موضوعاتی که مورد بحث قرار گرفته، این عناوین به چشم می‌خورد: کار کردن با والدین در مورد پذیرش دشواری‌های فرزندشان، نمره دادن به دانش‌آموزان در مقایسه با خود و همسالانشان چگونه رفتار با دانش‌آموزان نوجوان در پایه‌های بالاتر، آموزش‌های ضمن خدمت مورد نیاز و تشکیل انجمن متخصصین متشکل از معلمان کودکان دارای نیازهای ویژه شاغل در مدارس فراگیر.

آیا برای پشتیبانی مدارس از یکدیگر، راه‌های دیگری به نظر شما می‌رسد؟

■

■

کدام یک از این توصیه‌ها را می‌توان در مورد مدارس ناحیه شما انجام داد؟

■

■

منبع:

مجموعه راهنما برای آموزش معلمان: نیازهای ویژه در کلاس درس، تهیه شده

توسط یونسکو، اطلاعات بیشتری را در مورد تغییر مدارس ارائه می‌کند.

بخش ۲. فرهنگ‌های مدارس

معلمان می‌توانند دانش‌آموزان دارای نیازهای ویژه را به شیوه‌های بسیار زیادی در مدرسه یاری دهند، اما نمی‌توانند همه کارها را به تنهایی انجام دهند، آنان به کار مشترک با والدین، کارکنان بخش بهداشت، کارگزاران جامعه محلی و سازمان‌های افراد دچار نارسایی‌ها نیاز دارند.

ممکن است اقدام در این زمینه به معنای تغییر فرهنگ‌های مدارس باشد. در بسیاری از کشورها، مدارس روابط نزدیکی با این گروه‌ها ندارند، اما این نگرش در حال تغییر است.

● زندگی کودکان را نمی‌توان تنها به «زندگی در مدرسه» یا «زندگی در خانه» و «زندگی در محله» تقسیم کرد. مشکلات موجود در یکی از جنبه‌های زندگی آنان بر سایر جنبه‌ها تاثیر خواهد گذاشت.

● حضور در مدرسه، مرحله‌ای از زندگی کودک است. لازم است بین مدارس و خدمات موجود برای کودکان و خانواده‌هایشان در سنین پیش از دبستان، روابطی ایجاد شود. به همین ترتیب، لازم است مدارس به آماده‌سازی دانش‌آموزان برای زندگی پس از اتمام تحصیلات کمک کنند.

● مهارت‌های لازم برای زندگی موفقیت آمیز در جامعه را نمی‌توان فقط در درون ساختمانهای مدارس آموزش داد. لازم است این مهارت‌ها در درون جامعه محلی به اجرا درآیند.

● آموزش و پرورش، مسوولیت همه آحاد ملت است و نباید تنها بر عهده معلمان گذاشته شود.

آیا دلایل دیگری برای اثبات نیاز به روابط نزدیک میان اجتماع محلی و مدارس به ذهن شما خطور می‌کند؟

اقدام آغازین

فرهنگ و رسوم موجود در یک مدرسه به سرعت تغییر نمی‌پذیرد. افراد به تنهایی نمی‌توانند این تغییرات را به وجود آورند. لازم است افراد ذی‌نفع، از این تغییرات پشتیبانی کنند. چنین افرادی عبارتند از:

● معلمان راهنما

● هیات مدیره مدارس

● بازرسان مدارس

● معلمان با تجربه مدارس

● سیاستمداران سطوح منطقه‌ای و مرکزی

اما این افراد مهم، هیچ‌کدام به تنهایی نمی‌توانند همه چیز را تغییر دهند. بلکه معلمان، والدین و حتی خود دانش‌آموزان باید خواهان ایجاد تغییر باشند. برای ایجاد تغییر، این گروه‌ها باید با یکدیگر ارتباط برقرار کنند.

این بدان معناست که:

- معلمان به تشکیل جلسات گردهمایی به منظور بحث در زمینه دیدگاه‌هایشان در مورد مدرسه و جایگاه آن در اجتماع محلی نیازمندند؛
- هیات مدیره مدرسه با معلمان جلساتی را تشکیل می‌دهند؛
- جلساتی با والدین تشکیل می‌شوند؛
- جلسات بحث و مذاکره با مقامات رسمی آموزش و پرورش از جمله بازرسان، ترتیب داده می‌شوند. نتایج این بحث‌ها می‌تواند به یک سیاست توافق شده پیرامون روابط مدرسه با اجتماع گسترده‌تر منجر شود. این توافق‌ها به مردم بیرون از مدرسه کمک می‌کند تا تغییرات جاری را درک کنند. همچنین به تکتک معلمان مجوز فعالیت با سایر افراد خارج از مدرسه را اعطا می‌کند.

نمونه

مدرسه‌ای ویژه در یک بخش روستایی افریقای جنوبی سخت کوشانه، در حال اجرای یک طرح با نام «دسترسی به جامعه محلی» می‌باشد، کارکنان این مدرسه، برنامه‌ای برای ارائه آگاهی در زمینه نارسایی‌ها را آغاز کرده‌اند. آنان به منظور طراحی یک بازی، با کارکنان یک مدرسه عادی آن محل به فعالیت پرداخته‌اند. کودکان دچار نارسایی‌ها از مدارس ویژه و کودکان مدارس عادی منطقه در این بازی شرکت می‌کنند. بازی در روزهای یکشنبه در کلیساهای آن منطقه انجام می‌شود. ندارد

بینندگان برنامه، پیراهن‌هایی ورزشی را تهیه کرده‌اند که این پیام به زبان انگلیسی و زبان محلی «زولو»^۱ بر روی آنها چاپ شده است:

«نارسایی، ناتوانی نیست» این پیراهن‌ها در آن روستا به فروش می‌رسد. این بازی بر جامعه محلی تاثیر گذاشته است. در حال حاضر دیگر لازم نیست از مردم بخواهند که این پیراهن‌ها را بر تن کنند. بلکه از مردم دعوت می‌شود که آن‌ها را در مکان‌های متفاوتی به دیگران عرضه کنند.

آیا در مدرسه شما سیاستی برای ایجاد ارتباط با جامعه محلی وجود دارد؟ در صورت منفی بودن پاسخ، اولین گام‌هایی که برای ایجاد و توسعه چنین رابطه‌ای می‌توانید بردارید را فهرست کنید:

بخش ۳. گروه‌های موجود در جامعه محلی

در این بخش توصیه‌هایی را برای کارکردن با پنج گروه موجود در جامعه محلی، فهرست می‌کنیم. ممکن است پیش از این، از این توصیه‌ها را به کار بسته باشید، اما پیشنهادهای دیگری وجود دارند که می‌توانید آنها را نیز امتحان کنید. برای معلمان، کار کردن با سایر گروه‌ها، در زمینه موضوعاتی معین، حیاتی است. برای نمونه:

● رفت و آمد کودکان به مدرسه و خانه کودکان دچار آسیب‌دیدگی‌های جسمی و بینایی و کودکانی که به نارسایی‌های ذهنی دچارند، ممکن است به تنهایی قادر نباشند خود را به مدرسه برسانند. برای تضمین امنیت آنان در رسیدن به مدرسه به ایجاد

^۱ . Zulu

ترتیباتی نیازمندیم. به همین ترتیب، ممکن است بعضی از کودکان مجبور باشند فواصل طولانی را برای رسیدن به مدرسه پیاده طی کنند و این امر موجب خستگی آنها در هنگام ورود به مدرسه شود.

- بهزیستی جسمانی و سلامت کودکان نیز مستلزم همکاری سایر افراد می‌باشد.
 - هنگامی که کودکان مدرسه را ترک می‌کنند، برایشان چه اتفاق می‌افتد؟ در این هنگام دیگر معلمان در مورد آنان مسوولیتی برعهده ندارند، اما کودکان نیاز دارند که این مسوولیت را افراد دیگری، که قادر به انجام آن باشند، برعهده گیرند.
- به علاوه سایر افراد می‌توانند کودکان را در انجام تکالیف مدرسه‌ای یاری دهند و به معلمان در انجام فعالیت‌هایشان کمک کنند. بنابراین، در مورد این که چرا معلمان به کار مشترک با دیگران نیازمندند، دلایل بسیار خوبی وجود دارد. در اینجا توصیه‌هایی را برای انجام این امر، ارائه می‌کنیم.

کارکردن با خانواده‌ها

هنگامی که خانواده‌ها نسبت به آموزش و پرورش فرزندانشان علاقه صمیمانه‌ای را نشان می‌دهند، در مدرسه فرزندان آنها، حداکثر تلاش خود را نشان خواهند داد. ممکن است بعضی از والدین یا سرپرستان به این دلیل که تصور می‌کنند، مزاحم معلمان خواهند شد، تمایلی نسبت به برقراری تماس با آنها نشان ندهند یا این که احتمال دارد آنان در مدرسه تجربیات بدی را کسب کرده باشند.

به همین ترتیب، ممکن است والدین، پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها، همان افرادی باشند که کودک را به بهترین وجه می‌شناسند. آنها منبع خوبی برای ارائه توصیه‌ها به معلمان و مراقبان اصلی کودک هستند.

مدارس نیازمند خوشامدگویی به والدین هستند. در اینجا توصیه‌هایی که در مدارس سراسر دنیا به کار گرفته می‌شوند را ارائه می‌کنیم. بعضی از والدین بیشتر از سایرین نسبت به مشارکت تمایل دارند، کار را از والدین علاقمند شروع کنید و از آنها برای تشویق سایرین در مورد ملحق شدن به فعالیتهای مدرسه استفاده کنید.

● والدین حداقل یک بار در سال برای ملاقات با معلم کودک و بحث در مورد پیشرفت وی به مدرسه دعوت می‌شوند.

● والدین در طراحی برنامه آموزش و پرورش انفرادی فرزند دارای نیاز ویژه خود مشارکت می‌کنند.

● گزارش‌های پیشرفت کودکان هر سه ماه یک بار برای والدین ارسال می‌شود.

فرصت می‌دهد تا عملکرد در منزل را مشاهده کنند.

● از والدین دعوت می‌شود برای مشاهده عملکرد فرزندشان در کلاس درس به مدرسه بیایند. از این طریق، آنها می‌توانند روش آموزش به کار گرفته شده در کلاس را ببینند.

- از طریق مشورت با والدین در مورد فعالیت‌های مدرسه و بهره‌گیری از مشارکت آنان در رویدادهای ویژه و جشن‌ها به نحوی که فرهنگ آنان را ارج بگذاریم، می‌توان فرهنگ و تنوع نژادی موجود در مدرسه را غنا بخشید.
- والدین برای کمک به کودکان در انجام تکالیف مدرسه‌ای، تشویق می‌شوند. می‌توانیم از آنها بخواهیم که تکالیف کودک را امضاء کنند.
- کودک هر روز یا حداقل هر هفته یک بار، دفترچه‌ای را بین خانه و مدرسه، انتقال می‌دهد. معلمان و والدین می‌توانند اطلاعات مربوط به فعالیت‌های تحصیلی و یادگیری کودک را از طریق آن مبادله کنند.
- از والدین خواسته می‌شود، در زمینه فعالیت‌های خارج از ساعات مدرسه مانند ورزش، سرگرمی‌ها و اردوها به مدرسه کمک کنند.
- می‌توان دوره‌های آموزشی کوتاه مدتی را برای والدین سازماندهی کرد. این دوره‌ها باید بر فعالیت‌های عملی متمرکز شوند تا والدین بتوانند آنها را برای کمک به یادگیری مهارت‌های جدید توسط کودک به کار گیرند. معلمان می‌توانند ترتیبی اتخاذ کنند که سخنرانانی برای شرکت در این دوره‌ها دعوت شوند.
- می‌توان از والدین دعوت کرد تا در بعضی از دوره‌های آموزشی در نظر گرفته شده برای معلمان شرکت کنند.
- می‌توان والدین را با موسسات ملی والدین کودکان دچار نارسایی‌ها مرتبط ساخت. این موسسات اغلب دارای جزواتی هستند که می‌توانند آنها را برای والدین

ارسال کنند ممکن است آنها شعبه‌هایی را در منطقه شما داشته باشند که والدین می‌توانند در آنها عضو شوند.

- به والدین دارای کودکان دچار نارسایی‌ها کمک می‌کنیم تا یک موسسه محلی را تشکیل دهند. والدین می‌توانند مطالبی را از یکدیگر یاد بگیرند. این گروه‌های والدین می‌توانند سخنرانانی را دعوت کنند تا به پرسش‌های آنان پاسخ دهند. چنین گروه‌هایی می‌توانند برای دریافت کمک‌های بیشتر، سیاستمداران را تحت فشار قرار دهند.
- می‌توان از نمایندگان گروه‌های والدین، برای شرکت در جلسات شورای مدرسه، دعوت کرد.

نمونه

در یک مدرسه ابتدایی واقع در دوربان^۱ آفریقای جنوبی، معلمان از مادر بزرگ‌ها به عنوان منبعی برای توسعه توانایی‌های خواندن در کودکان استفاده می‌کنند. به این مادر بزرگ‌ها آموزش داده شده است تا به متنی که کودکان می‌خوانند گوش بدهند و آنها را به ایجاد ارتباطی معنادار با متن تشویق کنند. مادر بزرگ‌ها دو بار در هفته به مدرسه می‌آیند و در زمین بازی با زیرکی یکی از درخت‌ها با گروه‌هایی از کودکان کار می‌کنند. به علاوه این اقدام سبب آزاد شدن وقت معلمان برای کار کردن با کودکان دچار دشواری‌های یادگیری و آنهایی که ممکن است به توجه انفرادی معلم نیاز داشته باشند می‌شود.

^۱ . Durban

مدارس از چه راه‌های دیگری می‌توانند به والدین کمک کنند تا در آموزش و پرورش فرزندانشان مشارکت داشته باشند؟

آیا توصیه‌های دیگری وجود دارند که بتوانید آنها را در مورد والدین کودکان دارای نیازهای ویژه در مدرسه خود به کار بگیرید؟

کارکنان بخش بهداشت

در فصل اول، متذکر شدیم که ممکن است در وضعیت سلامتی کودکان شرایطی موجود باشد. که در مدرسه آنان را عقب‌تر از دیگران نگه می‌دارد. مدارس نیاز دارند که روابط نزدیکی را با کارکنان بخش بهداشت به وجود آورند. هر کشوری یک شبکه کارکنان بهداشت اجتماعی را دارا می‌باشد. در جامعه محلی شما نیز ممکن است پزشکان، پرستاران و بهداشت‌یاران (یا درمانگاه‌های سیاری وجود داشته باشند که می‌توانید با آنها تماس حاصل کنید. همچنین ممکن است در آجا متخصصینی به عنوان درمانگر (گفتار درمانگر، شنوایی‌شناس، کاردرمانگر، فیزیوتراپیست) حضور داشته باشند.

شاید در منطقه شما طرح توانبخشی مبتنی بر جامعه در حال اجرا باشد. کارکنان دوره دیده‌ای (به عنوان داوطلب یا کارکنان رسمی) با این طرح همکاری می‌کنند. این افراد با خانواده‌هایی که کودک یا بزرگسال دچار نارسایی‌ها را در خانه دارند. در محل سکونتشان ملاقات می‌کنند.

آنان وسایل کمکی مناسب را فراهم می‌آورند، توصیه‌هایی در زمینه انجام فعالیت‌هایی که به بهبود خوداتکایی و کسب درآمد منجر می‌شوند را ارائه می‌کنند و برای ایجاد تحرک در خانواده و جامعه محلی، به منظور یاری‌رسانی به فرد مورد نظر راه‌هایی را می‌یابند.

● مدارس باید فهرستی از کارکنان بخش بهداشت و محلی که می‌توان با آنان تماس گرفت را در اختیار داشته باشند. این فهرست را می‌توان در اختیار تمامی معلمان قرار داد.

● مدارس باید از این قرارداد برای بازدید از مدرسه دعوت کنند تا بدین طریق آنها بتوانند با معلمان راهنما و معلمان مدرسه ملاقات کنند.

● مدارس می‌توانند محل و امکانات مناسبی را به عنوان محل معاینه و درمان در اختیار این متخصصان قرار دهند تا برای نمونه، کودکان سنین پیش‌دبستانی را مورد معاینه‌های بهداشتی قرار دهند. از این طریق این کودکان و والدین آنها با مدرسه آشنا می‌شوند.

● اگر معلمان نسبت به مشکلات بهداشتی در کودکان تردید داشتند باید آنها را به این درمانگاه‌ها ارجاع دهند.

● می‌توان کارکنان بخش بهداشت را برای سخنرانی در گروه‌هایی‌های والدین و دوره‌های آموزشی ویژه والدین یا معلمان دعوت کرد به همین ترتیب نیز می‌توان

معلمان را برای شرکت در دوره‌های آموزشی سازماندهی شده برای کارکنان بخش بهداشت دعوت کرد.

● کارکنان بخش بهداشت که پیش از آن با کودک و خانواده اش، ارتباط داشته‌اند مانند کارکنان طرح توانبخشی مبتنی بر جامعه را می‌توان به مدرسه دعوت کرد. آنها می‌توانند در تدوین برنامه آموزش و پرورش انفرادی برای کودک، مشارکت داشته باشند.

● در اغلب موارد، متخصصین مناسبی در دسترس نیستند. مسئولین مدرسه باید به منظور متذکر شدن این موضوع به مراجع بهداشتی و مسئولین سیاسی منطقه، با آنان مکاتبه کنند.

● ممکن است کارکنان بازنشسته بخش بهداشت (جسماتی و روان شناختی)^۱ برای ارائه خدمات داوطلبانه خود به مدرسه، تمایل داشته باشند. آنها می‌توانند در زمینه بررسی‌های رشد شناختی و آزمایشات مقدماتی برای شناسایی نارسایی‌ها کمک کنند.

نمونه

در کشور گویان واقع در آمریکای جنوبی، برنامه ملی توانبخشی مبتنی بر جامعه، مسابقه‌ای هنری را برای تمامی مدارس مناطق کشور، سازماندهی کرد. موضوع مسابقه، «بهداشت برای همگان» بود. داوطلبان خدمت در برنامه توانبخشی مبتنی بر

^۱ - توضیح مترجم

جامعه هر منطقه از مدارس بازدید کردند و نمایش‌های کوتاهی را در مورد خطرات بیماری مالاریا، نیاز به آب سالم و اهمیت مایه‌کوبی^۱ به اجرا درآوردند، نمایشگاهی از کارهای هنری ارائه شده در هر شهر، تشکیل شد و در مراسم ویژه‌ای با حضور مسئولین منطقه، معلمان و خانواده‌ها، گواهینامه‌هایی به منظور قدردانی به پدیدآورندگان آثار اعطا شد.

مدارس از چه راه‌های دیگری می‌توانند با کارکنان بخش بهداشت ارتباط برقرار کنند؟

آیا فعالیت‌های دیگری وجود دارند که بتوانید آنها را با کارکنان بخش بهداشت منطقه خود به اجرا درآورید؟

مددکاران اجتماعی محلی

مددکاران اجتماعی محلی، عنوانی است برای اشخاصی با شرایط متفاوت که به صورت کارکنان رسمی یا داوطلب به خدمت می‌پردازند. دولت و سازمان‌های غیردولتی، مددکاران اجتماعی محلی متفاوتی را که دارای نقش‌های متنوعی هستند، استخدام می‌کنند. ممکن است آنها به طرق متفاوت به خانواده‌ها کمک کنند. امکان دارد آنها گروه‌های کسب درآمد برای زن‌ها یا جوانان را تشکیل دهند و یا آنها را به سوی فعالیت‌های خودیاری مانند طرح‌های ساختمان‌سازی هدایت کنند.

^۱ . vaccinations

سازمان‌های داوطلب، بر داوطلبانی که با آنها همکاری می‌کنند، متکی هستند. ممکن است آنها در فعالیتهایی مانند فعالیت‌های مددکاران اجتماعی محلی رسمی، شرکت داشته باشند و علاوه بر این، در سازمان‌های جوانان یا باشگاه‌های ورزشی به عنوان رهبران گروه فعالیت داشته باشند. مدارس نیازمند آن هستند که با مددکاران اجتماعی محلی داوطلب و رسمی ارتباط داشته باشند. بسیاری از توصیه‌هایی که در مورد کارکنان بخش بهداشت ارائه کردیم. در مورد این گروه‌ها نیز کاربرد دارند. برای نمونه مدارس می‌توانند به این گروه‌ها پیشنهاد کنند که از فضای مدرسه برای برگزاری دوره‌های آموزشی مفید استفاده کنند.

در اینجا چند توصیه دیگر را ارائه می‌کنیم:

- می‌توان به بعضی از خانواده‌ها در مورد نیازهای اساسی روزمره‌شان کمک کرد و آنان را برای شروع فعالیت‌های درآمدزا حمایت کرد.
- گروه‌های داوطلب اجتماعی می‌توانند، ساختمان‌های مورد نیاز مدرسه و دستشویی‌ها را برای افراد دچار نارسایی‌های جسمانی مناسب سازی کنند. آنها می‌توانند سطوح شیب‌دار را ایجاد کنند و چهارچوب درها را عریض نمایند تا استفاده از صندلی‌های چرخ‌دار آسان‌تر شود.
- داوطلبان می‌توانند تجهیزات، وسایل بازی و رسانه‌های آموزشی مناسبی را

بسازند

● سازمان‌های جوانان و باشگاه‌های ورزشی را می‌توان ترغیب کرد که کودکان دچار نارسایی‌ها را برای فعالیت‌های بعد از ساعات مدرسه، ثبت نام کنند.

● برای فراهم آوردن نیروی کمکی در کلاس درس می‌توان داوطلبان را به کار گرفت.

● در هر رویدادی که مدرسه با کمک مددکاران جامعه محلی سازماندهی می‌کند می‌توان از خبرنگاران روزنامه‌های محلی (و سایر رسانه‌های جمعی محلی مانند صدا و سیما)^۱ به منظور تهیه گزارش و انتشار آن در روزنامه‌ها (و رسانه‌های جمعی)^۲ دعوت به عمل آورد. این اقدام می‌تواند افراد بیشتری را به عنوان داوطلب کمک‌رسانی جذب کند.

نمونه

شورای توسعه روستاهای بنگلادش^۳ یکی از بزرگترین سازمان‌های غیردولتی آن کشور است. تلاش‌های این شورا بر کاهش فقر متمرکز شده است، این شورا در سال ۱۹۸۵ برنامه‌ای غیررسمی را برای آموزش و پرورش دوره ابتدایی با ۲۲ مدرسه آزمایشی آغاز کرد که این تعداد در حال حاضر به ۴۰۰۰۰ مدرسه رسیده است. این اقدام برای دانش‌آموزانی که از مدارس ابتدایی دولتی ترک تحصیل کرده‌اند، مدارس غیررسمی را فراهم نموده است. این کودکان می‌توانند پس از به اتمام رساندن دوره

^۱ - مترجم

^۲ - مترجم

^۳ . Bangladesh Rural Advancement committee (BRAC)

آموزشی موردنظر با ثبت نام در مدارس ابتدایی رسمی، تحصیل خود را در پایه مناسب ادامه دهند.

اکثر مدارس این شورا در مراکز روستاها قرار گرفته‌اند. اکثر معلمان این مدارس از همان منطقه به استخدام درآمده‌اند. آنها باید ۹ سال آموزش رسمی را با موفقیت طی کرده باشند و برای آنان یک دوره ۱۵ روزه آموزشی و آموزش‌های ضمن خدمت را در نظر گرفته‌اند. والدین و معلمان، برنامه زمان‌بندی ارائه دروس را تعیین می‌کنند. جامعه محلی در انتخاب مکانی مناسب برای مدرسه و فراهم آوردن نیروی کار و مصالح لازم برای ساخت کلاس‌ها، مشارکت دارد.

مدارس از چه راه‌های دیگری می‌توانند با مددکاران جامعه محلی، ارتباط برقرار کنند؟
آیا برای ایجاد ارتباط با مددکاران جامعه محلی منطقه خود، توصیه‌های دیگری را می‌توانید فهرست کنید؟

سازمان‌های افراد دچار نارسایی‌ها

در رابطه با افراد دچار نارسایی دو نوع سازمان وجود دارد. در یک نوع آنها، سازمان در اصل به وسیله افراد سالم اداره می‌شود و هدفش یاری رساندن به افراد دچار نارسایی‌ها است. در اغلب موارد این سازمان‌ها سرمایه‌گذاری می‌کنند، به افراد وام‌های بلاعوض می‌دهند و خدماتی را برای کودکان و بزرگسالان فراهم می‌آورند.

نوع دوم این سازمان‌ها را افراد دچار نارسایی‌ها به وجود آورده‌اند. در این سازمان‌ها افراد دچار نارسایی‌ها، موسسه را اداره می‌کنند. بدین ترتیب بسیاری از آنها برای اعضاء خود دوره‌های آموزشی و حمایت‌هایی را ارائه می‌کنند.

والدین کودکان دچار نارسایی متفاوت نیز در موسساتی گردهم آمده‌اند. این موسسات نیز از طریق گردهمایی‌ها و انتشارات، اطلاعات و توصیه‌هایی را برای اعضاء خود فراهم می‌آورند. همچنین ممکن است این موسسات خدماتی مانند آموزش‌های پیش‌دبستانی یا دوره‌های مهارت‌های حرفه‌ای را سازماندهی کنند.

به طور معمول همه این موسسات متفاوت در شهرهای بزرگ یا پایتخت‌ها قرار دارند. بعضی از آنها نیز در سراسر کشور شعبه دارند. اغلب اوقات هر یک از این موسسات بر یک نارسایی ویژه، متمرکز شده‌اند. در بعضی از کشورها، به منظور ایجاد فشار اجتماعی برای تساوی در حقوق بهبود خدمات و آموزش جامعه در مورد نارسایی‌ها، اتحادیه‌ای از سازمان‌های فعال در زمینه نارسایی‌ها تشکیل شده است. مزایای ارتباط گسترده تر میان مدارس و سازمان‌های افراد دچار نارسایی‌ها یا انجمن‌های والدین به شرح ذیل می‌باشد:

- این موسسات می‌توانند در مورد چگونگی اقدام در مورد نارسایی‌های خاص توصیه‌ها و راهنمایی‌هایی را به معلمان ارائه دهند.
- آنها می‌توانند جزوه‌های حاوی اطلاعات مفید را به دست والدین برسانند.
- ممکن است آنها بتوانند برای کمک کردن به دانش‌آموز در مدرسه یا خانه، تجهیزات و ابزارهای خاصی را فراهم آورند.

- اعضای این موسسات می‌توانند به معلمان و والدین آموزش دهند، برای نمونه افراد ناشنوا می‌توانند زبان اشاره را به معلمان و والدین، آموزش بدهند.
- اعضای این موسسات می‌توانند الگوهای با ارزشی را برای نوجوانان دچار نارسایی‌ها ارائه کنند.
- ترک تحصیل‌کنندگان از مدرسه را می‌توان تشویق کرد تا در این موسسات عضو شوند و در دوره‌های آموزشی آنان شرکت کنند.
- ممکن است ایت موسسات بخواهند و بتوانند از طریق منطقه‌ای یا بین‌المللی، منابعی مالی را برای مدرسه فراهم آورند.

توصیه‌هایی برای مدارس

- فهرستی از سازمان‌های افراد دچار نارسایی‌ها و موسسات والدین را در سطح منطقه‌ای و ملی تهیه کنید.
- از بزرگسالان دچار نارسایی‌ها دعوت کنید تا به مدرسه بیایند و با دانش‌آموزان و معلمان، ملاقات داشته باشند.
- جامعه محلی و افراد دچار نارسایی‌های ساکن در منطقه خودتان را به تشکیل یک گروه خودیاری ترغیب کنید. در این مورد مددکاران جامعه محلی می‌توانند شما را یاری نمایند.

● می‌توانید والدین را به تشکیل انجمن‌های اولیاء ترغیب کنید تا از این طریق، حمایت متقابل فراهم شود و در برنامه‌ریزی برای تامین نیازهای کودکان به مدرسه کمک داده شود.

نمونه

ننیو^۱ دانش‌آموزی ناشنوا بود که در دبیرستان محله خود در سوییس، تحصیل می‌کرد. در پایه چهارم در درک بعضی از مواد درسی دچار مشکل بود و معلمانش برای کمک به وی در حال تلاش بودند. او و والدینش با هماهنگ‌کننده امور آموزشی ویژه^۲ در وزارت آموزش و پرورش ملاقات کردند. هماهنگ‌کننده امور آموزشی ویژه، با کمک موسسه ملی ناشنوایان، برای ننیو، معلمش و دانش‌آموزان کلاس، کارگاهی را ترتیب داد. از این طریق، حاضران در کارگاه، از مقولات مربوط به ناشنوایی و دشواری‌هایی که دانش‌آموزای مانند ننیو در یک مدرسه عادی، با آنها روبرو می‌شد، درک وسیع‌تری را بدست آوردند. علاوه بر این، آموزش‌های کارگاه به آموزش‌های مقدماتی زبان اشاره و ارائه توصیه‌هایی به معلمان پرداخت. معلمان احساس کردند توانایی‌هایشان ارتقاء یافته و در نتیجه ننیو با موفقیت دوره متوسطه خود را به پایان رساند. او اکنون قصد دارد در دانشگاه به تحصیل ادامه دهد. در همین مدت ننیو کمر بند مشکی کاراته را دریافت کرد و به عنوان یک نمایشگر لباس مردانه، شغل پاره‌وقتی را بدست آورد.

^۱ . Nenio

^۲ . special education coordinatar

مدارس از چه راه‌های دیگری می‌توانند با سازمان‌های افراد دچار نارسایی‌ها و انجمن‌های اولیاء ارتباط برقرار کنند؟

آیا توصیه‌های دیگری وجود دارند که بتوانید در منطقه خود از آنها استفاده کنید؟

پشتیبانی‌کنندگان در جامعه محلی

جوانان دارای نیازهای ویژه، ممکن است در کسب جایگاه اجتماعی با دشواری رو به رو باشند. این موضوع به ویژه هنگامی که سال‌های مدرسه به اتمام می‌رسد، مصداق می‌یابد. نگرانی‌های فارغ التحصیلان عبارتند از:

- عدم اشتغال؛

- اندک بودن تعداد دوستان و دشواری در یافتن همسر؛

- نداشتن ملزومات برای شروع زندگی مستقل

آیا مدارس می‌توانند برای کمک به نوجوانان دارای نیازهای ویژه کاری کنند تا آنان نیز بتوانند. بر این نگرانی‌های خود فائق آیند؟ در سراسر دنیا، پاسخ این سؤال، مثبت است. اما معلمان برای موفقیت در چنین امری نیاز دارند که به بیرون مدرسه نظر بیافکنند و با مشارکت سایر افرادی که می‌توانند از این جوانان پشتیبانی کنند، به فعالیت بپردازند.

اگر فارغ‌التحصیلان از مدرسه بتوانند شفلی به دست آورند، برای دوست یابی و کسب ملزومات زندگی مستقل فرصت بهتری خواهند داشت. در این جا بعضی از روش‌هایی که معلمان برای این اقدام انتخاب کرده‌اند را ارائه می‌کنیم.

کلاس های آموزش حرفه‌ای: بسیاری از مدارس متوسطه، برای دانش‌آموزان دارای نیازهای ویژه خود برنامه درسی عملی تری را تنظیم کرده‌اند. این برنامه حسی به جای مهارت‌های تحصیلی، بر مهارت‌های زندگی متمرکز شده‌اند. دانش‌آموزان یاد می‌گیرند که نیازهای شخصی خود مانند، شستن لباس‌ها و آشپزی را برآورده سازند. همچنین با بعضی از مهارت‌های شغلی را یاد می‌گیرند خیاطی و نجاری نمونه‌های رایجی از این قبیل مهارت‌ها هستند.

مهارت‌های شغلی باید به نیازهای جامعه محلی مربوط باشند. علاوه بر این‌ها در مورد تدبیر مالی و مهارت های ارتباطی بین فردی نیز آموزش‌هایی ارائه می‌شود. برای کمک به اجرای این برنامه‌ها، داوطلبانی از جامعه محلی به کار گرفته می‌شوند. در بسیاری از مدارس متوسطه، دانش‌آموزان دارای نیازهای ویژه یاد می‌گیرند که نیازهای شخصی خود مانند شستن لباس‌ها و آشپزی را برآورده سازند. همچنین آنها بعضی از مهارت‌های شغلی را یاد می‌گیرند.

تجربه محیط کار: معلمان، صاحبان مشاغلی را می‌یابند که افراد جوان را در محیط حرفه‌ای خود به کار می‌گمارند تا به این ترتیب، جوانان بتوانند در مورد فعالیت‌هایی که در آن محیط انجام می‌شود تجربه لازم را بدست بیاورند. به این افراد حقوقی پرداخت نمی‌شود. اما از کارفرما انتظار می‌رود که آنان را در زمینه بعضی از مشاغلی که می‌توانند یاد بگیرند، تربیت کند. این اقدام، به فرد جوان برای تأیید خود و یادگیری کنار آمدن با شرایط جدید فرصت می‌دهد.

تربیت حرفه‌ای: می‌توان فارغ‌التحصیلان را در دوره‌هایی که آنان را برای کار تربیت می‌کنند، ثبت نام کرد. اگر این نوع مراکز، پیش از این افراد دچار نارسایی‌ها را نمی‌پذیرفته‌اند، ممکن است برای انجام این کار به کمک و پشتیبانی‌هایی نیاز داشته باشند. ممکن است فارغ‌التحصیلان، به منظور آشنا شدن با افراد حاضر در این مراکز و مربیان، به صورت پاره وقت در آنجا حضور یابند.

مشاغل خانگی: می‌توان والدین را ترغیب کرد تا در جهت امرار معاش یا راه‌اندازی یک شغل خانگی به فرد جوان کمک کنند. این اقدام را می‌توان از سنین نوجوانی آغاز کرد و با برنامه درسی مهارت‌های زندگی که در مباحث قبلی متذکر شدیم، ارتباط داد.

آموزش‌های تکمیلی: از طریق آموزش‌های تکمیلی افراد، می‌توان فرصت‌های آنان در دست یابی به مشاغل را افزایش داد. باید جوانان دارای نیازهای ویژه را به اقدام برای ورود به دوره‌های مراکز آموزش عالی یا دانشگاه‌ها، ترغیب کرد.

استخدام: جوانان دارای نیازهای ویژه می‌توانند درست همانند سایر جوانان برای اشتغال درخواست بدهند. گرچه، همه آنها به توانمندی برای انجام یک شغل و یادگیری مهارت‌های مورد نیاز برای مشاغل محتاج می‌باشند، ولی ممکن است در مورد تکمیل کردن برگه‌های درخواست مشاغل و معرفی خود در مصاحبه‌ها نیز به آموزش نیاز داشته باشند.

تذکر:

اگر جوانان بخواهند به این فرصت‌ها دست بیایند، به توانمندی‌های اجتماعی، نیاز دارند. این توانمندی‌ها توجه به نیازهای مراقبت شخصی، توانایی در برقراری ارتباط، استفاده از خدمات حمل و نقل عمومی و بهره‌گیری از پول را شامل می‌شوند. بنابراین، برنامه درسی مدرسه باید برای دانش‌آموزان نوجوان دارای نیازهای ویژه، این مهارت‌ها و سایر مهارت‌های عملیاتی را در بر گیرد.

نمونه

در لوزاکا^۱ واقع در کشور زامبیا^۲ جوانان دچار نارسایی‌ها، در برنامه‌های آموزش حرفه‌ای عادی، ثبت‌نام می‌شوند. این دوره‌ها یک‌ساله و شبانه روزی هستند که در طول آنها جوانان، دامنه‌ای از فعالیت‌های شغلی مانند بافندگی، فلزکاری، دوزندگی و دامپروری را می‌آزمایند و برای کسب تجربه در محیط‌های کاری مانند مزرعه و حرفه‌های محلی جابدهی می‌شوند. آنهایی که از مناطق روستایی آمده‌اند نیز در زمینه تنظیم طرح کسب درآمد شخصی خود از پشتیبانی کارکنان این مراکز برخوردار می‌شوند.

مدرسه شما برای آماده‌سازی جوانان دارای نیازهای ویژه در جهت دستیابی به اشتغال چه اقداماتی را انجام می‌دهد؟

چه کسانی برای اجرای بهتر این اقدامات می‌توانند به شما کمک کنند؟

مروری بر مطالب این فصل

^۱ . Lusaka
^۲ . Zambia

کارکردن مشارکتی مطالبات بیشتری را به معلمان تحمیل می‌کند. اما این امر، پادشاه‌های بسیاری را نیز برای معلمان در پی دارد، چون آنها برای شاگردانشان فرصت‌های بیشتری را ایجاد می‌کنند. معلمانی که بدین صورت کار می‌کنند شغل خود را ارضا کننده‌تر می‌یابند. برای نمونه معلمان تانزانیایی^۱ احساس می‌کنند مدارس که از مشارکت جامعه محلی و مراجع قدرت بهره‌مند هستند، از جایگاه تجهیزات و امنیت بهتری برخوردارند.

● ممکن است معلمان احساس کنند که برای کار کردن به این روش تربیت نشده‌اند. این احساس درستی است، اما بسیاری از افراد، مطالب و مهارت‌ها را به طور خودآموز فرا می‌گیرند! معلمان با تجربه می‌توانند در این زمینه، سایر معلمان را راهنمایی و حمایت کنند.

● توصیه‌هایی که در این فصل فهرست شده‌اند، نه تنها به نفع دانش‌آموزان دارای نیازهای ویژه می‌باشند، بلکه برای همه دانش‌آموزان مدرسه مفید واقع می‌شوند.

● این رویکردها تعریف جدیدی از نقش مدارس و معلمان ارائه می‌کند و انتظارات متفاوتی را از مدارس بوجود می‌آورند. بدین طریق ارزیابی موفقیت مدارس آسان می‌شود. این ارزیابی با پرسش زیر انجام می‌شود.

آیا مدارس برای دانش‌آموزان در حین تحصیل و پس از فارغ‌التحصیل شدن، زندگی با نشاط‌تر و ارضاءکننده‌تری را
--

^۱ . Tanzania

فراهم می‌کنند؟

ایجاد ارتباط

این فعالیت نهایی از شما می‌خواهد تا به روابطی که بین شما به عنوان یک معلم و مدرسه‌تان با سایر گروه‌های موجود در جامعه محلی وجود دارد، بیاندهید. این کار به بهترین وجه با هم‌اندیشی بعضی یا همه معلمان مدرسه شما، انجام خواهد شد.

پاسخگویی به کودکان دارای نیازهای ویژه نیازمند کار گروهی

همه ماست!

پاسخ‌هایی را که به پرسش‌های این فصل داده‌اید، مرور کنید.

مدرسه شما با گروه‌هایی که در این فصل به آنها اشاره شد، چه روابطی دارد؟ آیا احساس می‌کنید، ایجاد روابطی جدید برای شما و دانش‌آموزانتان مفید خواهد بود؟ در صورت امکان فهرستی از تربیت اولویت‌ها تهیه کنید، به نحوی که مهم‌ترین افراد، در صدر آن قرار گیرند. این کار را می‌توانید با یادداشت توصیه‌هایی در مورد چگونگی ایجاد این روابط ادامه دهید. تلاش کنید، پاسخ‌هایتان را با پاسخ‌های همکاران شاغل در مدرسه خود مقایسه کنید.

**Understandign and
Responding to
Children's Needs
in
Inclusive Calssrooms**

**By:
Roy McConkey et.Al.**

**Trandlated by: Abolfazl Saeedi
With Collabrations of
Sousan Ziaee & Reza Baradari**

Special Education, Publishing Department
2004